

6.

۲۲۸.۹۲

۲۵

حقوق پارلمانی در ایران

و اروپا

تألیف

محمد مصدق السلطنه، دکتر در علم حقوق

تهران ۲۰ دلو ۱۳۰۲ شمسی

در مطبعه « گلیمیان » بطبع رسید

تالیفات مؤلف

بفرانسه

(۱) در خصوص مسئولیت دولت برای اعمال خلاف قانونی که از مستخدمین

دولتی در موقع انجام وظایفشان صادر میشود و قاعده عدم تسلیم مقصرین سیاسی

(پاریس ۱۹۱۳ میلادی)

(۲) مدارک حقوق اسلامی و وصیت در مذهب شیعه (پاریس ۱۹۱۴ میلادی)

بفارسی

(۳) کابلی تولاسیون و ایران (طهران ۴ ذیحجه ۱۳۳۲ قمری هجری)

(۴) شرکت سهامی در اروپا (طهران ۲۱ عقرب ۱۳۳۲ قمری هجری)

(۵) دستور در محاکم حقوق (طهران ۱۳۳۰ قمری)

مختصری از

حقوق پارلمانی در ایران و اروپا

برای

اقایان محترم نمایندگان دوره پنجم تقنینیه

تألیف

۲۲۸۰۹۲

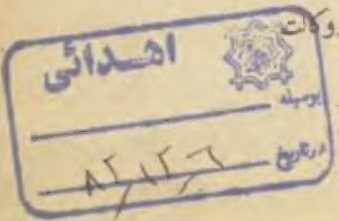
محمد مصدق السلطنه دکتر در علم حقوق

صاحب تصدیقنامه از مدرسه سیاسی پاریس در علوم مالیه و از

محکمه عالیہ نروشانک (سوئیس) در وقت

طهران ۲۰ دلو ۱۳۰۲ شمسی

مجانوی حق طبع و ترجمه آزاد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

در داخله هر مملکتی (۱) قواعد حقوقیه بدو قسم تقسیم

می شود :

حقوق عمومی و حقوق خصوصی

۱ - حقوق عمومی

حقوق عمومی حقوق را گویند که حاکم و حافظ روابط بین

دولت و ساکنین یک مملکتی باشد و این حقوق بدو قسم عمده تقسیم

میشود که هر یک از این دو قسم نیز به تقیسات منقسم میباشد.

(۱) عبارت در داخله هر مملکتی برای اخراج حقوق بین الملل است

که حاکم روابط دولت است با دول دیگر که آثار حقوق

عمومی خارجی نیز گویند

- ۲ -

قسمت اول حقوق سیاسی
(۱) حقوق اساسی
(۲) حقوق عمومی خاص
(۳) حقوق اداری
حقوق عمومی

قسمت ثانی حقوق جزائی
(۱) حقوق جزائی
(۲) اصول محاکمات جزائی

۲ - که برای توضیح این تقسیمات دو مثال ذکر مینمائیم تا
مطلب روشن گردد :

مثال اول - قانون اساسی ایران در اصل نود و چهارم
میلوید : هیچ قسم مالیات بر قرار نمی شود مگر بحکم قانون «
پس دولت نمی تواند هیچ قسم مالیاتی اخذ نماید مگر مجلس شورای
ملی برای اخذ آن وضع قانون نموده باشد این قانون و آنچه از
این قبیل قوانین که وضع شود مجموعشان موضوع حقوق عمومی
خاص را تشکیل مینماید .

پس از آنکه بموجب قانون دولت توانست مالیاتی اخذ کند
در چه موقع و بچه طریق و کی میتواند آنرا وصول کند مجموع
این قواعد مربوط بحقوق اداری میباشد .

مثال دوم - اما در خصوص حقوق و اصول محاکمات
جزائی در ممالک اروپا همچنانکه اصل دوازدهم قانون اساسی هم
میکوید : «حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی شود مگر بموجب قانون»

باین طریق که هیچ کس را نمی توان تعقیب جزائی کرده مجازات رساند مادامیکه عمل او مخالف قانون نباشد مثلاً شخصی در منزل خود بضر بکس یا غیر قلب که از امتیازات دولت میباشد مشغول است و قانون جزائی هم فرض کنیم فعل او را خلاف ندانسته و تعیین مجازات نموده باشد در این صورت او را نمی توان تعقیب کرده سیاست نمود ولی چون قانون جزائی در این باب ساکت نیست البته کسی را که در منزل خود مرتکب ضرب بول قلب یا غیر قلب است مجازات نمیندند (۱) در این صورت اصل سیزدهم قانون اساسی میگوید : « منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهراً نمی توان داخل شد مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده » پس چگونه میتوان وارد خانه شده او را دستگیر نمود ؟ کی است که حکم توقیف یا حبس او را میدهد ؟ و بعد چگونه باید ثابت کرد که شخص متهم مرتکب عمل خلاف بوده تا بمقاد قانون جزائی درباره او اجراء کرده تعیین این مطالب با اصول محاکمات جزائی است .

بطور خلاصه قانون جزائی اعمال ممنوعه و مجازات آنها را تعیین میکند تا اگر کسی مرتکب خلاف قانون شد بطریقی که اصول محاکمات جزائی تعیین می کند ثابت شده او را به مجازات رسانند .

(۱) قانون جزائی عرفی تا کنون در مملکت ما وضع نشده و مجازات بر حسب قانون شرع مقدس میباشد

۲ - حقوق خصوصی

۳ - حقوق خصوصی حاکم است بر روابط مابین مردم یا بر روابط مردم با دولت وقتی که عمل دولت مثل سایر افراد ناس باشد مثلاً اگر اختلافی بین دولت و مستأجر ملکی از املاک دولتی حاصل شد همان قواعد اجاره و استیجار که در باره سایر مردم اجراء است بین دولت و مستأجر هم واجب الاجراء میباشد .
بر خلاف اگر کسی محل امنیت و آسایش باشد حقوق خصوصی بین دولت و او در این مورد واجب الاجراء نیست بلکه حقوق عمومی و بخصوصه حقوق جزائی است چه در این مورد دولت مثل یکی از افراد نیست بلکه نمایندۀ هیئت جامعه میباشد و تقسیمات عمده حقوق خصوصی بقرار ذیل است .

- | | | |
|---|---|------------|
| (۱) حقوق مدنی
(۲) حقوق تجاری
(۳) اصول محاکمات حقوقی | } | حقوق خصوصی |
|---|---|------------|

(الف) در حقوق مدنی داخل میشود قواعد راجعه بحقوق خانواده وارث و کلیه عقود از قبیل بیع و شری و حقوق عینیه و حکمیه از منقول و غیر منقول و غیرها .

(ب) حقوق تجاری در بردارد قوانین راجعه بشرکتهای بروات تجاری و تعاقب و ورشکستی و غیرها را و اصول محاکمات که

راجع بقواعدیست که در محاکم برای اظهار و اثبات و اجرای
حقی واجب الاجراء می باشد

۴ - حال باید دانست که حقوق پارلمانی در جزو کدام
یک از این تقسیمات حقوقی است آیا جزو حقوق عمومی است یا
جزو حقوق خصوصی؟ البته مدرک حقوق پارلمانی حقوق عمومی
عام است باینطریق که اساس حقوق پارلمانی قانون اساسی و سایر
قوانینی است که مجموع آنها حقوق عمومی را تشکیل میدهند که
برای توجه ذهن بعضی از قارئین بدکتر چند مثال متوسل
میکردیم:

باینکه قانون اساسی قانونیست که خطوط عمده مبنای قوای
ثلاثه مملکتی و روابط آنها را با یکدیگر و افراد تعیین می نماید
معذک ملاحظه می کنیم که بعضی از قوانین اساسی بتعیین خطوط
عمده قناعت نکرده و از وضع قوانینی که مربوط باعمال پارلمانی
است خود داری نموده اند.

مثلاً اصل هفتم قانون اساسی ما میگوید: « در موقع شروع
بنداکرات باید اقلاً دو ثلث از اعضا مجلس حاضر باشند و هنگام
تحصیل رأی سربع از اعضا باید حاضر بوده و اکثریت اراء وقتی
حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند » (۱)

۱) بواسطه عدم صراحت این اصل را مجلس شورای ملی در ۱۶ نور
۱۳۲۹ قمری تفسیر نموده که در شماره ۱۶ ملاحظه می نمائیم

و نیز در اصل چهاردهم که میگوید: « مجلس شورای ملی
عوجب نظامنامه علیحده موسوم به نظامنامه داخلی امور شخصی
خود را از قبیل انتخاب رئیس و نواب رئیس و منشیان و سایر
اجزاء و ترتیب مذاکرات و شعب و غیره منظم و مرتب
خواهد کرد » تدوین نظامنامه مجلس را امر و مقرر
فرموده است

گفتیم که مدرک حقوق پارلمانی حقوق عمومی عام است از این
قطعه نظر ممکن است در سایر قوانین موضوعه که تشکیل
دهنده حقوق عمومی هستند خصوصی ملاحظه شود که مربوط
به پارلمان و حقوق پارلمانی باشد مثلاً ماده ۴۹ قانون انتخابات مورخ
۲۹ میزان ۱۲۹۰ شمسی میگوید: « همینکه نصف بعلاوه یک
نفر از نمایندگان ملت در طهران حاضر شدند مجلس شورای ملی
افتتاح می یابد و رأی ایشان با اکثریت مناط اعتبار و
مجراست »

۵ - و باید دانست دخالت قوانین تشکیل دهنده حقوق
عمومی در اصول اعمال پارلمانی غالباً در مواردیست که وضع
قاعدہ شود که اجراء آن در عهده مجلسین باشد (مجلس وکلا
و مجلس سنا) چه که نظامنامه هر یک از مجلسین مخصوص
بخود آن مجلس و بنا بر این در یکی از آنها نمیتوان قواعدی
درج کرد که در امور مجلسین هر دو مؤثر باشد .

و گاه هم ممکن است که برای احتراز از تغییر و استحکام یک قاعده مجلس یا مجلسین بخواهند که قاعده از قواعد که ممکن است در نظامنامه درج شود بصورت قانون در آید .

این مطلب در مملکتی که مجلس از منحصر بفرود است مؤثر نیست مگر اینکه در قانون اساسی باشد چه که قوانین دیگر را مثل نظامنامه مجلس بهولت می توان تغییر داد ولی در مملکتی که دارای مجلسین است بدیهی است که قوانین غیر اساسی هم بدون تصویب مجلسین تغییر نمی یابد و من باب مثال بعضی از قوانین خارجه را ذکر می نمایم :

قانون ۱۹ اکتبر ۱۹۰۲ سوئیس راجع بروابط قواء ثلاثه و نیز قانون ۳۰ دسامبر ۱۸۸۰ ایتالی مربوط بحلف نمایندگان

۶ — بطور خلاصه حقوق پارلمانی که موضوع ماست مثل سایر حقوق دارای مدارک موضوعه و مدارک عادی می باشد .

۱ — مدارک موضوعه

الف) — قانون اساسی

ب) — سایر قوانین که مشکل حقوق عمومی است

ج) — نظامنامه مجلس

و البته باید فرق گذارد بین این نظامنامه با سایر نظامنامه های دیگر زیرا نظامنامه های دیگر زاده قوه مجریه و موضوع آنها توضیح و تشریح و تعیین قواعدی است که برای اجرای قوانین موضوعه

لازم است در صورتیکه نظام نامه مجلس زاده قوای مقننه خواه مجلس وکلا باشد یا سنا و نظر باینکه این نظام نامه دستوریست برای اعمال قواء مقننه قوه مجریه که از حیث رتبه و درجه عالی تر نیست نمی تواند برای ما فوق خود وضع دستور نماید و نظر باینکه خود مجلس مجری نظام نامه است مثل سایر قوانین محتاج بتوضیح نیست (۱) و وضع نظام نامه داخلی نسبت بممالک مختلف می باشد .

۷ — در انگلستان يك نظام نامه داخلی که قبلا پیش بینی و تنظیم

شده باشد نیست هر قاعده که مقتضیات وقت ایجاب نماید در يك موضوع وضع می نمایند و بعد چنانچه لازم شد قاعده دیگری در آن موضوع وضع میشود و قواعدی که باین ترتیب از نقطه نظر احتیاجات آنی تهیه شده کامل نیست و روابطشان با یکدیگر منظر نمی باشد در این مملکت دو نظام نامه معمول است اول دائمی - Standing orders که قواعدی که مقتضیات موقع ایجاب

(۱) قواء مملکت بسه شعبه تقسیم میشود: (۱) قوه مقننه که مخصوص بوضع و تهذیب قوانین است (۲) قوه قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق (۳) قوه اجرائیه که مخصوص باجراء قوانین می باشد در شعبه اول تنها مجلس سنا و مجلس وکلا در تصویب قانون شرکت ندارند بلکه رئیس دولت هم شرکت می نماید و شرکت خود را بوسیله امضای قانون بعد از تصویب مجلسین اجرامی نماید (ملاحظه شود اصل ۲۷ قانون اساسی)

نموده و تدریجاً وضع شده در این نظامنامه داخل است و همیشه واجب الاجراء است مگر اینکه بالصراحه قاعده از این قواعد نسخ گردد .

دولم - نظامنامه نیست که اجراء آن فقط مربوط بیک دوره اجلاسیه می باشد Sessional orders و نظام نامهائی که باین ترتیب تهیه می شود خیلی سهل است در عمل و سهولت است در موقعی که بخواهند از آن استفاده نمایند بواسطه اینکه بایک صورت منظمی تنظیم نشده تا در موقع احتیاج استفاده از آن سهل باشد

۸ - در سایر ممالک عکس انگلستان است قواعدی که محتاج الیه یک مجلس است قبلاً پیش بینی و تهیه شده و در تحت یک صورت منطقی تنظیم و چنانچه مقتضیات وقت تغییر آن قواعد را ایجاب نماید تغییر داده شده و هر تغییر در محل خود قید میگردد در صورتیکه در انگلستان اینگونه تغییرات در محل خود قید نمیشود و بطور ضمیمه بنظام نامه افزوده میگردد .

۹ - در اغلب از ممالک کمیسیون بنام کمیسیون اصلاح نظامنامه در مجلس تشکیل میشود که در پیشنهادات اقبان و کلا راجع باصلاح نظامنامه مطالبات لازم نموده نظریات خود را پیشنهاد نماید و بعد از اینکه عده پیشنهادات زیاد شد قهراً نظام نامه مجلس از صورت اصلی بصورت دیگر در میاید

و تنظیماتی که در موقع تهیه هر نظام نامه رعایت میشود از بین رفته و مجلس بالاخره لازم میدانند که در نظام نامه تجدید نظر شده روابط کاملی بین تغییرات وارده با نظام نامه اصلی برقرار و تنظیماتی که بین مواد و فصول آن لازم است بکار ببرند و ممالکی که در سنوات اخیراً تجدید نظر را در نظام نامه لازم دیده انداز اینقرار است :

یونان در سال ۱۹۰۰ - ایتالی راجع بنظام نامه مجلس وکلا سال ۱۹۰۰ - سوئیس ۱۹۰۳ - ممالک متحدہ دول امریکای شمالی ۱۹۰۳ - اطریش ۱۹۰۹ .

۲ - مرسوم یا عادت

۱۰ - گفته شد که مدارک نظام نامه داخلی پارلمانها یا نصوص است که بهتفصیل ملاحظه شد (قانون اساسی - سایر قوانین - نظام نامه داخلی) و یا مرسوم و عادت حال لازم است که قارئین محترم را باین مدارک چهارم توجه دهیم همانطوریکه در قوانین موضوعه قانونگذار بشری نمی تواند تمام وقایع را پیش بینی کرده و برای حل آنها قواعدی وضع نماید هماسم هم در نظام نامه هیأت شوروی مقنن ممکن نیست بتواند تمام وقایعی که در آتی رخ دهد پیش بینی نموده برای حل آنها قواعدی وضع نماید بهمین جهت اگر مطلب طوری مهم باشد که وضع یک قاعده موضوعه را ایجاب نماید البته پارلمان آن قاعده را

وضع نموده يك چنین قاعده جز وسایر قواعد داخل در نظام نامه
نیکرود ولي اگر مطالب طوری مهم نباشد که محتاج بوضع قاعده
باشد از طرف دیگر هم وقایعی که رخ میدهد و راهی که برای
حل آنها بدست میآید نتوان ندیده گرفت این است که این قبیل
مطالب بدون اینکه موضوع رأی واقع شده باشد در ادارهٔ قنینیه
مجلس ثبت نیکرود .

۱۱ — در انگلیس سوابق و عادات در روزنامه‌های پارلمان
درج نیکرود (۱) و در موقع از آن استفاده می نمایند و در هنگام
شک که آیا موضوعی که وارد شده قبلاً نظائر داشته و سابقه
و عادت برای حل آن در دست است یا نیست حل مطلب را از پارلمان
تقاضا می نمایند و خلاصه این روزنامه برای حوائج فوریه اعضا
پارلمان در کتاب کوچکی منتشر و اول کسی که ناشر این کتاب بود
Clerk در سال ۱۸۰۴ در تحت نظریات رئیس پارلمان
آرا منتشر گرد (۲)

و برای مجلس لرد ها هم همینطور معمول است (۳)

Votes and proceedings (1)

Rules, orders and forms of proceedings of (2)
the house of Commons (Laid upon the table. 19
Aout 1886

Companion to standing orders of the (3)
house of Lords on public bussines .

در انگلستان احترام سوابق و عادات مجددی است که در سایر
ممالک قوانین موضوعه را محترم می شمارند .

۱۲ — در آمریکا سوابق و عادت را در ابتدا جفرسن Jefferson's
ضبط و منتشر نمود (۱)

و مجلس بواسطه يك ماده قانون در مواقعی که حل مطلب
مشکوک باشد آرا واجب الاجرا میداند .

در فرانسه پیر (۲) در اینباب کتابی تألیف نموده و سوابق
و عادت را جمع آورسی کرده که در مواقع لازمه از آن استفاده می نمایند
در ممالک دیگر که عادات و سوابق بواسطه مؤلفین جمع
آورسی نشده و بلا بهمان عادات محفوظه در پارلمان قناعت می نمایند

۱۳ — در ایران هم مدارک از دو قسم خارج نیست مدارک
موضوعه و مدارک عادیه قسمتی از مدارک موضوعه در قانون اساسی
و قانون انتخابات و بقیه در نظامنامه مجلس شورای ملی می باشد
که اولین نظامنامه مجلس در تاریخ ۲۹ شهر شعبان ۱۳۲۴ تدوین
شده و ملاحظه عدم تطبیق بسا احتیاجات و مقتضیات نسخ و

The jefferson, manuel de droit parlementaire (1)
(traduction Pichon) Paris .

Eugène Pierre, de la procédure parlementaire.(2)

Eugene Pierre, traité de droit politique,
electoral et parlementaire.

نظام نامه کنونی در سال ۱۳۲۸ قمری بتصوب مجلس رسیده است .

و اما در باب مدارك عادیه نظر باینکه عمر مجلس ما طویل نیست و پارلمانی است که تازه بعرضه وجود رسیده است عادات و سوابق زیادی مضبوط نیست خصوصاً اینکه ضبط سوابق و عادات در ادوار تقنینیه اول و دوم و سیم معمول نبوده فقط بعضی از سوابق جلیه که در اذهان بوده در موقع رعایت میشده ولی از دوره چهارم تقنینیه در این راه قدمی برداشته اند که بطور خلاصه سوابق دوره چهارم را برای توجه ذهن قارئین در آخر بطور ضمیمه درج می نمائیم .

فصل اول

تقسیمات عمده این فصل از این قرار است :

قسمت اول — در حد نصاب

قسمت دوم — در وکالت از رأی

قسمت سیم — در تہآر و عضو علی البدل

قسمت اول — در حد نصاب

۱۴ حدنصاب را بفرانسه کوئند که فرانسه هم این

اصطلاح را از حقوق پارلمانی انگلیس اخذ نموده و حقوق مزبور

هم از اصول محاکات حقوق رومی اتخاذ نموده است که بتفصیل بیان می نمائیم .

اولا — در عدد حد نصاب معمولاً حد نصاب بر دو قسم است حد نصاب برای مذاکره و حد نصاب برای رأی دادن .

حدنصاب برای مذاکره بعضی اوقات اسباب تأخیر در تصمیم میگردد و مطالبی که در مجلس طرح میشود غالباً در دستجات پارلمانی مذاکره شده و هرگاه يك عدد از نمایندگان مطلع از موضوع در موقع مذاکره حاضر نباشند چندان مهم نیست و البته مقصود وکلایی است که بواسطه حضور در کمیونتهای مجلس از مطالبی که موضوع مذاکره است کاملاً مستحضر و دیگر از حضور در مجلس بر معلوماتشان چیزی مزید نکردد ولی نمایندگان دیگر تا در موقع مذاکره حاضر نباشند در موقع رأی چگونه میتوانند تصمیم صحیح اتخاذ نمایند و بجای اینکه این عده از وکلا مطلع از موضوع در موقع مذاکره در مجلس حاضر باشند می توانند وقت خود را صرف امور شوروی دیگر نمایند ولی اگر تعیین حد نصاب در موقع مذاکره بطوریکه باید مفید نیست در موقع اخذ رأی مفید می باشد زیرا عدم تعیین حد نصاب برای اخذ رأی سبب میشود که غالباً وکلا از حضور در مجلس طفره زنند . اگرچه بوسایل دیگر هم ممکن است از طفره وکلا جلوگیری

نمود از قبیل تأسیس دفتر حاضر و غایب و اخذ جریمه از اشخاص غایب ولی حد نصاب هم وسیله نیست مثل سایر وسایل که بواسطه آن نمایندگان خود را ناچار از حضور میداند و تعیین حد نصاب مفید تر میباشد زیرا اگر بواسطه عدم حضور بعضوی از اعضا جریمه تحمیل شد این جریمه جبران اوقات ضمیمه مجلس را نمی نماید و هرگاه حد نصاب برای حضور اعضا در موقع رأی تعیین نشود با ممکن است که در تصمیمات مجلس فقط عده غیر معنی بهی شرکت جویند و البته تصمیم یک عده غیر معتاد بهی مهم و معتبر نیست از این مقدمه معلوم شد که تعیین حد نصاب اگر برای موقع مباحثه فوق العاده مفید نیست و عملاً هم باز اهمیت نمیدهند برای موقع اخذ رأی فایده آن غیر قابل انکار می باشد ولی حد نصاب را از روی چه میزان باید تعیین کرد؟ آیا لازم است که عده اعضائی که در موقع رأی حاضر میشوند زیاد باشد یا کم و یا متوسط این است که قبلاً بعضی از قواعدهای که در ممالک خارجه در این باب معمول است از نظر قارئین گذرانیده و بعد از قونین داخلی خود سخن میرانیم.

۱۵ — بعضی را عقیده آن است که باید عده را زیاد

تعیین نمود تا اینکه قدرت تصمیمات مجلس بیشتر باشد و برخی باین عقیده معترضند و می گویند عده زیاد سبب میشود که غالباً عده حاضرین بعد نصاب نمیرسد و در اینصورت سبب تأخیر در تصمیمات مجلس شده و آن عده که در مجلس با گذشتن

موضوع موافق نیستند از حد نصاب بزرگ استفاده نموده و این سبب می شود که حربه آنها برای ایجاد مانع Obstruction قوی تر گردد و بملاوه یک عدد از ولای جیدی وظیفه شناس برای سهل انکاری عده دیگر باید معطل و اوقاتشان تضییع گردد و در انگلستان که حد نصاب بزرگ معمول نیست ملاحظه میشود که در احترام و اجرای قوانین اگر بیش از سایر ممالک سعی نباشند کمتر نیستند این است که بعضی از ممالک معتقد بحد نصاب بزرگ اند از قبیل نوروژ - ژاپن - اطریش که حدود دو نصاب تعیین شده است که قانون انتخابات معین می کند و فرانسه - ایتالیا - بلژیک - سوئیس - هولاند - رومانی - یونان و غیره که حدود نصف بملاوه یک کلیه نمایندگانش را لازم میداند و بعضی حد نصاب کوچک را کافی میدانند از قبیل انگلیس که حضور ۲۰ نفر از اعضا در مجلس وکلا و ۲۰ نفر را در مجلس ارباب کافی دانسته است (۱) در ایران اول لازم است بدانیم که مجموع همه نمایندگان شورای ملی چند است و بعد از آن معلوم می شود که در هر جلسه چند است و ملاک تعیین حد نصاب است.

(۱) باید دانست که مجلس وکلا انگلیس حدود ۳۰۰ نفری است و در هر جلسه ۲۰ نفر حاضرند و در هر جلسه ۲۰ نفر از اعضا در مجلس ارباب حاضرند و در هر جلسه ۲۰ نفر از اعضا در مجلس ارباب حاضرند و در هر جلسه ۲۰ نفر از اعضا در مجلس ارباب حاضرند.

ماده اول قانون انتخابات مورخ ۲۹ میزان ۱۳۲۹ قمری چنین گوید : « عدد نمایندگان مات برای مجلس شورای ملی در مملکت ایران ۱۳۵ نفر است » .

چنانچه بر حسب اصل هفتم قانون اساسی حساب کنیم باید در موقع رأی لااقل ۱۰۲ نفر در مجلس حاضر باشند زیرا که اصل هفتم چنین میگوید : « در موقع شروع مذاکرات باید اقل دو نکت از اعضا مجلس حاضر باشند و هنگام تحویل رأی سه ربع از اعضا باید حاضر و اکثریت آراء و غیر حاصل بشود که بیش از نصف مجلس رأی دهد »

ملاحظه میشود که این اصل هر بین حد نصاب در موقع مذاکره و حد نصاب در موقع رأی کمی تفاوت و هر چه را به بزرگترین حد نصاب قائل شده است زیرا ملاحظه شد که بزرگترین حد نصاب در ممالک خارجه دو نکت از کلیه نمایندگان می باشد و در این اصل مقنن حضور سه ربع از اعضا مجلس را برای اخذ رأی لازم میدانند ولی نظر باینکه اجراء این اصل

می نماید ولی حدنصاب ۲۰ نفر در مجلس لردها حد نصاب رأی و در ۱۵ مارس ۱۸۸۹ تعیین شده که تا قبل از این تاریخ حدنصاب برای مذاکره ۵۰۰ نفر و عدد هم سه نفر بود که چون برای اخذ رأی حدنصابی نه بود ممکن بود که با عدد سه نفر حدنصاب مذاکره مجلس لردها بتواند تصمیم هم اتخاذ نماید .

عملی نبوده بجای اینکه گفته شود آنرا محتاج بتفسیر شده است محتاج به تفسیر دانسته اند زیرا که مجلس شورای ملی نمی تواند قانون اساسی را تغییر دهد ولی بر حسب اصل ۲۷ متمم قانون اساسی می تواند آنرا تفسیر نماید این است که در ۱۶ نور ۱۳۲۹ قمری مجلس شورای ملی اصل هفتم را چنین تفسیر نموده است : ماده (۱) « مراد از دو نکت اعضا مجلس و سه ربع که در اصل هفتم قانون اساسی منظور است دو نکت و سه ربع اعضا حاضر و هر مرتبه است در صورتیکه غلظت حاضرین در مرکز باندازد باشد که قانوناً مجلس بتواند تشکیل شود »

ماده ۱۱۶ از قانون اساسی همراه هفتم قانون اساسی اکثریت آراء و قس مجلس و با سه ربع از نصاب حد نصاب مجلس رأی میدهد این است که در این قانون مطالب طرح شده وقتی مجلس مشغول است بیش از نصف حاضر در آن با قبول آن مطالب رأی میدهد (۱)

ماده ۱۱۶ از قانون اساسی که در اصل هفتم و این تفسیر عدد مقنن از حساب طرح نیست مقصود قانون گذار این است که نصف حاضرین نکت مجلس را مؤثر می گویند مورد رأی واقع شده موافقت نمایند خواه اینکه تمام آراء رأی مثبت یا منفی داده و یا اینکه يك عدد امتناع نموده باشند ملاحظه شود شماره ۱۴۳

۱۷ - ملاحظه میکنیم که در ماده اول این تفسیر قانونگذار معتقد بود که حد نصاب بزرگ هر شده است که اگر حد نصاب افتتاح مجلس شورای ملی می باشد و این حد نصاب را ماده ۱۹ قانون انتخابات مورخ ۲۹ میزان ۱۳۲۹ قمری معین کرده و میگوید « همینکه نصف بعلاوه يك نفر از نمایندگان ملت در طهران حاضر شدند مجلس شورای ملی افتتاح می یابد و رأی ایشان با کثرت مناط اعتبار و مجراست

۱۸ - بطور خلاصه در ماده ۱۹ قانون انتخابات مذکور در بالا گردیده است :

حد نصاب افتتاح و حد نصاب مذاکره و حد نصاب رأی و برای حد نصاب مذاکره و حد نصاب رأی هر معتقد بود نصاب بزرگ یا کوچک نشده بلکه حد نصاب متوسط را معین نموده است زیرا بموجب ماده ۱۹ قانون انتخابات ۶۹ نفر از نمایندگان که در طهران حاضر باشند مجلس مفتوح می گردد و بموجب تفسیر این قسم قانون اساسی در موقع مذاکره باید ۶۶ نفر و در موقع رأی ۵۲ نفر از این عده در مجلس حضور بهم رسانند در صورتیکه اگر بحد نصاب بزرگ معتقد شده بود می بایست در موقع رأی حضور ۱۰۲ نفر که سه ربع ۱۳۶ نفر است لازم بداند زیرا ملاحظه نمودیم که در ممالکی که بحد نصاب

بزرگ معتقد شده اند حد نصاب یا دو ثلث و یا نصف بعلاوه يك از کلیه اعضا قانونی است و نه دو ثلث و یا نصف بعلاوه يك اعضا حسیه در مرکز مطلق ماده ۱۹ قانون انتخابات .

ثانیا - در اقسام حد نصاب

حد نصاب را بچهار قسم می توان تشخیص داد : حد نصاب واحد و مختلط و ثابت و مختلف که هر يك را بتفصیل بیان می نمائیم .

۱۹ - حد نصاب واحد - در اینجا مقصود این است که برای مذاکره حد نصابی نیست و ضرورت حد نصاب در موقع رأی میباشد قانون گذار بعدد حاضر در موقع مذاکره هیت تعیین و فقط در موقع رأی عده حاضر را معین می نماید .

۲۰ - حد نصاب مختلط - در اینجا مقصود این است که برای موقع مذاکره یا موقع رأی هر يك حد نصاب معلوم باشد بلکه مقصود اینست که در موقع رأی حد نصاب مختلف باشد باین طریق که در مسائل مهمه بحد نصاب بزرگ و در مسائل غیر مهمه بحد نصاب کوچکتر معتقد شده اند مثلا در بلژیک در موقعی که در قانون اساسی تغییراتی وارد شود و یا اینکه سلطان اجاره تعیین و اعهد و یا اینکه قبول سلطنت دیگر بدهند حد نصاب در موقع رأی حضور دو ثلث از کلیه اعضا قانونی است ولی برای سایر تصمیمات حضور نصف بعلاوه يك بتجمع اعضا

پارلمان کالیف است اصل ۳۸ - ۶۱ - ۶۲ قانون اساسی بلژیک

۲۱ - حد نصاب ثابت - حدنصاب ثابت وقتی است که حضور مطلق قانون گذار می گوید در موقع رای گیری ملازم عدد حاضر باشد خواه اینکه این حد نصاب است و لایحه در مجلس مستحب باشد یا نباشد. مثلاً در مجلس وکلای انگلیس اکنون حد نصاب مذاکره حضور ۴۰ نفر و در مجلس اردها سابقاً حد نصاب رای حضور ۳ نفر و اکنون حضور ۲۰ نفر میباشد.

ای مناسبت نیست که مختصری از تاریخ مجلس حد نصاب مجلس وکلا بیان شود در ۱۶۵۰ که شارل نهم با اطلاع خود نزاع داشت پاریس مجبور بود که جلسات خود را طولانی نموده و این طولانی است نسبت اعضا شده بود بطوریکه در مجلس انگلیس مشاهده می کردیم این عجز بود و زاری بود. ۱۶۱۰ در تعیین حد نصاب مذاکره شده صورت مجلس آن تاریخ ویراسته شد حضور ۲۰ نفر از اعضا را لازم دانسته اند و از آنوقت بعد در مجلس وکلا حد نصاب را تا امروز چهار نفر مشاهده و این حد نصاب با عدد اعضا مجلس وکلای انگلیس همیشه ۱۰۰ نفر است مناسب می باشد (۱۰۰) و باید دانست که در حد نصاب نسبت تراکم و تناسل اعضا مؤثر است هر قدر اعضا مجلس کم یا زیاد

(۱۰) عدد نمایندگان مجلس وکلای انگلیس را هر چند ایران در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۰۲ شمسی در مقاله اساسی خود ۶۰۰ نفر معین نموده از اینقرار حزب محافظه کار ۲۰۷ حزب کارگر ۱۹۰ حزب احرار ۱۰۶

بشود حد نصاب عمان است که هست.

۲۲ - حدنصاب مختلف - حدنصاب مختلف مربوط بهوقعی

است که ضمن يك حدنصاب وقتی معین می کنند بلکه حضور يك سهمی از اعضا، مثلاً دولت یا نصف علاوه يك را لازم میداند و البته این سهم مختلف است زیرا در ست انگلیس اعظمه پارلمان در ۱۸۵۰ و ۱۸۵۱ در عین حال در ۱۸۵۰ و ۱۸۵۱

و این حدنصاب مختلف در بعضی از ممالک به نسبت گنیم اعضا قانونی مجلس تعیین میشود مثلاً اگر قانون انتخابات يك مملکت مجموع نمایندگان را ۱۰۰ نفر معین کرده در حدنصاب دولت باید ۱۰۰ نفر و در حدنصاب نصف علاوه يك ۵۰ نفر در موقع رای گیری حضور داشته باشد از این قبیل است در فرانسه که ماده ۵۸ قانون مجلس سا ۱۸۵۰ و ۱۸۵۱ در حدنصاب مجلس وکلا در سنه ۱۸۷۶ حدنصاب مجلس سا را ۱۵۱ و حدنصاب مجلس شورای ملی را ۲۶۷ نفر تعیین است نصف علاوه يك اعضا مجلسین معین نموده است در جمعیت سا چون فرقی حاصل نشده و همان ۳۰۰ نفر است این است که در عدد ۱۵۱ حد نصاب که نصف بملاوه يك است اختلافی حاصل نشده در صورتیکه بملاحظه تراکم اعضا مجلس وکلا حدنصاب مجلس مزبور که در سال ۱۸۷۶ که به نسبت عدد وکلای آن سال ۲۶۷ نفر معین شده در ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ نفر بوده است.

وهم چنین در آلمان و سایر ممالک دیگر که حدنصاب به نسبت گنیم اعضا مجلس است که قانون انتخابات معین می کنند.

ولی در بعضی از ممالک دیگر حد نصاب دولت یا ۱ + ۱/۴ را از مجموع اعضا مجلس که قانون انتخابات معین می کند حساب نمی کنند بلکه از مجموع اعضای که اعتبار نامه آنها گذشته و قسم یاد نموده اند بعبارة اخری از عده که قانون انتخابات معین می کند عده اعضای که اعتبار نامه آنها نگذشته و یا قسم یاد نموده اند موضوع می نمایند و حد نصاب را از بقیه محسوب می دارند از قبیل امریکا که ماده دوم از قانون سیم نظام نامه سنا می گوید :

« حد نصاب از اکثریت سنا تورهای که منظمأ انتخاب شده و قسم یاد نموده اند تشکیل میبرد »

در بعضی از ممالک هم که این مطالب تصریح ندارد در حد نصاب محل اختلاف است مثلاً قسمت اخیر ماده ۳۸ قانون اساسی بلژیک می گوید : « که هیچیک از مجلسین نمی تواند تصمیمی اتخاذ کند مگر اینکه اکثریت اعضا حاضر باشند »

در چنین مواقع اشخاصی که معتقد بحد نصاب بزرگند می گویند حد نصاب باید از عده که قانون انتخابات معین می کند حساب شود و آنها اینکه بحد نصاب کوچک معتقدند می گویند که از مجموع اعضا قطعی باید محسوب کردد باین طریق که اگر قانون انتخابات يك عده را برای مجلس پیش کوئی می کنند

قطعی نیست از این عده باید اعضای که انتخاب نشده و یا اگر شده اعتبار نامشان نگذشته و برخصی رفته یا وفات نموده یا بواسطه کسالت مجاز در غیبتند در موقع رأی موضوع شده و حد نصاب از بقیه محسوب گردد

۲۳ - در ایران حد نصاب نسبت بعهده حاضر مرکز محسوب میشود با این شرط که عده حاضر در مرکز از نصف بعلاوه يك اعضا قانونی کمتر نباشد و چنانچه قانونگذار حد نصاب را از کلیه اعضا قانونی مجلس که ماده اول قانون انتخابات ۱۳۱۶ مقرر تعیین کرده محسوب میگرداند نیز ممکن بود و بملاحظه اینکه اوضاع مسالمت آمیزی وجود کرده که تمام کارها بیوقف صورت میگیرد و مجلس بتواند بحد نصاب خود که قانون انتخابات معین کرده و یا عده که قریب آن باشد متوجه گردد این است که ماده ۹۹ قانون انتخابات می گوید : « همینکه نصف بعلاوه يك نفر از نمایندگان ملت در لایه ایران حاضر شده مجلس شورای ملی افتتاح می باید » تا بر این نظر اصلی نظام قانون اساسی و قانون ۱۶ ثور ۱۳۲۹ قمری مصر اصل مزبور در موقع مذاکره باید دولت اصلاً حائز در مرکز (۱۶ نفر) و در موقع رأی سه ربع از اصلاً حاضر در مرکز (۲۰ نفر) از مجلس محسوب باشد و باید دانست که این حد قریب است بحد مجلس می تواند شروع بکار کرده و اتحاد رأی نماید

۲۴ — در حد نصاب ثابت و مختلف بعضی را عقیده آن است که حد نصاب ثابت بهتر از حد نصاب مختلف است مثلاً اکثر قانونگذار يك عده مساوی را که تا یکدرجه متناسب با مجموع نمایندگان مجلس است برای حد نصاب تعیین نمود هیچوقت اشکالی در تعیین حد نصاب نیست ولی آنچه لازم است که در حد نصاب نه اینکه مثل حد نصاب ثابت مجلس ولای انگلیس که عدد ۴۰ نفر در مجلس و کلاً متناسب با عدد ۶۰۸ مجموع است

پارلمان است و برخی هم حد نصاب مختلف را بهتر میدانند مشروط بر اینکه مأخذ تعیین فقط مجموع اعضا پارلمان باشد که قانون تعیین میکند چه که در بعضی از ممالک از مجموع اعضا قانونی مجلس نمایندگان انتخاب شده و یا اعتبار نامه تصویب نشده و غیره و باید همیشه در تمام ممالک و اکثر محورها و همه نواح را در حد نصاب تصویب داشت و این گاهی تعیین حد نصاب را دچار اشکال می نماید

ثالثاً - در تحقیق حد نصاب

۲۵ — در مجلسی که عده اعضا زیاد نیست با اینکه حد نصاب بزرگ معمول نیست مثلاً در انگلیس که حد نصاب ثابت معمول است و با حضور ۴۰ نفر میتوان مذاکره شروع نمود تشخیص حد نصاب مشکل نیست ولی این تشخیص مشکل میشود در

موقعی که قضیه بر عکس باشد و باید فرق گذارد بین تقاضای تحقیق از طرف بعضی و تحقیق حد نصاب بواسطه وجود اعضا هیچ کمیتی اعضا شخصاً حق تحقیق ندارند که باین وسیله حربه بزرگی برای ایجاد مانع در دست داشته باشند فقط می توانند از رئیس تحقیق حد نصاب را تقاضا نمایند در اینموقع هم بعضی از تقاضای بعضی برای رئیس هیئت رئیس حق متعدد کمیتیه هم بوجود می آید و در اینموقع تحقیق را در حد نصاب و در حد نصاب برسی دیگر تقاضا را می توان رد نمود و در اینموقع هم در این صورت هم برای اینکه تقاضا فقط از نقطه نظر ایجاد مانع نباشد بعضی از نظامها لازم میدانند که تقاضا از طرف فرد نبوده بلکه از طرف جمعی از افراد باشد و البته این عده هر چه زیاد تر باشد بیشتر میتواند از ایجاد مانع جلوگیری نماید

و تحقیق حد نصاب در بعضی از مجلس بواسطه رئیس و در بعضی دیگر بواسطه هیئت رئیس مجلس می شود و لازم هم نیست که همیشه تقاضا شود تا اینکه از طرف رئیس یا هیئت رئیس حد نصاب تحقیق شود بلکه از نقطه نظر اجرای قوانین و نظامنامه های پارلمانی رئیس و یا هیئت رئیس مکلفند که همیشه از وجود حد نصاب مطمئن باشند باین طریق که هرگاه قرائن و شواهد دال بر وجود حد نصاب است البته تحقیق حد نصاب که باعث تضییع وقت و تأخیر نظریات و تصمیمات پارلمانی است ضرورت ندارد و چنانچه علی الظاهر

وجود حد نصاب مورد تردید و شك باشد قبل از اینکه از طرف
فردی از افراد یاجمی تقاضا شود رئیس یا هیئت رئیسه باید خودشان
در صدد تحقیق بر آیند.

۲۶- در آلمان حدنصاب (که نصف بعلاوه يك مجموع اعضا
قانونی پارلمان است) « فرض وجود میشود مگر اینکه دلیل عدم
وجود بواسطه شاره یا نامیدن اعضا معلوم گردد » (۱) و تحقیق
حد نصاب در سه مورد بعمل میآید :

(الف) چنانچه رئیس یا یکی از منشیان آن را لازم بداند

(ب) بواسطه تقاضای یکی از نمایندگان

(ج) چنانچه پیشنهادی داده شود که در امر تأخیر شود و مقصود
این باشد که حدنصاب نیست

در موقع تحقیق اول کلاه نمایندگان که در محل خود خارج
از پارلمان است شماره میشود و بعد هم اگر لازم شد اعضا را
صدا می نمایند تا عدد حاضر معلوم گردد

در مورد دویم و سیم رئیس می تواند اعتنا نماید و در اینصورت
اعضا حق اعتراض ندارند و لوائیکه از قرائن عدم وجود حدنصاب معلوم
باشد و این سابقه که در آلمان معمول است مورد اعتراض بعضی
از مؤلفین من جمله لاباند (۲) واقع شده و مؤلف مزبور میگوید

Laband Das - staatsrecht des deutschen (۱)
Reiches 1901 Tome I page 328

(۲) Laband در همین کتاب جلد اول صفحه ۳۲۳

نظر باینکه حدنصاب بر حسب ماده ۲۸ قانون اساسی تعیین شده
نه قسط اعضا حق دارند که در این اصل نظارت و تنقیح کرده
و اجزای آنرا بخواهند بلکه ملت عم می تواند پس سکوت پارلمان
در موقع عدم موافقت رئیس در تحقیق حدنصاب باعث عدم رعایت
اجراء قانون اساسی است.

۲۷- در فرانسه حق تحقیق بازپس نیست بلکه با هیئت رئیسه
می باشد و نیز هر يك از اعضا هم که بخواهند می توانند تحقیق
حدنصاب را تقاضا نمایند و رئیس تقاضای او را بنظر هیئت رئیسه
میرساند اگر هیئت رئیسه با تقاضای اظهار وجود حدنصاب نمود تقاضا
رد میشود و الا قبول و بجای اینکه در صدد شماره اعضا بر آید در
محل تقاضای رأی کتبی اخذ می نمایند (۱) و در صورتیکه بعد از
اخذ رای معلوم شد که حدنصاب نیست یعنی نصف بعلاوه يك
مجموع اعضا پارلمان حاضر نبوده اند بر حسب ماده ۸۸ نظام نامه مجلس
سنا و ماده ۹۰ نظام نامه مجلس وکلا موضوع در دستور جلسه بعد
ثبت میشود و در جلسه بعد یا یکی از جلسات بعد رایی که اخذ میشود
قطعی است ولو اینکه حدنصاب وجود نداشته باشد .

۲۸- در انگلستان بعد از اینکه ۴۰ نفر از اعضا حاضر شدند
رئیس مجلس را افتتاح می نماید و چنانچه در جریان مذاکره از
این عده چیزی کسر شود رئیس اهمیت نمی دهد مگر اینکه
(۱) ملاحظه شود شماره ۱۱۸ راجع به رأی کتبی در محل نقل

عضوی از اعضا تحقیق حد نصاب را تقاضا نماید .
در این موقع رئیس مذاکره را توقیف و درصدد تحقیق حد نصاب Count Out بر می آید و مختصر مهلتی داده میشود برای اینکه اعضا خارج از مجلس را که در معبر و کتابخانه هستند اخبار نمایند اگر بعد از این اخبار حد نصاب بتحقیق رسید مذاکرات شروع والاحول بجلسه بعد میگردد .

۲۹ — در اسپانی بر حسب ماده ۲۱۸ نظام نامه سنا « هر يك از اعضا مجلس سنا حق دارد در موقع رأی شماره اعضا را تقاضا نماید برای اینکه معلوم شود حد نصاب هست یا نیست » مفاد ماده ۱۸۰ نظام نامه کنسکره (مجلس وکلا) هم همینطور میباشد

۳۰ — در تعیین حد نصاب دو عقیده مختلفه است عقیده اول این است که حد نصاب باید در موقع رأی باشد خواه اینکه تمام اعضا حاضر در رأی شرکت کرده یا نکرده باشند عقیده دوم میگوید: که مراد از تعیین حد نصاب این نیست که جمعی در موقع رأی حاضر باشند بلکه مقصود این است که عده را که قانون گذار معین نموده و میتواند بنام مجلس اظهاری نموده و تصیمی اتخاذ نمایند در رأی شرکت جویند بنا بر این حد نصاب را نباید قبل از اخذ رأی تعیین نمود بلکه باید بعد از اتخاذ رأی معین کرد زیرا از نتیجه آراء عده موافقین و عده مخالفین معلوم و مجموع

این دو عده رأی دهندگان را تعیین می نماید هر گاه عده رأی دهندگان با حد نصاب مساویست البته ضحیح و الا مقصود قانون گذار بملاحظه عدم شرکت عده حدنصاب در رأی بعمل نیامده و محتاج بتکرار است در صورتی که هوا خواهان عقیده اول می گویند که مراد قانون گذار شرکت حد نصاب در رأی نیست بلکه حضور آنها در موقع رأی است و غیر از این ممکن نبود که در اغلب از هالك مقنن بحدنصاب بزرگ معتقد شود زیرا نصف بعلاوه يك حد نصاب از مجموع اعضا که در اغلب ممالک معمول است اگر تمام رای دهندده باشند کمتر ممکن است که مجلس نتواند بوظایف خود قیام نمایند و بملاحظه اینکه اگر حد نصاب در رأی شرکت نکند حربه بزرگی برای ایجاد مانع بدست اقلیت مینماید در اغلب بلکه اکثریت قریب باتفاق از ممالک حد نصاب را قبل از اخذ رأی حساب می نمایند .

(۱) ممالکی که حد نصاب را در موقع رأی حساب می نمایند ۳۱ — در فرانسه در الزوئن ۱۸۷۸ که در مجلس وکلا در موضوعی اخذ رأی با ورقه در محل نطق بعمل آمد بواسطه امتناع مسلم و معلوم يك عده از اعضا عدد رأی دهندگان از عده که برای حد نصاب معین است کمتر شد سیو کازو Cazeaux یکی از نمایندگان اعتراض کرد باینکه چون عده رأی دهندگان از حد نصاب کمتر است رایی که اخذ شده معتبر نیست سیو گروی Grevy رئیس

اظهار نمود که تشخیص حد نصاب از وظایف هیئت رئیسه است یعنی هر کلاه هیئت رئیسه با اتفاق تصدیق حد نصاب نمود اعتراض هیچ يك از نمایندگان وارد نیست گذشته از این حکم ماده ۹۰ تنظیمه مجلس این نیست که نصف بعلاوه يك مجموع اعضا پارلمان در رأی شرکت جویند بلکه باید در مجلس حضور بهرسانند و با اینکه تفسیر نظام نامه مجلس محتاج به رأی مجلس نیست بملاحظه اهمیت مطالب رئیس چنین تقاضا نمود که در این باب مجلس رأی بدهد هیچ کس از اعضا از محل خود قیام نکرد و موضوع را محتاج به رأی ندانسته و رأی که اخذ شده بود با اینکه عده رأی دهندگان کمتر از حد نصاب بود معتبر دانستند این سابقه در جلسه ۱۷ دسامبر ۱۸۸۴ و ۸ ژوئیه ۱۸۸۶ و ۲۳ آوریل ۱۸۹۶ در مجلس تأیید گردیده است .

در یونان — اصل ۶۶ قانون اساسی و ماده ۱۰ نظامنامه مجلس میگوید : « انعقاد مجلس و اخذ تصمیم باید با حضور لا اقل نصف بعلاوه يك اعضا باشد »

در ایتالیا — ماده ۳۰ نظام نامه مجلس سنا مقرر دوم از ماده ۶۳ نظام نامه مجلس و کلا چنین گوید : « تمام اعضا حاضرند حسب پیشیند برای عده که لازم است که تصمیمات مجلس با اکثریت مطلق رأی دهندگان معتبر باشد » که مقصود این است عده حاضره قبل از رای مناط اعتبار است و تصمیم هم وقتی معتبر

است که اکثریت مطلقه رأی دهندگان موافق باشد نه اکثریت مطلقه عده حضار

در بلژیک — اصل ۳۸ قانون اساسی چنین گوید : « هیچیک از مجلسین نمی تواند تصمیمی اتخاذ نماید مگر اینکه اکثریت اعضا جمع باشند » که این اصل فقط بحضور اعضا قناعت کرده و شرکت آنها را در رأی لازم ندانسته است . از این قبیل است آلمان - دول متحده امریکای شمالی (مجلس وکلا) - روزه - اطریش - وغیره وغیره .

(۲) ممالکی که حدنصاب را بعد از رای می شمارند .

۲۲ - عده این ممالک قلیل و شرکت تمام عده حدنصاب در رأی غالباً در ممالکی معمول است که رای برای اعضا اجباریت و عده حاضره بدون استثناء رای دهند می باشند و یا اینکه حدنصاب خیلی کوچک باشد که اگر بقدر عده حدنصاب از اعضا در رای شرکت نکنند واقعاً توان آن تصمیم را از هیئت شوروی دانست از این قبیل است انگلیس که اگر در مجلس وکلا که ۶۰۸ نفر عضو دارد هر کلاه ۴۰ نفر هم که عده حد نصاب مناکره است در رأی شرکت نکنند حقیقت نمی توان آن تصمیم را از مجلس دانست همچنین است مجلس لردها که حدنصاب رای ۲۰ نفر می باشد (ملاحظه شود نمره ۷۰ رای اجباری در انگلیس) در هولاند - ماده ۳۶ نظام نامه مجلس سنا میگوید : « رای

کتبی معتبر نیست اگر عده اوراق که صحیحاً داده شده از نصف
اعضائی که در مجلس قبول شده از تجاوز نماید . (۱)
ماده ۱۰۴ — نظام نامه مجلس وکلا چنین گوید: «رای کتبی
معتبر نیست اگر عده اوراق که صحیحاً داده شده از ۵۱ نفر
بیشتر نباشد»

در دانمارک — اصل ۶۱ قانون اساسی میگوید: هیچیک از
مجلسین نمی تواند تصمیم اتخاذ نماید . اگر نصف بعلاوه يك
اعضایش حاضر باشد و در رای هم شرکت نماید . ملاحظه
میشود که این اصل با تصریح شرکت اعضا حاضر را لازم
داند و عده متمتعین از رای باید خارج از حد نصاب و عده
رای دهندگان باید لااقل معادل حدنصاب باشد .

از این قبیل است دول متحده امریکای شمالی (مجلس سنا)
که شرکت حد نصاب را در رای لازم می داند

۲۳ — در ایران ماده ۱۰۰ نظامنامه مجلس شورای ملی
میگوید: «عده کافی برای مذاکرات و گرفتن رای موافق اصل
هفتم قانون اساسی است: تشخیص عدد حضار به عده هیأت
رئیس است» و اصل هفتم چنین گوید: «در موقع شروع بمذاکرات باید
اقلاً دو نلث از اعضا مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رای
سه ربع از اعضا باید حاضر بوده و اکثریت
آرای و قبی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رای
در تمام موارد حدنصاب نصف بعلاوه يك مجموع اعضا
باید از آن می باشد .

بدهند» بنا بر این اصل لازم نیست که حدنصاب از عده که در
رای شرکت نموده اند محسوب شود بلکه حدنصاب از عده که
در موقع رای حاضر هستند محسوب میشود و تصمیم مجلس
وقتی قطعیست دارد که لااقل نصف بعلاوه يك از حضار بآن رای
داده خواه اینکه تمام حضار در رای شرکت کرده یا
نموده باشند .

تشخیص عدد حضار هم بنا بر ماده ۱۰۰ نظام نامه فقط با هیئت
رئیس است بنا بر این نه فرد و نه جمعی از اعضا حق ندارند
که در تشخیص حدنصاب تعدادی از رئیس یا هیئت رئیس بنمایند و این
را هم باید دانست که کلاً ممکن است که هر موقع که حدنصاب
برای رأی دادن هست در رأی هر تمام عده حاضر در شرکت
نمایند و آن در موقع اخذ رأی بقیام و قعود است زیرا بر حسب
ماده ۸۲ نظام نامه در مجلس رای به قسم اخذ میشود (۱) رای بقیام و قعود
(۲) رای علنی (رای باورقه) (۳) رای مخفی (رای باورقه و مهره)
در موقعی که اخذ رای باورقه یا با مهره میشود هر کس
بخواهد رای میدهد یعنی عقیده مثبت یا منقیه خود را اظهار میکند
و آنکسی هم که مردد است تمباً یا انباده نتواند عقیده اظهار
کند در رای شرکت نکرده امتناع می نماید و یا باوجود
اینکه در نظامنامه حکمی نیست ولی در مجلس عمل شده و

سابقه پیدا کرده است در رای شرکت میکند ولی عقیده همیشه
 یا منفی اظهار نمی کند فقط يك ورقه سفید غیر رسمی میدهد چون
 ورقه سفید رسمی که علامت رای مثبت است ورقه است که خود
 مجلس تهیه کرده و نام رای دهنده در روی آن طبع شده و در
 اول هر دوره تقنینیه بنامیدگان داده میشود در اینصورت ورقه دیگری
 که رای دهندگان در ظرف رای بگذارند با اینکه سفید باشد
 و اسم رای دهنده هم در آن طبع شده باشد (مثلاً کارت اسم)
 رسمیت ندارد و در عدد آراء مثبت محسوب نمی گردد (ملاحظه شود نمره ۱۴۳)
 ولی در موقع رای بقیام و قعود شرکت حضار در رای
 قطعی است زیرا بطوریکه در نمره ۹۸ - ۹۹ ملاحظه می نمایم
 در اروپا رای بقیام و قعود بدو قسم اتخاذ میشود باین طریق که
 در بعضی از ممالک يك مرتبه موافقین قیام می نمایند و یکمرتبه
 هم مخالفین در اینصورت اشتباهی که در این دو مرتبه قیام نکند
 جزو متمین محسوبند و در بعضی از ممالک دیگر قیام فقط یکمرتبه
 می باشد اغلب فقط موافقین قیام می نمایند در اینصورت متمین هم
 که مثل مخالفین قیام نمی کنند در عدد مخالفین بشمار می آیند و گاه
 فقط مخالفین پس متمین در عدد موافقین محسوب می شوند و چون
 در مجلس ما هم فقط موافقین قیام می کنند و مخالفین این
 است که قهراً متمین از رای هم جزو رای دهندگان موافق و یا
 مخالف بشمار می آیند.

قسمت دوم - در وکالت از رای

۲۴ - در قسمت اولی ملاحظه شد که نظریات متقن این است
 که حتی المقدور بوسیله اتخاذ يك عده که همتی باشد از اعضا
 پارلمان اگر در موقع مذاکره بهم نیست لا اقل در موقع رأی
 شرکت نمایند و این وسایل یا اخذ جریمه است از اعضا غایب و
 یا طوری که ملاحظه نمودیم تعیین حد نصاب
 در موقع رأی در این صورت ایا ممکن است اجازه داده شود
 بیک عضو یا بیک عده از اعضا که هر کاه خود نتواند در جلسات
 پارلمانی حاضر شوند از شرکت در رأی لاقابل خودداری نمایند؟
 بنظر نمی آید زیرا اگر حد نصاب فلسفه مهمش اینست که
 عده متقنایی در پارلمان حضور بهم رسانند وکالت در رای سبب میشود
 که عده زیادی از اعضا که عذر موجهی برای حضور در مجلس
 ندارند بواسطه تبلی از حضور خود داری نموده رای خود را
 بسایر همقطاران واگذار نمایند

۲۵ - ممکن است که گفته شود یکی از منافع وکالت در
 رای این است که نماینده که میخواهد رای بدهد و معذور
 است بهتر از ترتیبات محلی خود مطلع و چنانچه محروم شود ضرر
 منافع محلی و موکلین او میرسد این فایده در قبال مضاری که
 ذکر شده و میشود مهم نیست علاوه اعضا پارلمان در مجلس تبعیت

از دستجات پارلمانی خود می نمایند فرضاً هر که يك نفر عضو معذور بعضو دیگری وکالت دهد رای او تابع رأی دسته پارلمانی است که در آن عضو میباشد بعلاوه از محضات حضور در مجلس فقط این نیست که نمایندگانی بتواند رای خود را اظهار کند بلکه این است که در موقع مذاکرات حاضر شده از نتیجه مذاکرات اتخاذ عقیده نماید چنانچه معلومات و فصاحت يك نماینده بدرجه نیست که بتواند در موقع مذاکره عقیده اظهار کند لاقلاً میتواند از نتیجه مذاکرات معلوماتی حاصل کرده و بطور اختصار که رای باشد عقیده خود را اظهار نماید ولی اگر رای خود را بدیگری واگذار کرد عقیده مستقلی اظهار نکرده و در حقیقت استغنا از عقیده خود داده است .

در تمام پارلمانها وکالت در رای مجاز نیست و بعضی از ممالک بالعصا انرا غدغن بینمایند .

۲۶ — در اطریش ماده ۱۷ قانون اساسی ۲۱ دسامبر ۱۸۶۷

می گوید : « نمایندگان باید رای خود را شخصاً بدهند »

۲۷ - در انگلستان فقط مجلس لردها وکالت در رای را جایز می دانست

ولی بر حسب يك Standing order ۱۳ مارس ۱۸۶۸

مقرر شده است که وکالت از رای منسوخ باشد و هرگاه پیشنهادی بزیر قراری آن بشود باید دو روز قبل لرها از چنین پیشنهادی مستحضر کردند و تا اکنون پیشنهادی نشده و عملاً برقرار نشده است

از این قبیل است آلمان — بلژیک — ایتالی — یونان — سوئد — سوئیس — ممالک متحده امریکای شمالی و غیره .

فقط فرانسه است که با نبودن نص قانونی وکالت در رای را معمول داشته است ولی البته باید دانست که وکالت در رای وقتی ممکن است اجراء شود که اتخاذ رای با ورقه باشد چه در قیام قعود یا طریقته های دیگر که ملاحظه خواهد شد وکالت از رای صورتی ندارد .

۳۸ — در فرانسه رای با ورقه بسه طریقته اخذ میشود :

- (۱) رای دادن در محل جلوس (۲) رای دادن در محل نطق که ورقه رای را در محل نطق در ظرف رای میگذارند
- (۳) رای با ورقه بعد از نامیدن رای دهنده در طریقته اخیر وکالت از رای ممکن نیست (ملاحظه شود نمره ۱۱۹) در طریقته نانی هم چون هر رای دهنده باید شخصاً يك مهره که موسوم بمهره تفتیشیه است قبل از رای دادن گرفته و در موقعی که ورقه را در ظرف میگذارد آن مهره را هم در ظرف مخصوص باز بیندازد در این صورت رای در ظرف حاضر نمیست که در این وسیله نام وکالت نماید (ملاحظه شود نمره ۱۱۸ آخر صفحه)

ولی نظر باینکه این طریقته رای دادن واسعه از حد طولانی است و دیگر اینکه بخواهش يك عدد از اعضا باید صورت

کیرد کتراجرا میکرده این است که ظرف رای را جلوی رای دهندگان میاورند در این موقع بجای اینکه رای دهنده اکثر موافق است ورقه سفید و الا ورقه ابی بیندازد ممکن است چند ورقه دیگر هم از طرف نمایندگان دوست خود که غایب هستند بوکالت از طرف آنها در ظرف بگذارد و باین طریق ممکن است برای یک نماینده غایب چند نماینده حاضر بطور نفی و اثبات رای بدهند مثلا برای یک نفر غایب پنج نفر حاضر رای بدهند که سه نفر از آنها رای مخالف داده باشد و دو نفر رای موافق که در موقع نتیجه هیئت رئیسه مجبور از اصلاح کردند .

۳۹ — این اصلاح را بفرانس Pointage گویند و این است که در مقابل آراء موافق آراء مخالف را بیکذارند هر کادعه مخالف و موافق مساوی بود رای بالمرد ساقط و در امتناع محسوب میشود و در صورتیکه مازاد موافق باشد رای موافق را والا رای مخالف را بدسته موافقین یا مخالفین اضافه می نمایند .

و نظر باینکه اغلب از نمایندگان غایب از این وکالت بی اطلاع و وکالت فتوولی است غالباً ملاحظه میشود که ان نمایندگان در نتیجه ناچار میشوند که رای که بانها نسبت داده شده از روی عقیده و باصرف عوام فریبی فقط برای جلب افکار موکلین تکذیب نمایند و باید دانست که تکذیب در رای مجلس مؤثر نیست (ملاحظه شود شماره ۱۶۹)

خلاصه آنکه در فرانسه وکالت از رای معمول است و تا کنون هم پیشنهادات عدیده برای نسخ آن یا برای اینکه لااقل اگر معمول هم باشد برای یک نماینده بیش از یک مرتبه رای داده نشود (مثلا بوسیله گرداندن ورقه آبی و ورقه سفید که اسم تمام اعضا پارلمان در روی آن دو ورقه نوشته شود و هر کس که موافق است روی ورقه سفید و الا روی ورقه آبی امضا نماید و باین ترتیب اگر از طرف عضو غایب هم کسی امضا نماید فقط یک مرتبه باشد لا غیر) تقدیم شده ولی مؤثر واقع نگردیده است (۱) .

(۱) جریده تان در ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹ می نویسد : « کمیسیون نظامنامه مجلس تصمیم گرفته است که بمجلس پیشنهاد کند که نماینده که دفتر حاضر غایب را امضا میکند ورقه رایی هم که تاریخ همان روز را داراست و فقط در همان روز برای دادن رای معتبر است دریافت می نماید » .

فرضا که این پیشنهاد هم میگذشت باز از وکالت از رای جاوگیری نمیکرد زیرا که برنده ورقه ممان است که بعد از اتمامی دفتر غایب شود و ورقه رای را یکی از همقطاران خود بدهد که او در ظرف رای بیندازد .

قسمت سیم — در تهااترو عضو علی البدل

اولا — در تهااتر (Pairing)

۴۰ — بطوریکه ملاحظه نمودیم تنها حکمت وکالت در رای این بود که اگر نماینده نتواند حاضر شود بوسیله وکالت دادن بغیر رای او را یکی از نمایندگان دیگر اظهار نماید و البته غالباً اصرار نمایندگان غایب در وکالت دادن بهمقتضای خود برای این است که عقیده دسته پارلمانی یا فرقه خود را غالب سازند حال اگر ممکن شود که بکسبی وکالت در رای داده نشود و این نقطه نظر هم که مغلوب ساختن طرف مقابل است بعمل آید آیا بهتر نیست که باین طریق موازنه سیاسی محفوظ باشد؟ تردید نیست چرا که علاوه بر وکالت دادن در مجلس است که می تواند حاصل گردد یعنی صورتی که وکالت از طرف دیگر بکار نیفتد موافق سیم ویکل از فرقه و دسته او باشد است اصرار رای در صورتی که مقصود حقیقتاً از آن است که رای را بشمارد این مقصود از فرقه اهل رای را تسخیر نموده اند و آن نیست که نماینده معذور سعی میکند که با تعلیل از دست غایب که از حضور معذور است قرار داد کند که سبب آن طرفین در جلسه حاضر شوند و تکلیف موازنه عقیده سیاسی بین طرف نماینده غایب از دستجات مختلف حاصل میگردد .

در وکالت در رای اگر ممکن است که عقیده حاضر با

عقیده غایب موافق نبوده و مقصودی که غایب از وکالت باو برای دادن رای دارد حاصل نکرده در تهااتر این مطلب وقوع ندارد زیرا شخص معذور با کسی قرار داد میکند که عقیده او با خودش مطابق مخالف باشد و بوسیله قرار داد از حضور در مجلس احتراز نماید .

۴۱ — ممکن است تهااتر معذور است

تکلیف — در انگلستان تهااتر در مجلس معذور است و قرار داد تهااتر با این است که فقط برای ابتدای هر موضوع معنی باشد بلکه ممکن است برای کلیه موضوعات حکم در یک جلسه یا در مدت یک هفته و یا چند ماه طرح میشود متضد گردد و این طریق بواسطه تشکیلات اساسی فرقه در انگلستان حاصل است چرا که نماینده معذور نتواند از دست مخالف کسی را تعیین کرده با او قرار داد نماید لیدر فرقه متوجه بناو اجلاز است لایحه قرار داد تهااتر در انگلستان یک صورت رسمی دارد در جراید یک روز قبل از اینکه در مجلس رای داده شود منتشر میگردد بالاخره در جرایدی که خلاصه جلسات مجلسین را منتشر می نمایند اسمی اعضائی که تهااتر نموده اند درج میگردد .

۴۲ — در بلژیک ابتدای جلسه رئیس فهرست

اسمی اشخاصی که تهااتر نموده اند می خوانند و فهرست مزبور

روز بعد در لژانال (Les annales) و مونی تور (Moniteur) درج میگردد .

بنظر میآید که تبار در این مملکت برای تخفیف دادن مشکلاتی است که حد نصاب بزرگ ایجاد نموده است زیرا که نظام نامه حد نصاب بزرگی برای افتتاح جلسات تقاضا می نماید که در صورت فقدان افتتاح جلسه به بعد محول میگردد در اینصورت البته بجا و بموقع است که اشخاصی را که تبار نموده اند جزو حد نصاب محسوب نمود زیرا یکی از فلسفه های حد نصاب این است که عده زیادی از دستجات و فرق مختلفه باشند و نسبت بموضوع با نظریات موافق و مخالف مذاکره نموده حقیقت امر که بدست آمد برایش اطلاعات کامل و عقیده روشن اظهار رئی نمایند ولی وقتی که دو نفر از دستجات مختلفه تبار نمایند و نظام نامه مجلس هم بحد نصاب بزرگی برای افتتاح قائل شده باشد البته برای احتراز از تأخیر امور مقتضی است که اشخاصی که تبار نموده اند ولو اینکه حاضر نیستند جزو حد نصاب و اعضا حاضر بشمار آیند .

امریکا — از ممالکی که در آن تبار معمول است دول متحده امریکای شمالی می باشد

ثانیا — در عضو علی البدل

۴۳ — ملاحظه نمودیم که از تعیین حد نصاب متعوض قانونگذار حضور عده معتاد بی از نمایندگان است در مجلس که

در مذاکره شرکت جسته و رانی که موافق مصالح مملکت است اظهار نمایند و تعیین حد نصاب در حقیقت احتیاطی است که قانونگذار برای حضور چند اقل از نمایندگان می نماید یعنی عده اعضاء حاضره هیچوقت از حدی که معین شده است کمتر نباشد بنا بر این ایا بهتر نیست که عده اعضاء حاضره با عده که قانون انتخابات معین میکند تعادل نموده و اگر به مجموع عده نمایندگان که قانون انتخابات معین می کند نرسد خیلی هم کمتر نباشد ؟ بدیهی است که اعضاء حاضره در مجلس هرچه نزدیک تر باین عده باشند بهتر می تواند از منافع عمومی مملکت و مصالح محلی که از اجبا انتخاب شده اند دفاع کنند و از این نقطه نظر گفته اند که ایا بهتر نیست که یک عده نمایندگان هم بطور علی البدل باشند که هر کلا برای اعضا اصلی مانعی رخ دهد آن ها عده نمایندگان را تکمیل نمایند بلی :

اما باید دانست که عده اعضاء علی البدل از روی چه مأخذ معین شود بهمان عده که قانون انتخابات عده اعضاء مجلس را تعیین میکند ؟ ایا این اعضاء بواسطه مات انتخاب میشوند یا بواسطه خود مجلس ؟ ایا عضو علی البدل مطابق دستور عضو اصلی رای می دهد یا اینکه هر چه بنظر خود او آید مختار است ؟ در هر حال در طلب تاکنون حل نشده و فقط در تروژ طریق معمول است که از جواب مثبت مسائل فوق چندان منحرف نیست و آن این است که در موقع انتخابات رای دهندگان هم

عضو علی الاصل وهم عضو علی البدل هر دو را انتخاب می نمایند ولی اعضا علی البدل قائم مقام اعضا اصلی نمیشوند مگر اینکه عضو اصلی وفات نموده باشد .

در حقیقت این اعضا را نمی توان علی البدل دانست زیرا عضو علی البدل وقتی باید گفت که عضو اصلی باشد و بواسطه موافقی نتواند حضور بهرساند ولی وقتی که فقط بواسطه مرگ وکیل کسی بجای او قائم مقام گردد در حقیقت وکیل جدیدی است که بمجلس آمده و فقط انتخاب او قبل از فوت سلف بعمل آمده است

۴۴ — در ایران نظر باینکه جریان انتخابات بطوری وعده اعضا پارلمان نسبت بغالب ممالک دیگر قلیل و مخارج انتخابات کزاف است هرگاه طریقه بروز عملی گردد که قائم مقام هرنهائیده بعد از او معاموم باشد بنظر بدنیاید و هرگاه در بروز تمام جهات مذکور سبب وضع این قاعده نیست بعضی از آن علت میباشد .

فصل دوم

تقسیمات عمده این فصل از این قرار است

قسمت اول — در بیان مذاکره در لوایح قانونی و اصلاحات

قسمت دوم — در بیان حق تقدم

۴۵ — از انتخاب اعضا و افتتاح مجلس مقصود تحصیل مطلوب است که تصمیم مجلس باشد ولی این تصمیم نتیجه رایی است

که مجلس میدهد و بدینوسیله است که قبل از اتخاذ رای تا در موضوع رای بقدر کافی مباحثه و مذاکره نشود مطالب برای اینکه مجلس بتواند تصمیمی اتخاذ نماید روشن نیست و گاه هم ممکن است که موضوع مباحثه منحصر بفرد نبوده يك یا چند باشد که باید معلوم شود کدام يك از موضوعات در مباحثه و مذاکره حق تقدم دارند این است که در قسمت اول ما از مذاکرات و در قسمت دوم از حق تقدم صحبت می کنیم

قسمت اول — در بیان مذاکره در لوایح قانونی و اصلاحات

۴۶ — در مجلس ما هیچ لایحه قانونی نمی توان رای داد مگر اینکه دو مرتبه و لا اقل بفاصله پنجروز در باره آن شور شده باشد و استثنای از این قاعده لوایحی است که فوریت آرا مجلس تصدیق نماید و در نظامنامه

و این مطلب فقط بلوایح قانونی اختصاص ندارد بلکه

طرح قانونی هم که از طرف نمایندگان میشود ولو اینکه در ماده

۷۷ نظامنامه قید نشده است تابع این قاعده می باشد

طرح یا لایحه قانونی که فوریت آن تصدیق شده باشد

فقط يك نوبت در باره آن شور میشود و در این شور بدو در

باره آن بطور کلی و رویم رفته مباحثه میشود پس از آن در باب

صلاحیت مذاکره فرداً فرد مواد آن رئیس از مجلس کسب رای

می نماید و ۷۷ نظامنامه .

نه این است که رئیس در باب صلاحیت

در مذاکره مواد لوایح فوری رای می خواهد بلکه در لوایح غیر فوری هم باید در خصوص مذاکره در مواد مجلس رای بدهد و در این باب ماده ۸ چنین گوید: « وقتی که مباحثات لایحه بطور کلی ختم شد باید مواد آن لایحه يك يك مباحثه شود. رئیس در این خصوص از مجلس رای میخواهد اگر در مباحثات ماده بماده رای داده نشد رئیس رد لایحه را نمیتواند بکند (۱) و اگر مباحثات ماده به ماده قبول شد شروع به مباحثات شده در باب هر يك از مواد و اصلاحات راجع مذاکرات بعمل میآید

(۱) در موقعی که دولت لایحه قانونی راجع به برنامه که بایستی از دولت خارج منقذ میشود به مجلس تقدیم نماید در اینصورت بموجب ماده ۳۲ نظامنامه راجع به مذاکره در مواد رای گرفته نمیشود زیرا رای منقذ مجلس مستلزم رد عهد نامه و شاید رائی که باین سهولت مجلس بدهد اساماً مخالف باصلاح و صورتاً مخالف نزاکت بین المللی باشد این است که اگر در ضمن شور اول یا شور دوم نمایندگان اعتراضی داشته باشند از آن خودداری نموده فقط از مجلس ارجاع لایحه را به کمیسیون تقاضای نمایند اگر مجلس تصویب کرد برای شور ثانوی کمیسیون نظریات خود را در باب اعتراضات معترضین اظهار و مجلس مد از ملاحظه راپورت کمیسیون یا با لایحه دولت موافقت نمیی نماید و یا مخالفت و برای اینکه از نزاکت خارج نشود

پس از آن در خصوص شور ثانوی مجلس رای میدهد. در شور ثانوی در خصوص هر يك از مواد لایحه و اصلاحات راجع رای گرفته میشود بعد از این ترتیبات يك رای قطعی در کلیه لایحه داده میشود ولی قبل از دادن این رای هر يك از نمایندگان حق دارد ملاحظاتی که بطور کلی در رد یا قبول لایحه دارد اظهار نماید.

۴۷ — و باید دانست که این رای قطعی در کلیه لایحه را رای در کلیات گویند و بطوریکه ماده ۸ می گوید قبل از دادن این رای هر يك از نمایندگان حق دارد ملاحظاتی که بطور کلی در رد یا قبول لایحه دارد اظهار نماید که علت را بعد از ذکر مقدمه ذیلا بیان می نماید.

باید دانست که این رای در کلیات را می توان بچند قسم تقسیم نمود رای در کلیات يك عبارت اگر آن عبارت قابل تقسیم بوده و هر يك از تقسیمات جداگانه رای داده شده باشد که ماده ۹۹ نظامنامه در اینباب چنین گوید: « در مسائل و موادی که مشتمل بر فقرات مختلفه است اگر تجزیه آن و لو از طرف یک نفر

چنانچه تعویق یابد لایحه منظور باشد مجلس چنین رای میدهد: مجلس شورای ملی دولت تکلیف می کند که در این شرایط معترض علیها مجدداً با دولت متعاقد داخل مذاکره و گفتگو شود»

خواسته شود باید آن ماده یا مسئله تقسیم شده و جزو مجزوی رای گرفته شود ولی پس از آنکه در جزو آخر رای گرفته شد مجدداً باید در مجموع قسمتهاییکه قبول شده است رای گرفته شود.

در صورتیکه در طرح و در اصلاحیه و در ماده قانونی اول باید ماده عمده و بعد در کلیه آن رای گرفته شود.

بطور خلاصه رای در کلیات يك عبارت یا يك ماده یا يك فصل یا يك طرح و یا يك لایحه که در رای در کلیات بطوریکه در ماده ۸ مقرر است و در سایر پارامنها هم معمول است هر يك از نمایندگان حق دارد ملاحظاتی که بطور کلی در رد یا در قبول لایحه دارد اظهار نماید و این برای این است که در رای در جزئیات رای دهندگان ممکن است بی آثار کلیات نبوده و بعد از اینکه مجموع از نظرشان گذشت عیب لایحه معلوم شده عقیده دیگری دارا شوند که مطلقاً با عقیده که در رای در جزئیات داشته اند مخالف باشد و اینک بواسطه تفسیراتی که در ضمن شور در مورد این لایحه بطوریکه در ماده ۱۰ لایحه در مورد اکثریت وضع گردیده است در صورت لازم است ملاحظاتی خود را اظهار نماید و چنانچه در شرایط ممکن از انشاء موافق بوده و در کلیات مخالف است در صورت ملاحظاتی خود را برای این پیشنهاد اظهار و سایرین را نیز باخود شریک نماید بعضی اوقات هم ممکن است که با اینکه جزئیات با اتفاق یا اکثریت تصویب شده در رای

در کلیات پیشنهاد رد شود و آنوقت است که در جزئیات مخالف پیشنهاد دولت رای داده شود و هر گاه رای در کلیات هم با رایی که در جزئیات داده شده موافقت نماید منجر بسقوط دولت شود.

از نقطه نظر مصالح سیاسی که ابتناً دولت است رای در کلیات با رایی که در جزئیات داده اند مخالف میشود

۴۸ - و نیز باید دانست که در هر لایحه لازم نیست که در مورد هر یک از اجزای آن موافقت با قانونگذار معین نموده فقط يك شورز کافی است و آن در سه مورد است که بالا ۹۰ حکم به شرح میکند.

- (۱) در موقع رای در مورد دخل و خرج مملکتی
 - (۲) قوانین که مبالغه در جرم و جرایم را در مجازات مشخص است
 - (۳) قوانین راجع به منع خمر
- دلیل مورد اول معلوم است زیرا در بودجه دخل و خرج مملکتی اقتدر نمایندگان مذاکره می نمایند که هرگاه شور دیگری هم لازم بود بنظر نمی آید که در سال مطلوب تصویب بودجه اعلام شود در مورد دوم هم نظر لغویت این است که مشن يك شور را کافی دانسته ولی در مورد سیم که لایحه قانونی راجع به منافع محلی است نظر قانونگذار بر ما نامعلوم است زیرا از نقطه نظر وضع قوانین تصور نمی شود که اهمیت قوانین راجع به منافع محلی در سایر قوانین کمتر باشد.
- ظاهراً نظامنامه مجلس وکلای فرانسه از نقطه نظر این حکم انجمن های ایالتی و ولایتی و یا بلدی

قبل از وضع قانون نظریات خود را در منافع محلی اظهار می نمایند و در حقیقت این هیئات شوروی علی بمصالح و بمنافع خود بیشتر مطلع در اینصورت در روی زمینه که این هیئت های محلی تهیه نموده و بدست داده اند مجلس میتواند در يك شور از روی کمال اطمینان اتخاذ تصمیم نماید با فرض اینکه تصور صحیح باشد باید اعتراف نمود که در مملکت ما که فعلاً هیئات شوروی محلی نیست مورد ندارد مگر اینکه نظریات مقنن چیزی باشد که بر ما معلوم است.

قسمت دوم — در بیان حق تقدم

~~اول~~

۴۹ — در موقع شروع مذاکره و رای هر کلاه موضوع مذاکره منحصر باشد اشکال وارد نیست مسلم است بعد از آنکه بقدر کلیف در موضوع مذاکره شد اتخاذ رای بعمل بیاید. ولی کلاه میشود که در اثنای مذاکره موضوعاتی وارد شود که در هر يك از آنها مباحثه مخصوصی لازم آید آیا ممکن است بدون رعایت ترتیب و نظم یکی را بر دیگری مقدم داشت ؟ یا اینکه باید قواعدی در دست باشد که در تحت اجرای آنها تقدیم و تاخیر يك موضوع بر موضوع دیگر معلوم و باعث مباحثات کشیده نشود چه موضوعاتی که وارد میشود چیزی نیست که بر سبیل حوادث و اتفاق باشد بلکه مطالب و پیشنهاداتی است

که از اشخاص یا هیئات میرسد و بدیهی است هر پیشنهاد کننده انتظار دارد و می خواهد که پیشنهاد او بر سایر پیشنهادات مقدم گردد بنا بر این هر کلاه قواعد و نظاماتی در دست نباشد مباحثات طولانی و کلاه مجلس را هم دچار مشکلات می نماید.

در این صورت از دو حال خارج نیست یا اینکه قانونگذار برای موضوع معلوم و معینی قبلاً قاعده وضع میکند که اگر موضوع مفروضه وارد شد قانوناً حق تقدم و تاخر او بر سایر موضوعات وارد شده معلوم باشد و یا این است که قانونگذار موضوع بخصوصی را در نظر نمیگیرد و می گوید هر موقع که موضوعاتی رخ داد مجلس باید معین نماید که کدام يك از آنها بر دیگری مقدم باشد بمباراة اخیری قانون گذار برای موضوع معین و معلومی از پیش درجه تعیین نمی کند بلکه درجه هر موضوع را در موقع ورود موضوع بواسطه اخذ يك رای معین می نماید.

۵۰ — بالاخره همانطوریکه در تمام امور حقوقی قانونگذار نمی تواند هر موضوعی را پیش بینی نموده و قبلاً حکمی نماید و حل بعضی از مسائل مربوط بسوابق و عاداتی است که در محل ورود موضوع و یا در نقاط دیگر معمولاً مجراست و در هر موقع که موضوعی وارد شد در صورتیکه قانوناً حکمی برای حل آن نیست قضات محاکم از روی سوابق یعنی فتاوی

محاکم و عادت و در صورتی هم که قانون و سابقه در دست
نباشد بالاخره راه حلی برای حل موضوع بدست میآوردند که
خود ابداع سابقه است (۱)

همان‌قسم هم در مجلس هرگاه حق تقدم و تأخر يك موضوع
در نظامنامه معلوم باشد مطابق نظامنامه عمل میشود و اگر نباشد
مطابق سابقه هرگاه سابقه هم نباشد مطابق ماده ۹۰ نظامنامه مجلس
که میگوید : « در صورتیکه در مطلب معینی تنازعاتی مختلف
در مجلس شده و منجر باخذ رای شود تعیین حق تقدم و تأخر
با مجلس است . . . الخ » حق تقدم و تأخر را رای مجلس
معلوم می نماید ولی باید دانست که همان رای مجلس هم باز بی
اساس نیست و مجلس نمیتواند يك موضوعی حق تقدم بدهد که
مستحق این امتیاز نیست چه ممکن است موضوعاتی که در مملکت
با قانوناً و عاده حکمی برای آنها وارد نشده در ممالک خارجه
نص قانونی و یا سابقه راه حل موضوعات مزبوره را بدست داده
باشد بنا بر این قانونگذار از سایر ممالک اقتباس می کند هرگاه
آنها را تدوین کرد قانون است چه قانونگذار اغلب موجد قانون

(۱) ماده ۲ کدسیویل سوئیس میگوید : « در موقع فقدان نص
قانونی قابل استعمال قاضی بر حسب قانون عادی حکم میکند و
در صورت فقدان عادت قاضی در حکم قانونگذار و هر قاعده
که مقتضی است ایجاد می نماید »

نیست بلکه سوابق و قواعد عادیه را تدوین می نماید و اگر
تدوین نموده و عملاً اجرا نمود مثلاً بر حسب يك رای بموضوع
بلا حکمی حق تقدم داد ایجاد سابقه میشود و هر وقت نظیر آن
موضوع رخ داد از روی سابقه حکم آن معلوم است که ما از
این نقطه نظر اولاً قوانین و قواعدی که در ممالک خارجه
در موضوع حق تقدم مجری و مرسوم است و ثانیاً موضوعاتی
که در مملکت ما حق تقدمشان قانوناً و عادتاً معلوم است
پس می نائیم تا در موقع مفید باشد .

اولاً — قوانین و قواعد مرسومه در بعضی از پارلمانهای
ممالک خارجه در خصوص تعیین حق تقدم .

(۱) - کلیات

۵۱ — موضوعاتی که در پارلمان وارد میشود و محتاج است
باینکه در موقع مذاکره و رای حق تقدم هر یک بر دیگری
معلوم باشد لایحه قانونی است و یا طرح و یا اصلاح و یا تحت
اصلاح که هر يك از این تقسیمات را می توان پیشنهاد بمعنای
اعمر نامید .

لایحه قانونی آن است که از طرف دولت بمجلس تقدیم
میکردد .

طرح آن است که از طرف نمایندگان باغندگان مجلس میرسد (۱)
اصلاح آن است که لایحه قانونی یا طرح وارد میشود
تحت اصلاح آن است که با اصلاح وارد مکروه گردد برای
توجه ذهن بعضی از قارئین محتاج اصلاح اسم می باشد

فرض کنیم که دولت يك پیشنهادی برای استقراض از کمیته
معین امریکاء به مجلس تقدیم کند و مجلس نظر باینکه از قسطه
نظر ملیت قرض لازم است نظریات کمیسیون خارجه را خواهد
ان را بکمیسیون مزبور ارجاع کرده نظر کمیسیون مزبور در خبری
که به مجلس میدهد این باشد که شرکت قرض دهنده از پیشنهاد

(۱) ماده ۳۳ نظامنامه مجلس : « هر طرحی را که نمایند
پیشنهاد میکند باید بطرز قانون ماده بماده نوشته شده و دارای
مقدمه که متضمن دلایل آن است بوده باشد طرح مذکور پس
از آنکه بانزده نمرمذا کرده انرا تصویب کرده باشند کتباً بر رئیس
داده میشود رئیس میتواند انرا بکمیسیون مبتکرات رجوع نماید »
ماده مزبور از قسطه نظر اصل ۳۹ قانون اساسی وضع شده
که میگوید : « هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضای مجلس
عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که اقلاً بانزده
نفر از اعضای مجلس از مذاکره مطلب را تصویب نمایند در
این صورت آن عنوان کتباً بر رئیس مجلس تقدیم می شود رئیس
مجلس حق دارد که آن لایحه را بدو در انجمن تحقیق مطرح
مداقه قرار بدهد »

حذف شود و مجلس بدو اجازه دهد که از هر شرکتی از
شرکت های امریکائی که می خواهد بشرايط معینه در پیشنهاد
استقراض نماید .

نظر باینکه از قسطه نظر مالیه هم لازم است که نظریات
کمیسیون قوانین مالیه خواسته شود زیرا شاید کمیسیون مزبور با
فرع یا با اتباط تادیه قروض موافق نباشد پیشنهاد دولت که
بکمیسیون قوانین مالیه ارجاع شود کمیسیون مزبور اینطور عقیده
اظهار کند که فرع آن از قرار صدی شش بیشتر نباشد .

در مجلس هم که پیشنهاد و خبر کمیسیون خارجه و مالیه
قرائت شد نمایندده پیشنهاد کند که نصف از مبلغ استقراضی را
از تجار داخلی استقراض نمایند .

این است يك پیشنهاد (لایحه قانونی دولت) دو اصلاح
(خبر کمیسیون خارجه و خبر کمیسیون مالیه) و يك تحت اصلاح
که پیشنهاد نمایندده است در مجلس (۱)

حال باید در مباحثه و رای بکدام يك از این پیشنهادات
حق تقدم داد به پیشنهاد اصلی که لایحه دولت است یا پیشنهادات

(۱) چون پیشنهاد نمایندده مربوط باصلاح کمیسیون خارجه
است این است که آنرا تحت اصلاح میکوبند و الا اصلاح
کفتمه می شد .

فهرمی حکم اصلاح و تحت اصلاحات باشد که به تفصیل
پایان می نماید

۱۰۱ - حق تقدم لایحه و طرح و اصلاح

۵۲ - هرگاه لایحه قانون از طرف دولت و یا طرفی از
طرف غیرتکلیف مجلس تصویب گردد و یکی از اینها در مجلس
برای آن اصلاحی پیشنهاد کرده آید اول در اصلاح مذکور
کرده رای میآورد و در لایحه اصلاحی بالا می آید

الف - اگر کسی که طلب اصلاح در مجلس از طرف نمایندگان
مجلس یا واقع از طرف دولت که معمولاً مجلس یا پیشنهاد دولت
مستقیم تر است تا با پیشنهاد لایحه این است محکم برای حفظ
حقوق کلیت مرسوم است که اول اصلاح دولت داده میشود در
صورت عدم تصویب لایحه پیشنهاد دولت

همچنین طرح قانونی گشته چون جوی مذاکره آن را
تصویب می نمایند معمولاً بعد از آن تصویب طرح موافقت می نماید
مواظبت با اصلاح است

ب - از لحاظ نظر آنکه پیشنهاد کننده اصلاح معتقد است
که پیشنهاد او بهتر است این حق را ثبوت می نماید در همه اصلاح
در حالت می نماید بیآنچه بعد از مذاکره و او بر سر آمده اولویت
ندارد پیشنهاد دولت بطرح مذاکره میشود و اگر بر خلاف این
ترتیب عمل شود چنانچه پیشنهاد دولت تصویب شد بعد تشخیص

اینکه اصلاح بهتر بوده یا پیشنهاد مورد ندارد زیرا فرضاً که
معلوم شد اصلاح بهتر است بعد از تصویب پیش نهاد دولت
مذاکره در اصلاح متعلق به مجلس میباشد

همان صورت که هرگاه امر داخل شود پس از لایحه قانونی
و یک اصلاح حق تقدم با اصلاح است پس در صورت عدم هرگاه
بعد از اصلاح تحت تسلطی رسیده اول در تحت اصلاح شروع
می نماید

و باید دانست که برای تحت اصلاح عدم و درجه نتوان
عبارت کرد و متعارف است در تحت لایحه چنانچه اصلاح در تحت اصلاح
اولی کرده و این است که در تحت لایحه حق تقدم است که اگر مجلس
اصلاح یا این اصلاحی که معمولاً داده شده است و اولویت
داده از آنکه در موضع رای در کلیت لایحه را هر که موضوع
این است قبول در وجه اصلاحی که خواهد بود لایحه داده می شود
در صورت تصویب در حد لایحه است تا تکلیف لایحه معلوم شود
چنانچه لایحه در رای تکلیف صورت تمام اصلاحات تصویب می نماید
لاخیر است و در صورت رد لایحه اصلاحات بالا می آید

۱۰۲ - حق تقدم در لایحه قانونی و چند اصلاح و تحت اصلاح

۵۳ - در صورتیکه پیش از لایحه به مجلس تقدیم شود که
به لایحه مزبور سه اصلاح داده شود یکی از طرف کمیسیون که
لایحه دولت را مطالعه و نظریات خود را اظهار نموده است

دو نای دیگر هم از طرف نمایندگان و باین اصلاحات هم دو تقریر دیگر از نمایندگان تحت اصلاحی وارد نمایند کسدار یک از این پیشنهادات حق تقدم دارد ایا اول در لایحه دولت مذاکره میشود یا در اصلاحات و تحت اصلاحات ؟ و چنانچه از اصلاحات شروع شود ایا اصلاح کمیسیون مقدم است یا اصلاحات نمایندگان مجلس ؟ و هرگاه مذاکره از تحت اصلاحات شروع شود آیا تحت اصلاحی که باصلاح کمیسیون داده شده مقدم می شود یا اینکه حق تقدم مذاکره و رای در تحت اصلاحی است که باصلاح عضو مجلس وارد شده ؟ این است که برای توجه ذهن قارئین اول موضوع را ممثل می نمایم تاراه حل را بخوبی درک نمایند

فرض کنیم دولت ملکی دارد که بحال فعلی ننگهداری آن مفید نیست و بمجلس پیشنهاد اجاره ملک مزبور را تقدیم نماید — پیشنهاد دولت که بکمیسیون رجوع شد کمیسیون مزبور برای اینکه مبلغ مال الاجاره زیادتیر شود اصلاحی پیشنهاد نماید — یکی از نمایندگان در مجلس برای اینکه اقساط مال الاجاره که ۱۲ قسط معین شده شش قسط باشد تحت اصلاحی بدهد — این است یک لایحه قانونی و یک اصلاح کمیسیون که ان را خبر گویند و یک تحت اصلاح از طرف یکی از اعضا در مجلس .

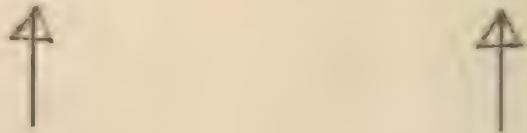
در مجلس هم به ملاحظه اینکه اجاره دادن ملک را یکی از نمایندگان صلاح نداند بلایحه دولت اصلاحی وارد نموده و نظریات

خود را در فروش ملک اظهار نماید .
 نماینده دیگر از نقطه نظر نوع خواهی نیز بلایحه دولت اصلاحی وارد و چنین پیشنهاد کند که ملک مزبور مرخصخانه شود و مبلغ معینی هم مجلس برای ساختن مرخصخانه اعتبار تصویب نماید که یکی از نمایندگان دیگر برای اینکه مبلغ اعتبار را زیاد دانسته تحت اصلاحی تقدیم و کسر مبلغ اعتبار را تقاضا نماید .

(۱) لایحه دولت در خصوص اجاره ملک بمال الاجاره واقعات معین



(۲) اصلاح کمیسیون (۳) اصلاح نماینده در خصوص فروش ملک (۴) ایضاً در خصوص مرخصخانه و اعتبار برای اضافه شدن مال الاجاره



(۵) تحت اصلاح نماینده رای اقساط مال الاجاره
 (۶) ایضاً برای اینکه از اعتبار کسر شود

حال باید دانست که اول باید لایحه دولت مورد مذاکره و رای واقع شود یا اصلاحات و تحت اصلاحات .

عقیده اول

۵۴ — بایست از لایحه دولت شروع نمود زیرا که اگر اساساً لایحه دولت قابل قبول نیست مذاکره در اصلاحات و تحت اصلاحات مورد ندارد هر گاه معلوم و محقق گردید که نگاهداری ملک بحال کنونی در صلاح و منافع دولت است پیشنهاد اجاره و فروش و ساختن مرپزشخانه قابل قبول نیست

عقیده دوم

۵۵ — باید از اصلاحات شروع کرد زیرا مقصود از اصلاح تغییر در اصل لایحه است چنانچه لایحه قبلاً موضوع مذاکره و رای واقع شده باشد در اصلاح مورد ندارد و نیز چون لایحه با طرح از طرف دولت و یا از طرف عده کثیری از اعضا پیشنهاد می شود مجلس عیناً لایحه دولت و یا طرح قانونی را تصویب می نماید. مقدم داشتن لایحه و یا طرح را با صلاح که از طرف فردی از افراد است بر خلاف حفظ حقوق اقلیت میباشد علاوه بر کلاه لایحه رای داده شود و از اصلاحات صرف نظر نمایند شاید اصلاح ارجح از لایحه باشد در این صورت بمقتضای مصالح رفتار نشده و اگر بلایحه رای دادند که بعد هم در اصلاحات مطالعه شده در صورت مفید بودن تصویب شود به آرائی که در مورد لایحه داده می شود مخالفت و متعارض خواهد بود و اسباب تضییع وقت مجلس است زیرا ضرورت ندارد

که در موضوعی مجلس رای بدهد و بعد از آن باطل نماید مطلبی که بر خلاف اصلی از اصول است زیرا بعد از اخذ رای قطعی تغییر آن بشود و مرسوم نیست (ملاحظه شود نمره ۱۶۹) بواسطه نظریاتی که ذکر شد تمام دول (باستثنای دولت انگلیس و آمریکا) از فرانه ماده ۶۰ نظام نامه سناتو ۹۲ مجلس وکلا - ایتالی ۸۰ سناتو مجلس وکلا ۸۹ سوئیس مجلس نمایندگان بلوکات ۸۸ مجلس وکلا ۷۷ و غیره اصلاحات را بلایحه قانونی مقدم میدارند

۵۶ — پس از اینکه معلوم شد اصلاحات مقدم بر لایحه دولت است چه باید گفت در خصوص تحت اصلاحات آیا اول در اصلاحات مذاکره میشود یا در تحت اصلاحات همان دلایلی که اصلاحات را بلایحه دولتی مقدم داشت همان دلایل هم تحت اصلاحات را با اصلاحات مقدم میدارد

در سوئیس — خصوصاً این طریق معمول است که تا تکلیف تمام تحت اصلاحات معلوم نشود با اصلاحات شروع نمی نمایند در مثالی که ذکر شد تحت اصلاح نمره ۵ که یکی از نمایندگان در اقصای مال الاجاره نموده و ایناً نمره ۶ برای اینکه از اعتبار کسر شود حق تقدم دارند یا هر دو رد میشوند یا هر دو قبول و یا یکی رد و یکی قبول خلاصه تصویب هر دو یا یکی از آنها مفید و مشروط است باینکه هر گاه اصلاح هم تصویب شد تصویب نمره ۵ و ۶ مطلق خواهد بود و الا رای مجلس

مؤثر نیست .

۵۷ — بعد از آنکه تحت اصلاحات رد و یا تصویب گردید اصلاح نمرة ۲ و ۳ و ۴ که در لوحه معین است تحت مذاکره و رای واقع میشود تصویب اصلاحات نیز از دو حال خارج نیست گاه میشود که اگر اصلاح تصویب شد موضوع لایحه از درج کلام ساقط میگردد مثلاً هر گاه اصلاح نمایند در خصوص ساختن مرخصخانه (اصلاح نمرة ۱) تصویب شد دیگر ضرورت ندارد که لایحه دولت که برای اجاره ملک پیشنهاد شده مورد مذاکره و رای واقع شود ولی چنانچه اصلاح نمرة ۴ در خصوص مرخصخانه و اصلاح نمرة ۳ در خصوص فروش ملک رد شده و اصلاح نمرة ۲ در باب اضافه شدن مال الاجاره است تصویب شد این تصویب نیز مقید است باینکه لایحه دولت در خصوص اجاره از مجلس بگذرد در صورت تصویب رای مجلس در خصوص تحت اصلاح نمرة ۵ راجع باقسط مال الاجاره و نیز در خصوص اصلاح کمیسیون نمرة ۲ در باب اضافه شدن مال الاجاره قطعی است

۵۸ — ماده ۷۸ نظامنامه مجلس و کلا در سوئیس راجع بمشروط و مقید بودن رای مجلس در تحت اصلاحات و اصلاحات چنین گوید: «تصویب يك تحت اصلاحی مجبور نمی کند رای اصلاح را و هم چنین تصویب يك اصلاحی مجبور نمی کند تصویب پیشنهاد اصلی را»

۵۹ — در فرانسه و ایتالی و اسپانی طریقہ سوئیس که اول تکلیف تمام تحت اصلاحات معلوم شده و بعد در اصلاحات وارد شوند و بعد از تعیین تکلیف اصلاحات لایحه قانونی مطرح مذاکره شود مرسوم نیست (۱) همینکه تکلیف تحت اصلاحی معلوم و تصویب گردید بجای اینکه در سایر تحت اصلاحات هم مذاکره شود تکلیف اصلاحی که تحت اصلاح آن تصویب شده معلوم میشود هرگاه اصلاح هم تصویب شد سایر تحت اصلاحات و اصلاحات مراجع نمیشود و همچنین موضوع پیشنهاد اصلی که لایحه دولت است از بین می رود مثلاً در لوحه که ملاحظه شد هرگاه تحت اصلاح نمرة ۶ تصویب شد اصلاح نمرة ۴ راجع بمرخصخانه حق تقدم دارد در صورتیکه تصویب شد تحت اصلاح نمرة ۵ و اصلاح نمرة ۳ و ۲ از بین رفته و موضوع لایحه دولت هم منتفی میگردد .

۶۰ — فلسفه طریقہ سوئیس این است که رای دهندگان از تمام تحت اصلاحات مطلع شوند و همچنین از تمام اصلاحات بخوبی مسبق و هر رایی که میدهند مقید باشد تا در موضوع اصلی که لایحه دولت است با يك اطلاعات عمیقہ وارد شده نظریات خود را اظهار نمایند چنانچه لایحه دولت تصویب شد هر اصلاحی که تصویب شده باشد چون مقید بوده از بین می رود فرض کنیم که اصلاح

(۱) در آلمان و اطریش ظاهراً طریقہ سوئیس مرسوم است

باینکه تشخیص اقرب و ابعد سهل نیست اگر رئیس نتوانست تعیین حق تقدم را برای مجلس می گذارد و اگر نتوانست این تشخیص قطعی نیست زیرا پیشنهاد کننده اصلاح یا یکی از اعضاء دیگر می تواند اعتراض کند در اینصورت هم تعیین حق تقدم با رای مجلس میباشد .

و کاذب هر اتفاق میافتد که بواسطه پیشنهاد اصلاحات عدیده در فرانسه برای رئیس ممکن نشود که یکی از آنها حق تقدم دهد در چنین موقع می تواند قابل توجه شدن کلیه آنها را بمجلس پیشنهاد کند . هرگاه مجلس بقابل توجه بودن آنها رای داد این رای سبب میشود که کمیسیون پیشنهاد دیگری که حاوی مجموع اصلاحات باشد به مجلس تقدیم نماید .

و باید دانست که حق تقدم پیشنهاد اعدای یک قاعده نیست بلکه در همه جا معمول است . هر وقت این طریق معمول است بابت خصوصاً اصلاح اقرب مجموع را مقدم می شمارند اگر چه جمله ابطالی بر حسب ققره سیم از ماده ۱۲۹ نظامنامه مجلس و کلا

(د) حق تقدم بین اصلاح کنندگان مختلف

۶۳ — در اینجا حق تقدم پیشنهاد یا اصلاح و تحت اصلاح از نقطه نظر سبقت زمانی و قرب و بعد با موضوع اصلی و یا اینکه جزء مقدم بر کل است نیست بلکه از نقطه نظر پیشنهاد کنندگان است مثلاً هرگاه اصلاحی از طرف دولت و اصلاحی

از طرف کمیسیون و اصلاحی از طرف يك یا چند قمر اعضا رسید کدام يك مقدم خواهد بود ؟ از دو نقطه نظر اصلاحاتی که از هرکدام میرسد مقدم می باشد .

(الف) از نقطه نظر اینکه جزء مقدم است بر کل که در نمره ۵۲ به تفصیل ملاحظه شد زیرا کل دولت و بعد کمیسیون و افراد جزء می باشند .

(ب) از نقطه نظر حفظ حقوق اقلیت چنانچه قبلاً به پیشنهاد دولت رای گرفته شود نظر باینکه صورت ظاهر حماة و مدافعین پیشنهاد مزبور بیشتر است ممکن است تصویب شده و بسایر پیشنهاد دهندگان واقعی گذارده نشود .

(۶) تعیین حق تقدم بواسطه رای مجلس

۶۴ — هرگاه چندین اصلاح یا تحت اصلاح وارد شود که بقواعدی که مذکور شد نشود یا نتوان حق تقدم هر يك را بر دیگری معلوم نمود البته در اینصورت حق تقدم را رای مجلس تعیین می نماید بجه ترتیب اخذ رای باید نمود ؟ آیا برای هر اصلاحی یکمرتبه رای می گیرند یا يك رای واحد برای مجموع اصلاحات ؟ معمولاً يك رای واحد برای مجموع اصلاحات باین طریق اصلاحات را اصلاحی اصلاح دهندگان مساوی مثلاً اصلاح زیند و اصلاح عمرو و سکر و خالدو بعد آنها را بموقع رای میگذارند هر وکیل فقط حق يك رای مثبت دارد کما اینکه در انتخابات عمومی رای دهندگان فقط

رای خود را بکسی که معتقدند اثباتا میدهند و در باره اشخاص غیر معتقد عقیده منفی اظهار نمی نمایند در این طریقه هر هر نماینده يك رای مثبت به نامش که معتقد است باین موضوع در صورت سکت هر چند از سکت باشد در این طریقه از سکت است و چون حسب این طریق در اکثری از طریقه انتخاب گویند. عاقل آن این است که هر وقت مجلس تخیل نمی شود و هم بواسطه اینکه رای دهنده ناچار است از بین تمام پیشنهادات با مطالعه و فکر هر يك که بیشتر است فقط يك رای مثبت در باره آن مدعی التمام رای دهنده را بوالی خود در تمام که بهتر یا نظر او بهتر باشد بپردازد و در صورتیکه اکثری از رای دهنده پیشنهاد کمیته است رای شود غیر از اینکه از روی يك اطلاع و احاطه کاملی بموضوع تمام پیشنهاد ها ممکن است رای داده نشود اما که از طرف حکمی برای اکثری از رای دهنده در تمام شده و موضوع خاصه را در سکتی برای دهنده رای دهنده.

۶۵ - در سوتیس بر حسب ماده ۲۷ نظامنامه مجلس و کلاطریقه دیگری معمول است که با این طریقه چندان مختلف نیست و آن است که اگر در هر سوتی یکی از پیشنهاداتیکه بمورد رای گذارده شده حائز اکثریت تامه گردید مطالب تمام است والا تجدید رای بعمل میآید در اینصورت هم پیشنهادی که کمتر از همه رای دارند در مجموع رای واقع میشوند هر کلا اکثریت تامه بدست آمد باز

مطلب تمام والا هر يك که کمتر رای دارد ساقط و آن دیگری که بیشتر رای دارد با یکی از پیشنهادات دیگر بموقع رای گذارده و این عمل تکرار میشود تا اکثریت تامه بدست آید و برای توضیح بیشتر در این طریقه من تالیف فرمودم که نتیجه رای اول اکثریت اول است
پیشنهاد ۱۰۰ - رای
پیشنهاد ۱۰۱ - رای
پیشنهاد ۱۰۲ - رای
پیشنهاد ۱۰۳ - رای

تالیف فرمودم ۱۰۰ بار از اکثریت سکت ۱۰۱
ملاحظه نمودم که در هر بار اول همیشه از پیشنهاد اکثریت سکت تمام رای دهنده در تمام سکت رای دهنده را بورد رای دهنده اکثریت اول است که پیشنهاد از رای دهنده رای و پیشنهاد حدود ۲۰ رای سکت است در تمام سکت پیشنهادیه از سکت اکثر سکت پیشنهاد سکت را پیشنهاد سکت بورد رای پیشنهادیه اکثریت تامه بدست آید و چنانچه دست بورد بورد چهارم پیشنهاد اکثر سکت تمام سکت رای گذارده شود و این رای بدست که از طریق عالی نیست و تماماً پشت تصحیح وقت می باشد

۶۶ - در سکتی که در این طریقه با طریقه

رای واحد برای تصویب چند موضوع زیرا آنچه مذکور شد مربوط بوقتی است که چند چیز موضوع رای واقع شود و یکی از آنها انتخاب گردد ولی رای واحد برای تصویب چند موضوع در موقعی است که چند موضوع باشد که تمام آنها باید تصویب شود بجای اینکه برای هر موضوعی يك رای اتخاذ شود در يك رای تمام موضوعات تصویب میگردند فرض کنیم دولایحه از طرف دولت پیشنهاد شود یکی در باب فروش يك ملك و دیگری راجع بخرید ملك دیگر برایتی که در مواد دو لایحه معلوم است از شور اول و دویم چنین استنباط شود که مجلس در تصویب این دو لایحه موافق است زیرا در موقع این دو شور مذاکرات زیادی نشده و اصلاحاتی هم در مواد آنها پیشنهاد نگردیده است بجای اینکه در موقع رای در کلیات برای هر يك از این دو لایحه دفعه مخصوصی اخذ رای شود ممکن است یکمرتبه برای هر دو لایحه اتخاذ رای نمود و بهمین ترتیب هرگاه بیش از دو لایحه هم باشد در رای در کلیات ممکن است فقط یکمرتبه اتخاذ رای نمود.

۶۷ — در ایتالی این طریق بر حسب ماده ۱۰۶ نظامنامه مجلس وکلا معمول است و در یکمرتبه سه موضوع را بیشتر بمورد رای نمی گذارند و نظر باینکه در موقع رای گرفتن رئیس تصور میکند که تمام اعضا با موضوعات مختلفه که بمورد رای گذارده شده موافقت دارند هرگاه یکی از نمایندگان

با یکی از موضوعات موافقت نداشته باشد قبل از اینکه اتخاذ رای شود بموجب ماده ۱۰۷ باید رئیس را از عدم موافقت خود مطلع سازد
ثانیاً — قوانین و قواعد مرسومه در مجلس شورای ملی

۶۸ — در مجلس شورای ملی با بطوریکه در ترمه ۹۹
قبلاً معین نموده و هر وقت که آن موارد رسید تعیین حق تقدم
و آن موارد تصویب نموده در مواردی که در حکم مجلس
در حق تقدم حکمی نیست حق تقدم را سابقه و اگر سابقه
نیست رای مجلس تعیین می نماید

موضوعاتی که نظام نامه بآنها حق تقدم میدهد زیاد
است و ما آنها را در زیر می بینیم
(۱) اختصار در موقعی که نظام نامه رعایت نمیشود.

۶۹ — هرگاه موضوعی در مجلس مذاکره باشد و
یکی از وکلا متوجه شود که در خلاف نظام نامه حرکت کرده
بموجب ماده ۱۰۲ نظام نامه که می گوید: «هر يك از نمایندگان
در صورتیکه از نظام نامه تخلفی مشاهده شود حق دارد مراتب را
اعلام نماید» ولی در صورتیکه در مجلس از این جهت
راجع دستور مذاکرات مجلس را راجع حق تقدم است و هر
لایحه که راجع بر رعایت نظامنامه داخلی است همیشه بر مسئله اصلی

تقدم دارد و مذاکرات مسئله اصلی را توقیف می نماید « حق تقدم برای اختصار ثابت می باشد و چنانچه غیر از این بود در يك هیئت شوروی اطمینان از صحت اجرائی نظامنامه نمی باشد مدیهی است که باید رعایت قسمت اخیر ماده ۹۷ را نمود که میگوید : « ولی هرگاه شخصی مشغول نطق در مسئله اصلی شده باشد تا نطق او تمام نشود مطالب مذکور تقاضا نمیشود » و این مطلب برای رعایت انتظام و مرتب بودن مذاکرات در جلسات هیئت شوروی می باشد

(۲) حق تقدم رأی ساکت در استیضاح

۷۰ — در موقع استیضاح (۱) که مجلس میتواند بر حسب ماده ۴۶ نظامنامه سه قسم رأی بدهد رأی مثبت و رأی منفی و رأی ساکت (۲) « رأی ساکت در صورتیکه از طرف یکی از اعضاء خواسته شود حق تقدم دارد باین معنی که اول در مورد

(۱) اصل ۴۶ متمم قانون اساسی « مجلس شورای ملی یا کمیته می تواند وزراء را در تحت مراقبت و محاسبه در مورد ... »

(۲) ماده ۷۷ نظامنامه « رأی مثبت آن است که تصدیق مجلس را نسبت باظهارات هیئت وزراء بیان نماید — رأی منفی بعکس متضمن عدم تصدیق مجلس نسبت بوزراء است .

رأی ساکت آنستکه در باب تصدیق وعدم آن ساکت است

رأی ساکت اخذ رأی میشود اگر قبول نشد در رأی مثبت یا منفی رأی گرفته میشود « ماده ۴۰ نظامنامه .

و فلسفه ماده مزبوره هم این است که هرگاه وزیری استیضاح شد بعد از اینکه توضیحات داد بر حسب ماده ۴۶ نظامنامه « هر يك از نمایندگان حق دارد نسبت بوزراء از مجلس رأی مثبت یا منفی یا ساکت خواسته شود « چنانچه سه پیشنهاد راجع این سه قسم رأی رسید قانونگذار رأی در پیشنهاد ساکت را مقدم میدارد برای اینکه در رأی ساکت نطق ذکر نمیشود و حضور و زورکشی ندارد و عدم آن است و این سه مطلب ساده بر دیگران مقدم است و ذکر حشو زوائد و علق بی یا اثبات در موارد سیاسی چندان صلاح نیست مگر آنکه مقتضیات ایجاب نماید و نیز بعضی اوقات ذکر علت پاره وکلا را مجبور می نماید که بر خلاف رأی بدهند در اینصورت اگر موضوع استیضاح مطالب مدیهی باشد و وزیر یا وزراء هم بواسطه وضعیت مجلس نتوانند بخوبی از خود دفاع نمایند به رأی ساکت غالباً خاتمه یافته و دولت ساقط نمیکردد .

ولی مسلم است که اگر مطلب مهم و وزیر مطلقاً مأخوذ شود رأی ساکت رد و رأی منفی داده خواهد شد (۱) که

(۱) اصل ۴۲ قانون اساسی « در هر امری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئول توضیح بخواهد آن وزیر ناگزیر

تقسیم عدم تصدیق و سایر است و در رأ است « ماده ۷۷ نظامنامه

۱ - حق صدور اصلاح « ماده ۷۵ »

۷۱ - ماده ۷۶ نظامنامه مجلس و سایر است و در رأ است

و در این است که میگوید « اصلاحاتی که در رأ است مطلقاً مسترد

میشود قبل از شروع دولت در رأ است از اصلاحات رأی گرفته می

شود « رأی در موافق گشته است پیشنهاد اصلاحی و رأی

شود دیگر لازم است که مجلس حق صدور اصلاح را

در حسب اقتضا رأی مخصوص تصویب نماید بلکه موجب ممانعت فوق

اصلاح است « پیشنهاد حق صدور دارد

برای اینکه منظور شود که در موافق است پیشنهاد و چند

اصلاح و تحت اصلاح در مجلس شورای ملی در کتب حق تصدیق

از اجزای است و این اجزای است « ماده ۷۷ نظامنامه مجلس و در رأ است

ماده ۷۸ نظامنامه مجلس و در رأ است « ماده ۷۹ نظامنامه مجلس و در رأ است

آن در مدت موعود مجلس در رأ است « ماده ۸۰ نظامنامه مجلس و در رأ است

ماده ۸۱ نظامنامه مجلس و در رأ است « ماده ۸۲ نظامنامه مجلس و در رأ است

ماده ۸۳ نظامنامه مجلس و در رأ است « ماده ۸۴ نظامنامه مجلس و در رأ است

ماده ۸۵ نظامنامه مجلس و در رأ است « ماده ۸۶ نظامنامه مجلس و در رأ است

ماده ۸۷ نظامنامه مجلس و در رأ است « ماده ۸۸ نظامنامه مجلس و در رأ است

ماده ۸۹ نظامنامه مجلس و در رأ است « ماده ۹۰ نظامنامه مجلس و در رأ است

ماده ۹۱ نظامنامه مجلس و در رأ است « ماده ۹۲ نظامنامه مجلس و در رأ است

ماده ۹۳ نظامنامه مجلس و در رأ است « ماده ۹۴ نظامنامه مجلس و در رأ است

چون است برای توجه قرائین « درجیم لوحه اول متوسل

می گردیم

۱۱۷ - درجه دولت در رأ است « ماده ۱۱۸ نظامنامه مجلس و در رأ است

(۲) در کتب مجلس (۳) اصلاحات پیشنهادی در خصوص اجازت مملکت (۴) اصلاحات پیشنهادی در

خصوص ساختن

مربوطه و انتشار

مخارج سالی

(۵) تحت اصلاح باید

درجیم اول است

در حسب ماده ۷۵ « نظامنامه مجلس که می گوید

در اصلاحاتی که در رأ است مطلقاً مسترد می شود قبل از شروع دولت

در رأ است از اصلاحات رأی گرفته میشود « باید مذاکره و رأی

اول در اصلاح شروع شود و ما در اینجا سه اصلاح داریم

نمبره ۱ - ۲ - ۳ « که نام است از این اصلاحات مقدم می باشد اگر چه

در نظامنامه مجلس شورای ملی حکمی در خصوص تقدم اصلاح

متراهی در اصلاح اجتهاد نیست ولی در حسب مقدمه کلی ماده

و مرسوم این است که اصلاحات اجتهادیه مقدم می

باشد تا این بین نمره ۲ و ۳ و ۴ نمره ۲ و ۳ که در اصلاحی

است که در هر از مجلسین تصویب شده بر اصلاح کمیسیون که هیئت
 است مقدم می باشد حال باید دانست که بین نمره ۳ و ۴ کدام
 يك مقدم است در اینموقع بموجب ماده ۱۰ نظام نامه که میگوید:
 « در صورتیکه در مطالب معنی تقاضای مختلف در مجلس شده
 و منجر باخذ رای شود تعیین حق تقدم وتأخر با مجلس است ۱۰۰۰
 الی آخر » مجلس معین می کند که حق تقدم با کدام يك از این
 دو اصلاح است پس کسی که در رای مجلس قرار داده شود
 آنوقت بر حسب ماده ۱۰ نمره ۳ اگر جهت اصلاح
 است شروع می شود در صورت رد آن نمره ۴ که خود اصلاح
 است مورد مذاکره و رای واقع میشود اگر تصویب شد مطالب
 تبار است زیرا که ساختن مریضخانه مانع از فروش ملک می باشد
 چنانچه نمره ۴ هم تصویب نشد نمره ۳ اگر آن هم رد شد نمره ۲
 ولی نظر باینکه باز تحت اصلاح مقدم است در نمره ۴ مذاکره
 میشود و بعد نمره ۲ بالاخره نوبت بلائحه دولت میرسد .

فصل هیتم

تصمیمات عمده این فصل در اینجاست

قسمت اول — در رای اجباری و رای اختیاری (امتناع)

قسمت دوم — در رای موافق

قسمت سوم — در طریق انتخاب رای

قسمت چهارم — در استخراج رای

قسمت پنجم — در ماشین رای

در فصل اول از عده که باید قانوناً در موقع رای حاضر
 باشند مذاکره شد (حد نصاب) و در فصل دوم از مذاکرات
 و هر که چند موضوع باشد کدام یک در مذاکره و رای حق تقدم در است
 در این فصل مذاکرات ما در باب رای است و نظر باینکه
 رای یکی از اعمال مهمه پارلمانی است همان اندازه که مهم است
 بهمان درجه هم ممکن است فاعل خود را اگر قانوناً مسئولیتی
 ندارد اخلاقاً مسئول قرار دهد بنا بر این باید دانست که آیا رای
 برای نمایندگان هیأت شوروی اجباریست یا اینکه اختیاری و می
 تواند از اظهار یک عقیده مثبت یا منفی خود داری نمایند این است که
 در قسمت اول از این فصل ما از اجباری و اختیاری بودن رای
 و در قسمت دوم از طریق اظهار رای سخن میرایم .

قسمت اول

در رای اجباری و رای اختیاری (امتناع)

اولا — در رای اجباری

۷۳ — معتقدین باین عقیده میگویند وکالت مقامی است

موظف و قبول کننده این مقام مثل سایر افراد نیست که در موقع

انتخابات میتواند کسی رای داده یا از شرکت در انتخابات خودداری نماید (۱)

(۱) مطابق اطلاعات ما در بعضی از بلوکات سوئیس در انتخابات عمومی

هم رای اجباریست و اگر امتناع شود امتناع کننده جزیمه دارد .

بلکه قبول مقام وکالت مستلزم اجراء وظایفی است که باید از ملاحظه کاری اجتناب نموده و نظیفه خود را انجام دهد و این اصل بر خلاف آزادی نیست و غیر از این خلاف آزادی دیگر است و اشخاصی که معتقد بامتناعند باید از قبول مقام خودداری نموده و آن را بکسی واگذارند که با کسی از اظهار عقیده مثبت یا منفی نداشته باشد. حال باید دانست که این اصل را میتوان در باره عموم نمایندگان و برای هر موضوعی از موضوعات پارلمانی که محتاج به رای است اجرا کرد یا نسبت به يك عده از نمایندگان و در بعضی از اقسام رای؟ البته نمی توان گفت که تمام نمایندگان مکلفند که همیشه حاضر بوده و در تمام اقسام آراء شرکت جویند.

حضور تمام نمایندگان در مجلس غیر مقدور و قانونگذار برای اینکه از غیبت اشخاصی که عذر موجه ندارند جلوگیری شود حد نصاب و جرائم را معین نموده است که باین وسیله عده که برای تصویب یا رد موضوعی لازم است حاضر باشد (۱)

(۱) ماده ۱۱۷ نظامنامه مجلس شورای ملی: « هرچیک از نمایندگان بدون اجازه مجلس نمی تواند غیبت نماید ولی در صورت فوریت رئیس می تواند اجازه داده و بعد مجلس را در اولین جلسه مسبق نماید »

ماده ۱۱۹ ایضاً: « نماینده که بدون مرخصی غیبت کرده است مقرری او برای مدت غیبت بمطوع است و هرچنین است در باره اشخاصی که بیش از آنچه اجازه داده شده است غیبت

۷۸ - در همین مورد که گفتیم...

حاضر جهت هر چه لازم آید...

مجلس را تمام آراء را...

با ورقه و پیوسته می باشد زیرا قانونگذار از نقطه نظر اهمیت

مطالب و سرعت جریان امور پارلمانی طریقه اخذ آراء را با اقسام

مختلف تعیین نموده است مثلاً اگر بنا باشد که تمام نمایندگان حاضر

در تمام اقسام آراء شرکت جویند بدیهی است وضع این فاعده

محتاج بوسیله تفتیش هم می باشد حال را ملاحظه کنیم که تفتیش در رای بقیام

و قعود سبب میشود که فلسفه و حکمت وضع این فاعده را به کلی منسوخ

سازد زیرا رای بقیام و قعود برای این است که در جریان

امور پارلمانی سرعت بوده و به بطوری که متلازم رای با ورقه

است متلازم کرده لذا تفتیش در اینکه آیا تمام وکلا در رای بقیام

و قعود رای داده اند یا نداشته سبب میشود که فلسفه این طریقی

از اخذ رای را منسوخ نماید پس بطور خلاصه می توان رای

را اجاری نمود ولی نه فقط برای تمام اعضا بلکه برای تک

عده آنها نه در تمام اقسام اخذ رای بلکه در بعضی از آنها که

حیاتی است...

فقط در مواردی که...

۷۹ - در این مورد که...

و مخالفین اتخاذ میشود یعنی هر کسی که عقیده مثبت دارد به يك طرف و صاحبان عقیده منفی به طرف دیگر میروند تمام اعضا حاضره مکلفند که بوسیله انتخاب یکی از این دو جهت موافق و مخالف رای خود را اظهار نمایند و در مواقعی که از این قاعده تخلف شده آنها را بدادن رای مجبور نموده اند .

فرانکوویل در کتاب خود می گوید (۱) در سیم فوریه ۱۸۸۱ آرد کرسونر Grosvenor رئیس الوزراء بمجلس گفت که چنین امر اولی الامر است در لایحه در رای شرکت تهیه رئیس مجلس ولای مزبور حاضر نموده که هر يك در محل که موافق عقیده اوست وارد شود چنانچه امتناع نمایند جسد سری و عدم اطاعت محکوم میشوند معذک آنها از محل خود شرکت سکرته رئیس الوزراء برود نظریات خود را در اخراج آنها بمجلس پیشنهاد نمود پیشنهاد مزبور قبول و مامورین مسلح برای اخراج آنها وارد شده مجبوراً آنها را از مجلس خارج نمودند این است يك سابقه از رای اجباری در انگلستان .

۷۶ — در اسپانی ماده ۲۲۱ نظامنامه مجلس سنا میگوید : « قبل از اینکه رئیس مجلس خانه رای کتبی را اعلام نماید یکی

(1) Franqueville, le gouvernement et le Parlement Britannique. III, page 112

از منشیان مجلس بصدای بلند در دو نوبت متوالی باید سؤال نماید که از سناتور ها کسی در رای دادن ماسعه نموده است یا نه . در این مملکت هر اجبار در رای کتبی میباشد .

۷۷ - در اطریش - موقعی که اخذ رای بواسطه نامیدن نمایندگان است Appel nominal مخاطب در جواب باید بگوید بل و یا نه و همچنین در موقع رای مخفی با ورقه که رای اجباریست برای تمام اعضا حاضر در مجلسین .

۷۸ — در بعضی از ممالک هر مطابق نصوص رای دادن اعضا حاضر اجباریست ولی در عمل نظیر مقنن کاملاً رعایت نمیکردند یعنی از حق که قانون برای عدم شرکت آنها در رای بدلائیل موجبه معین نموده است سوء استفاده میشود .

در باویک — ماده ۲۹ نظامنامه مجلس میگوید : « هر عضوی که در موقع اتخاذ رای حاضر باشد و امتناع نماید رئیس او را صدا می کند برای اینکه دلایل عدم شرکت خود را در رای اظهار نماید »

۷۹ — در برزیل — اعضا مجلسین نمی توانند از رای امتناع نمایند مگر دو موقع .

- (۱) در صورتیکه در مذاکرات مجلس حاضر نباشند .
 - (۲) در موقعی که در موضوع رای شخصاً ذی نفع باشند
- ۸۰ — در امریکا — در مجلس سنا هر عضوی که

حاضر است باید در موقعی که نامیده میشود در رای شرکت
نماید مگر آنکه عذر موجه داشته باشد در اینصورت بعد از اینکه
تمام بصدای باند رای مثبت یا منفی دادند و قبل از اینکه رئیس
جلسه را تمام نماید دلایل موجه عضو متنع را بمجلس
اظهار و مجلس بدون اینکه داخل در مباحثه شود آنرا رد یا قبول
می نماید در این مجلس ملاحظه میشود که کمتر اتفاق میافتد که
از قانون سوء استفاده شود زیرا عضو متنع باید دلایل خود را
ذکر کند و مجلس هم باید امتناع او را تصویب نماید.

مجلس وکلاء ماده هشتم، ۱، Article VII نظامنامه میگوید :
در هر صورتی که در هر جلسه که بطریق معمول در هر جلسه
حاضرین در آنجا تصویب میشود یا رد میشود در هر صورت
تصویب میشود.

در هر مجلس وکلاء شرکت از آراء رای اعلام میشود
معلوم شود که حد تصاب در موقع رای منتهی بر آن است
هر آنکه در هر صورت آن رئیس منصف است و در هر صورت
احضار در هر جلسه را میسر است از اینصورت که رای رای
را میبندند که حضار بجای خود مانده خارج نشوند و بر حسب
امرا اکثریت مجلس مامورین صلاح می توانند در هر آنجا که
نمایند بکن غایب که مامورین موجه خود را بمجلس اظهار نکرده اند
یافت شوند آنها را توقیف کرده و با اجبار آنها را بمجلس حاضر
که در رای شرکت نمایند (C, V, 1; X, 1, 2, 3, 4; S, V, 2, 3.)

باید در رای اجبار آنها را متنع

در هر صورتی که در هر جلسه که بطریق معمول در هر جلسه
حاضرین در آنجا تصویب میشود یا رد میشود در هر صورت
تصویب میشود که باید در رای اجبار آنها را متنع
دادن رای امتناع نماید بلکه موضوع رای در هر صورت
باشد که حقیقت نتواند بر له یا بر علیه آن موضوع رای دهد
و اظهار یک عقیده مثبت یا منفی را خلاف وجدان تصور کرده
بخواهد امتناع نماید در این صورت ایا سزاوار است یک چنین کسی
را صلاحیت را بر پشت و پشتی محض نماید مورین برس Maurice
Lafont یکی از نویسندگان معروف در فرانسه
میگوید امتناع خود یک رائی است و گاهی شمر بهتر می باشد.

دوکی از مؤلفین معروف حقوق اساسی در کتاب خود (۱)
میگوید که هر آنکه نتواند در هر صورت
تصویب میشود در هر جلسه که بطریق معمول در هر جلسه
حاضرین در آنجا تصویب میشود یا رد میشود در هر صورت
تصویب میشود وکلاء یا ستاورها می توانند امتناع نموده و در محله رای دلیل
امتناع را اظهار نمایند
از تقلم نظر بپیران این عقیده بعضی از امتناع را بدون
هیچ شرطی و در بعضی از ممالک با شرایطی تصدیق نموده اند .

Duguit, Manuel de droit Constitutionnel (1)

مالکي که بدون شرط شناخته اند

۸۲ - در فرانسه - در نظامنامه و در سایر خصوصى بره
یا در علیه امتناع افرادی نصی است در مجلس سنا و در مجلس
و بالا معمول است و اشخاص معتقد در بین اشخاصی که در آن
در رای نکرده اند منظور میشود و در موافق که رای کسی
در محل نطق داده میشود تا بعد منتع می باشد امتناع خود را
قبل از خاتمه رای اظهار کند و اظهار او در صورت مجلس
مدرج میگردد:

بز خلاف بموجب ماده ۱۱۸ نظامنامه سنا و ۱۲۳ نظامنامه
مجلس وکلا امتناع اجتماعى بالصراحه منهي است زیرا فلسفه که
در امتناع شخص مرده ذکر شد اینجا مورد ندارد و امتناع
اجتماعى براى ایجاد مانع است که امور را متوقف نماید .

مملکت در يك موقع امتناع اجتماعى عمداً است و آن
وقتي است كه در مجلس عمده را برای تجلین
در امری معین کرده باشد و در کمیسیون معمول تحقیق باشد و
در همان وقت مجلس در موضوعی که آنها را مورد تحقیق داده
است مذاکره نماید در اینصورت اعضا کمیسیون تحقیق می تواند در
حضور در مجلس امتناع نمایند

۸۳ - سوئیس در مملکتی است که صراحتاً حق امتناع را
تصدیق کرده است و در اینباب ماده ۸۰ نظام نامه مجلس وکلا

و ۶۱ مجلس نمایندگان بلوکات میگوید «هیچیک از اعضا مجبور
نست که رای بدهد»

مالکی که امتناع را معلق بشروط نموده اند

۸۴ - در این ممالک نه این است که شرایط مهمی برای
امتناع تعیین شده باشد بلکه فقط امتناع کننده را در عداد رای
دهندگان محسوب میدارند و نه در ردیف اشخاصی که بواسطه
موانع یا بواسطه مساعه موقع رای در مجلس حاضر نشده اند .

بعضی را عقیده آن است که اشخاصی که در موضوع رای
بواسطه تردید رای نمیدهند نباید در عداد رای دهندگان محسوب
گردند در جواب گفته اند که در يك هیئت شوروی اگر عده
مستعین از عده رای دهندگان موافق و مخالف بیشتر شد تکلیف
چیز است هرصی کنیم که در يك هیئتی که ۲۰۰ نفر حاضرند
۲۰ نفر موافق ۲۰ نفر مخالف و ۱۲۰ نفر امتناع نمایند آیا سزاوار
است که در يك چنین عیسی که ۲۰۰ نفر حاضرند
الشریت ۶۰ نفر قلمی باشد

هر که تعیین هم جزو رای دهندگان محسوب شود عامه
میسند که موضوع رای بوده و این جهت ۱۲۰ نفر از
حصه در رای مثبت یا منفی برود و الا رای میدارند
در چمنی صکه دیگر شد کمتر ممکن است واقع شود ولی
حال هم نیست و در چنین موقع از دو حال خارج نیست یا بواسطه

تردید و یا بواسطه ملاحظه کاری عده کثیری امتناع نموده اند
 علی ای حال چنانچه متمین در ردیف رای دهندگان نباشند
 اعمالشان از قضاوت عمومی محروم میگردد ولی اگر در تحت
 قضاوت عموم افتد کمتر ممکن است که بصرف ملاحظه کاری
 از رای امتناع نمایند طرفداران عقیده ضد رای امتناع نکذارت
 اند که در فرانسه رای امتناع برقرار کرده و یکی از
 دلایل آن هر عدم ثباتی است که کابینه در آن مملکت دارد
 زیرا می گویند که هر کجا عده متمین جزو رای دهندگان
 حساب شوند در صورت کثرت عده بدوات های وقت کوارا نیست که
 قبول مسئولیت نمایند زیرا منتع اگر مخالف نباشد موافق نیست
 و با عده زیادی از غیر موافقین دولت نمی تواند وظایف خود را
 انجام رساند .

۸۵ - در آلمان - مطابق اطلاعات با ورقه رای برسد

قسم است (۱) ورقه مثبت (۲) ورقه قرمز برای رای
 منی (۳) ورقه آبی رای امتناع

در رای هر ورقه اسم رای کننده نوشته شده و
 منی با اطلاع خود رای را هم تعلیم می دهد و دست
 در تمام آن مجلس و در تمام عده در تمام آن
 قدرت خود را بر همه میگذارد و رای هر ورقه
 رای باطله قبول ورد و رای امتناع بیگانه درج میگردد و علاوه

اوراق الوان است بطریق مذکور شد
 و نباید اشتباه کرد ورقه رای امتناعی که در آلمان
 معمول است با اوراق سفیدی که در سایر ممالک رای دهندگان
 بواسطه تردید در رای مثبت یا منی میدهند در آلمان چون این
 قسم از ورقه مصوب قانونگذار است و در حقیقت امتناع را در
 حکم عقیده در عداد عقاید مثبت و منی قرار داده است اسم و
 عقیده رای دهندگان بر حسب ماده ۸۱ نظام نامه در صورت مجلس
 تفصیلی درج میگردد ولی در سایر ممالک ورقه امتناع با این طریق
 معمول نیست هرگاه عضوی بواسطه تردید نخواهد رای مثبت و منی
 داده یک ورقه سفید بدهد ممکن است که نام او جزو متمین
 نوشته شود و یا اسمی از او برده نشده در عداد اشخاصی که
 در رای شرکت نکرده اند بشمار آید

آیا ممکن است که قانونگذار دادن اوراق سفید را
 نمی نماید زیرا چه فرقی است بین آن کسی که اصلا شرکت
 در رای نکرده و یا شرکت نموده ولی بدون اظهار عقیده مثبت
 یا منی یک ورقه سفید بدهد؟ نمی کردن اوراق سفید بدلائل
 ذیل عملی نیست :

(۱) هرگاه شخصی اوراق سفید بدهد اصلاً معلوم نشود
 که درین مجلس شرکت کرده یا نه و این امر در
 است که رای ایجاد منع دست الملک میباشد

(۱) هر گاه رأی دهانه عبور باشد که طبقه از پشت اجتر
المرکز کند که در این حالت اعتبار بشود طبقه مذکور که هیچ
وزن رأی طبقه پشت ندارد و در حالیکه هر طبقه
به رأی اجتری معتمد در موردی که ثابت است رأی حق
المرکز شود هر که دهانه وره طبقه معلوم باشد اجترایی از پشت
بهر مسکن و هر گاه معلوم نشود بر خلاف اکثر موارد بود
حقاً - در امتناع اجتری ۰

۸۶ - در حقیقت نظر نظامی کند امتناع یک طبقه نیست
و باید امتناع کننده حق رأی مخصوص آن طبقه بتواند
قدردان خود را بین دو طبقه پشت و منی اثبات نماید رأی امتناع
رأی ثابت کن یک حق است که در حدود و مشروط اولی که هر
مسکن است طبقه امتناع از رأی بر رأی اقل همه از آن امکان
ایجاد نمیکند طبقه ملاحظه می نماید در حقیقت رأی را بشاید
غایب است که رأی معتمد باید حتی بطریق از میان رأی امتناع
تواند از فرار واد

در صورتیکه قدر از تصور واد باید امتناع طبقه انصراف
مستحق آن گروه بود
در صورتیکه - باید طبقه اقل رأی را که در
و طبقه که از جانب امتناع باید قبول مرجع در صلاح اوده
از حیطه نظام پس تمام بر سایر کرات شرکت جوده تا در امتناع
مقررات نظام که را اجرا نمود ۰

(۱) در موقع تصویب استرالیا هر که اوضاع مشروطیت
الخاص مجلس تصویب اشکال به طبقه را برود بعد محمول نبود
شور و خروش ساحت امتناع معلوم شد و اشکال به تصویب نگردید
آن طبقه از حق رأی محروم است
و باید فرقی گذاشت بین آن شخصی اگر کسی تا آنکه در
آنها بوده نظر واقع نگردیده است چه آنها حق رأی دارند و آن
اینکه در موقع تحقق ساحت استعاضال برود خود شریک باشد
قرار بود که اگر کسی اصلاً یک مجلس است نگردید حق رأی
آنها معلوم است هرچند که ممکن نبود طبقه اقل جهت شعوری
تشکیل شود و باید تمام طبقه به مجلس با چنین گروه ۰ باید کلی
که هرگز ساحت و سبب استعاضات حق نموده است حق بطریق واد
رأی را تارک و بی چه در شمع و شیبون و چه در مجلس در
مورد تحقق خودشان نمی تواند رأی دهدند و طرح قانونی
هر کسی را که بخواهد است

در صورتیکه به فریب نماینده توجیب رأی مجلس معاده
تصرف اشکال طبقه طبقه مزبور در هیچ امری حق امتناع
رأی ندارد ۰

(۲) هر گاه نماینده بوده نهایت نظامی مجلس واقع شده
باشد طبقه اقل ۱۱۱ نظام به مجلس ما نسبت مزبور است
معنی می کند (۱) اشکال (۲) اشکال باید در صورت مجلس

(۳) مؤاخذة (۴) مؤاخذة با ممنوع بودن از حضور در جلسات موقته بنا بر این بر حسب ماده ۱۳۰ نظام نامه : «در صورتیکه تریه مؤاخذة با منع حضور در باره نماینده رای داده شده باشد نماینده مزبور تا هفت جلسه حق شرکت در امور مجلس ندارد و باید دانست که بر حسب قسمت اخیر همین ماده و ماده ۱۳۱ هر گاه بعد از رای مجلس نماینده از مجلس خارج نشد او را خارج می نمایند و چنانچه قبل از اقباضی هفت جلسه داخل عمارت مجلس یا داخل محل انعقاد مجلس شد او را دستگیر و برای مدتی که متجاوز از سه روز نباشد توقیف می شود و هر گاه مجلس در باره نماینده رای مؤاخذة با منع بودن از حضور در جلسات داد و نماینده مزبور بطوریکه مذکور شد اطاعت نمود و رای مجلس با کراهت اجراء شد چنانچه پیش از رای مجلس همین تریه در باره نماینده مزبور تسبیب شده باشد تریه فوق مضاعف خواهد بود آخر ماده ۱۳۰

نمایند که مورد مؤاخذة با ممنوع بودن از حضور در جلسات واقع می شود نه این است فقط در فضای مجلس حق ورود ندارد بلکه «مؤاخذة با منع حضور» نصف حقوق یکماهه است ۱۳۳ نظامنامه .

(۴) وکلای کسی که در تحت تعقیب و محاکمه در آمده

باشند مادامیکه نرائت ذمه حاصل نشده است

(۵) هر گاه در موضوعی که رای داده میشود رای دهند ذی نفع باشد مثلاً در موقع تصویب اعتبار نامه که صاحب اعتبار می تواند در مذاکرات مجلس شرکت کنند ولی حق رای ندارد .

(۶) در مواقعی که نماینده از مجلس اجازه مرخصی گرفته است در بعضی از مجامع در مدت مرخصی حق رای او ساقط است در برخی نماینده از حق رای محروم نیست بشرط اینکه هیئت رئیسه را از حضور خود در مجلس مستحضر سازد .

(۷) اشخاصیکه بمقام ریاست مجلس و نیابت ریاست منصوب میشوند مادامیکه در این شغل باقی هستند .

فلسفه این مطالب حفظ بی طرفی ریاست و نیابت ریاست می باشد و برخلاف این قسمه در بعضی از پارلمان ها رئیس است این است که فقط حق رای دارد بلکه در موقع تساوی آراء رئیس را بدادن رای مجبور می نمایند (ملاحظه شود نمره ۱۶۷)

(۸) ابتاع نمایندگان وزیر در موقع تصدی بمقام وزارت اگر چه از نقطه نظر قانونی این مطالب قابل دفاع نیست زیرا نمی توان گفت کسی وکیل است و حق رای ندارد ولی چون بواسطه بی دوامی حکومت ها و مجاری کثرت انتخابات جمعی از هانک وکالت را با وزارت توأمأ مجاز میدانند این است که

ما از تقید ممالک مزبور نظر به اطلاعات کمی که از اخلاق آنها داریم خود داری نموده و با اختصار می گوئیم توأم بودن مقام وکالت با وزارت بیشتر سبب می شود که نمایندگان مجلس در تغییر دولت ساعی باشند چه اگر در موقع تصدی مقام وزارت نماینده مجبور باشد که استعفا دهد ممکن است مقام وکالت را بوزارت ترجیح دهد ولی وقتی که می تواند وزیر بشود با حفظ مقام وکالت البته بیشتر ساعی است که موجب تصدی مقام وزارت را که اغلب در تغییر دولت است فراهم سازد بقیده ما در این مملکت هرگاه اعضا مجلس نمی توانند در تمام مدت دوره تقنینیه که وکالت دارند و یا استعفا میدهند بمقام وزارت برسند دولت ها با دوام تر و صلاحیت وزراء بیشتر بود و این طریق مخصوصاً در مملکت ما که فعلاً قانون استخدام (۱) برای مقام وزارت شرط و قیدی معین نمی کنند بیشتر مفید است و ادارات مملکت ما چون آنطوریکه باید مشکل نیست و خوبی و یابندی آنها مربوط بر رؤساست البته اگر یک

(۱) ماده ۱۰ قانون استخدام کشوری: «تصرف مقام وزارت و معاونت وزارت و سفارت کبری و سفارت فوق العاده و والی ایالت و کلیه قضات و مدعی العموم دیوان عالی تمیز و اعضا شورای دولتی و اعضا منتخبه دیوان محاسبات خارج از مراتب مذکوره فوق و تابع قانون جداگانه خواهد بود»

وزیر لایق ذی صلاحیت راس وزارت خانه باشد بهتر است تا اینکه یک نماینده بی اطلاع غیر مجرب که بواسطه دسایس فرقی و دستجات پارلمانی بدون طی مراحل اداری در راس یک وزارتخانه قرار گیرد.

و باید دانست که بعضی از ممالک مقام وزارت و وکالت را توأمآ جایز نمی دانند و همینکه وکیل بمقام وزارت رسید باید از وکالت استعفا دهد و این طریق که در سوئیس مطابق اصل ۹۷ و ۱۰۱ قانون اساسی و در ممالک ما مطابق اصل ۶۶ قانون اساسی (۱) معمول است باز بهتر از ممالکی است که در آنها مقام وزارت و وکالت توأم می باشد.

(۹) امتناع نمایندگان وزیر در موقع تصدی مقام وزارت نه در کلیه اراء مجلس بلکه در ارائی که وزارتخانه مربوط بوزیر یا هیئت وزراء ذی نفع باشند مثلاً در موقعی که مجلس بعد از استیضاح باید رای مثبت یا منفی و یا ساست بدهد

(۱) اصل ۳۲ متمم قانون اساسی: «چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل می شود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستغای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود»

اصل ۶۸: «وزراء موظفانتهی توانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان در عهده گیرند»

و نیز در موقعی که رای در بودجه داده شود خواهد اینکه بودجه عمومی
مملکت یا بودجه يك وزارت خانه بخصوص باشد .

قسمت دوم - در رای موجه

۸۷ - در محاکم حقوق و جزائی رای دهندگان در حکمی

که صادر میکنند ذکر دلیل می نمایند بمباره آخری جهت و علت
رای خود را اظهار مینمایند تا معلوم باشد که از روی هوا و هوس
رای نداده و چنانچه محکوم علیه از حکم استیناف و تمیز بخواهد
در محکمه استیناف و تمیز علت رای معلوم باشد و اگر غیر از
این بود اطمینان و اعتماد از رای محاکم بکلی سلب و قضاة می
توانستند صحت هر طور خواهی خود را اظهار نمایند
و از آن پس رای هم چنین مسوم است که در رویه استیناف
است استیناف یا تمیز توان قضا نمود حال باید دانست زائی که
عجل می دهد لازم است موجه باشد یعنی اظهار دلیل نماید یا
لاکیریت در محاکم اگر قضاة قوانین موضوعه را مدرك
قرار میدهند برای این است که ایجاد قانون مربوط با نهایت
و موثر قانون مجلس می باشد پس عجل در صدور رای
رای خود را چگونه بکنند خود می تواند بکنند چنانچه علاوه
ذکر جهت در رای مجلس است و بقره آمده از عدلت و اربت
تصمیمات مجلس بکاهد و نهایتاً که می خواهند مدرك نظریات
مقتن را بدانند از ملاحظه پیشنهاد و مذاکراتی که در روی
آن شده می تواند علت تصمیم قانون گذار را اگر کلاً نشود جزاً در بایند

۸۸ - هرگاه در مجلس بودجه تصویب شد و در وقت
مجلس است بودجه که باید تصویب شود و در وقت
از طرف دولت مود چه از سمت وزارت یا از طرف
رای خود را اظهار نماید اگر چه ظاهر و باطن همه از حکم
مذاکرات و نظر بر عین است و استیناف است که در حکم
مجلس است که در وقت است و قسمت است که در وقت
عجل می دهد چنانچه در وقت است و استیناف است که در وقت
و از آن پس رای هم چنین مسوم است که در رویه استیناف
است استیناف یا تمیز توان قضا نمود حال باید دانست زائی که
عجل می دهد لازم است موجه باشد یعنی اظهار دلیل نماید یا
لاکیریت در محاکم اگر قضاة قوانین موضوعه را مدرك
قرار میدهند برای این است که ایجاد قانون مربوط با نهایت
و موثر قانون مجلس می باشد پس عجل در صدور رای
رای خود را چگونه بکنند خود می تواند بکنند چنانچه علاوه
ذکر جهت در رای مجلس است و بقره آمده از عدلت و اربت
تصمیمات مجلس بکاهد و نهایتاً که می خواهند مدرك نظریات
مقتن را بدانند از ملاحظه پیشنهاد و مذاکراتی که در روی
آن شده می تواند علت تصمیم قانون گذار را اگر کلاً نشود جزاً در بایند

مطلع بوده اظهار نمایند و به آن ها مدالی نمایند که تا قبل از
ایجاد رای چه در مذاکرات و چه بعد از ختم مذاکرات اعضا مجلس
را از عیارات خود توجیه داده اند حاصل قسم اصلاً مفروض مجلس که
داخل در دستجات باشند میتوانند قبل از ایجاد رای دستور
دلیل نمایند .

۸۹ - و این دگر جهت با شخصی است و یا کسی
دگر جهت شخصی بر نام برده شده است حتی در بعضی
دگر چه در اجراء محترم می باشد بنا بر سوشس ماده ۱۰۰ از ماده ۱۰۰
تعمیر نامه مجلس در آن گز اوکالت و یکویت . ا قبلاً از این
رای استانی مجلس حتی دارای بطور اختصار ابتدا توجیه نمایند
و بعد در موقع رای آنرا که در صرا ۱۶۶ ملاحظه میشود در انگلیس
رایین قول از جانب رای لازم است که دگر جهت صادر

دگر جهت کسی هم ممکن است نیز قسم باشد ولی آنکه
روی و بقایای صحاکرا دگر نماید در طریق همان است و در صرا ۱۱۱
ملاحظه میشود که این قبیل از ادواتی رای باطل و غیره در روز
جهت رای خود را روی و در دیگر وقت حیثت رایسه تقدیر نماید و
از در امدان و ملایق ماده ۱۰۰ در نظر همه مجلس و الا بصورت است
که در بطور اختصار رای هرگز از ایجاد رای بواسطه نادیدن نمیتواند
عسری که در جرح و کلام رای جدید و مثل آن را در همه نوشته است
مذاکره بوده آنرا موجه نمایند میتواند کتباً بطور اختصار ذکر

عکس خود نوشت رایسه تقدیر دارد و در صورتیکه نتواند در
مجلس مجلس طرح شود قبل از طرح قرائت دیگری (۸)

۹۰ - در مورد - دانند که می توانند در امر جلسه
که رای داده شده در آنها و امر جلسه بعد از این خود
استفاده در بطور موجه نوشته اند خود یا توسط دیگران قرائت
نمایند و زمانی که این طریق قرائت می شود ضمیمه صورت
جلسه میگردد .

و این طریق خصوصاً امر حسب ماده ۱۰۰ قانون اساسی در
موقع صورت است که حقوقی از حاصلین در موقع رای شرکت
ساخت و در اظهار نظر کرده اند و هر چند در همان موقع که
در مجلس دیگر طرح میشود قبلاً خود را اظهار کرده و در صورت
می تواند سؤیده خود را که مخالف رای است که هم قطاران
از آنها در کتباً مجلس بعد که بدیده صورت مجلس شده و بعد
مجلس دیگر خلاصه صورت مجلس اعلام کرده .

قسمت سوم - در طریق اخذ رای

۹۱ - بطور کلی در هر زمانی سه طریق می توان
اخذ رای نمود (۱) تصادح صریح (۲) اخذ دقیق + اجراء عمل



Reynaert, histoire de la discipline parlementaire (1) dans les deux mondes , Bruxelles, 1884. tome I page 104 .

و در مجلس لردها میگوید « انهاییکه با قبول موافقت بگویند راضی و انهاییکه با قبول مخالفت بگویند ناراضی »

و نتیجه را هم باین طور اعلام میکند « من تصور میکنم که موافقین غلبه دارند بمخالفین » از طریق اعلام رئیس که می گوید تصور می کنم چنین استنباط می شود که این طریق از رای گرفتن فقط وقتی مورد تردید نیست که فرق بین مخالفین و موافقین زیاد باشد زیرا استنباط قوه سامعه دلیل قوی برای تشخیص اکثریت نیست .

امریکه هم از تقلید در این طریق خود داری نموده است .

(۳) رای بدست های بلند .

۹۵ — اگر چه می توان گفت که در تشخیص این

قسم از اتخاذ رای قوه باسره از قوه سامعه قوی تر باشد معذک باین طریق هم نمی توان اطمینان کامل داشت مگر اینکه بین موافقین و مخالفین از اعضا فرق بسیار باشد و الا ممکن است که اعضا دست ها را با هم بلند نکرده و یا بعضی زودتر باین آورند و تحقیق دست های بلند از غیر بلند آسان نیست این طریق اتخاذ رای در پارلمانهای بزرگ عملی نیست و فقط در هیئات کوچک می توان آنرا بحیری نمود .

۹۶ — در مملکت سوئیس در مجلس نمایندگان باوگات

بموجب ماده ۶۶ نظام نامه این طریق معمول است و بدین است در این مجلس

که عدد اعضا آن از ۵۰ نفر تجاوز نمی کنند اجرای این طریق اشکال ندارد .

(۴) رای بواسطه قیام و قعود .

۹۷ — سرعت اخذ رای بقیام و قعود از طرقی که

مذکور شد کمتر است بجهت اینکه در پارلمانهای بزرگ که اعضا ماضی زیاده تر است باید رئیس تأمل کند که هر عضوی که در حرکت است بمحل خود قرار گیرد ولی نتیجه آن تحقیق زیاد بر می آید زیرا باین آوردن دست سرای باین است که قیام و قعود

در مجلس از مملکت سوئیس را در مواقع تشخیص قاضین

و قاضین می توان تعیین کرد باین طریق که رئیس بگمرته از اشخاصی که موافقت تقاضا می نماید برخیزند و دفعه ثانی از اشخاصی که مخالفند بنا بر این آنها هیچ حرکت نکرده اند جزو متمتعین محسوبند و در بعضی دیگر تکرار عمل اختیاری است و رئیس می تواند که تقاضا کند اشخاصی که موافقت قیام نمایند در اینصورت متمتعین با مخالفین از عمل خود حرکت نمی کنند و تعیین متمتعین مقدور نیست و آنها در ردیف مخالفین بشمار می آیند که ممالکی که قیام موافقین و مخالفین هر دو اجباری و ممالکی که تکرار اختیار است

۱۰۷ - در امریکا این طریقه در مجلس و بالا مختصر
اطلاقی معمول می باشد (۱)

(۲) در انگلستان برای برانکه همین طریقه

Vote de vive voix par appel nominal

در طریقه گفته قی از این سخن می آید در انگلستان و در
در انگلستان و ملاحظه شود در ۱۰۰۰ در هر دو طرف این طریقه
دهمین معلوم باشد در صورتیکه در این طریقه سخن می شود
این طریقه گفته یکی از اصحاب مجلس بگفته اسمی از اعضا
خواهد و نامش اسم رای خود را کند گفتار نمود در آن
مواقی است در عمل آمده باشد و الا در مجلس آمریکا
مطابق اسم او است می باشد

۱۰۸ - در فرانسه ماده ۳۱ قانون اساسی میگوید
- اصل آراء میدانی باشد و با اشیاء و اشهر است در هر دو طرف

اصول رای برانکه همین و صدای بلند است
ملاحظه میشود که در این مجلس غیر از صورت انگلستان
در مجلس گفته مطابق قسمت آخر همین ماده ۳۱ و در هر دو طرف
معمولاً اصل رای میدانی بلند و یا بلند و صدای بلند و در هر دو طرف
که مقصود تصویب قوانین است این طریقه رای در هر دو طرف
او میدانی بلند رای خود را اظهار می نماید

۱۰۹ - در هولاند ماده ۱۰۷ قانون اساسی برای
برانکه همین و بالا این طریقه (که یکی از اصحاب این مجلس در
ایوان و یکی از اصحاب مجلس در مجلس میگویند) - بعد از خامه

مذاکرات اگر رئیس مجلس بگوید و یا اینکه یکی از اصحاب
مجلس بگوید مجلس برانکه همین و بالا این طریقه رای می نماید و قبل
از تصویب کردن هر چه در این مجلس می آید که اول آن کلام است
از اسمی گفته در صورت اسمی اصحاب مجلس هر چه است شروع
باید رئیس مجلس از همه رای میدهد و هر یک از اصحاب مجلس
مواقی و سخنان رای میدهد بدون اینکه کلام دیگری اضافه نماید
و بطور ساده ۱۰۷ و ۱۰۸ نام این مجلس و بالا هم
همین است

۱۱۰ - در مملکت دانمارک از قبیل انگلیس - سوئد - ناروژ -
دانمارک - سوئیس - دولت پروسه - آمریکا - سوئد - سوئیس - سوئد - سوئیس
در این مملکت فقط در مجلس و بالا ۱۱۱ این طریقه را مختصر
اطلاقی معمول می نماید

(۱) رای دادن میدانی بلند بدون
اینکه در آن هنگام صدای بلند شود

Vote de vive voix sans appel nominal

(۲) در مجلس سوئد اصحاب را صدا می کنند آنها بترتیبی که در مجلس
میکنند هر یک بترتیب میدانی بلند رای خود را اظهار می نماید

۱۱۱ — در این مرتبه بجز اینک کسی نمیدهد شود هر کس رای خود را میدهد ولی البته فهرست اسامی نمایندگان بترتیبی که در مجلس جلوس میکنند قبلاً تهیه میشود و چنانچه غیر از این باشد مثلاً بترتیب الف با تهیه شود آنوقت لازم میآید که نمایندگان بواسطه هیئت رئیسه نامیده شوند و بعلاوه بواسطه دوری نمایندگان از یکدیگر باعث تأخیر شود در صورتیکه فهرست اسامی که بترتیب جلوس نمایندگان در مجلس تهیه میشود بدون اینکه کیرنده رای اعضا را احدا کند خود آنها بترتیبی که جلوس کرده اند یکی بعد از دیگری رای خود را می گویند و دارنده فهرست در مقابل اسم او درج می نماید و نظر باینکه در این طریق ثبت کننده رای باید شناسائی کامل بوقلا داشته باشد و الا بنگاه صرف ممکن است در ثبت رای در عمل خود اشتباه نماید استعمال این طریق در پارلمانهای بزرگ چندان عملی نیست مگر اینکه برای جلوگیری از اشتباه هرگاه کیرنده رای دهنده رای را شناساند سؤال نماید و یا بهتر اینکه هرگاه رای دهنده استنباط نمود قبل از سؤال نام خود را بگوید.

۱۱۲ — در مکزیك - این طریق بر حسب قانون در بعضی موارد مجرب است و در بعضی از موارد دیگر وقتی که لافل هفت نفر از اعضا تقاضا نمایند مجرا میگردد هیچیک از اعضا نمرده نمیشود خود آنها از طرف راست رئیس هر يك بنوبه خود

بر خواسته فقط می گویند بلی یا نه در صورتیکه رای دهنده فرد کیرنده رای معروف نباشد اسم خود را هم مزید می نماید بکثیر از منشیان رای موافقین و يك نفر دیگر رای مخالفین را ثبت و بعد نتیجه را اعلام می نمایند.

۱۱۳ — در شیلی — رای از طرف راست رئیس شروع و بطرف چپ خاتمه می یابد و اعضا هر يك بترتیبی که جلوس میکنند عقیده خود را بنوبه اظهار میدارند. اسپانی — فقط در مجلس شنا.

(۴) رای با ورقه

۱۱۴ — اگر در طرقی که ذکر شده ممکن است شك و تردیدی در عده رای دهندگان حاصل و محتاج شود که عمل تکرار یابد در طریق رای با ورقه این اشکال مطلقاً مرتفع میشود زیرا رای هر کس از او اخذ شده و اشکال در شماره رای دهندگان نیست تردید هم حاصل نمیشود که محتاج تکرار باشد فقط در شماره اوراقی که اخذ شده باید دقت نمود زیرا که از اوراق اسم رای دهند و رای او معلوم است چنانچه رای دهنده موافق است ورقه که مربوط بموافقیت و الا ورقه مخالفت را در ظرف رای میگذارد و این قسم از رای بنا باطلاعات ما فقط در فرانسه و آلمان و ایران معمول است که بتفصیل بیان می نمائیم:

۱۱۵ در فرانسه — رای با ورقه به سه طریق اتخاذ میشود.
 (الف) اتخاذ رای با ورقه بطور معمول (ب) اتخاذ رای با ورقه در محل نطق (ج) اتخاذ رای با ورقه بعد از ناپیدن رای دهنده که ما همیریک از اینها را بتفصیل بیان می نمائیم :

(الف) در اتخاذ رای با ورقه بطور معمول در این طریق ظرف را در محل جلوس اعضا می گردانند هر یک از آنها دو دفتر رای دارد که اسم او روی اوراق نوشته شده و ملون بدو رنگ می باشد ورقه سفید برای موافقت و ورقه آبی برای مخالفت (۱) و نماینده هر یک از این اوراق را که موافق عقیده اوست در ظرف رای میگذارد و در محل نطق منشیان اوراق را شماره نموده رئیس نتیجه را اعلام می نماید . این طریق در سنا و مجلس وکلا یکی است و اختلافی ندارد .

۱۱۶ — ولی چنانچه در طرقی که ملاحظه نمودیم حاضر از غایب نمی تواند وکالت نماید در این طریق در فرانسه وکالت اعضا حاضر از اعضا غایب با اینکه نص در هیچ آیین معمول می باشد در اینصورت هیچ مانعی نیست که چند نفر از (۱) در الحاق سه قسم ورقه معمول است هر گاه رای دهنده موافق است می نویسد بی و اگر مخالف است نه و متمتع مینویسد من امتناع می کنم اسم رای دهنده هم روی هر یک از این اوراق معلوم است .

اعضای حاضر از یک نفر غایب وکالت کرده چند ورقه رای باسم او در ظرف بگذارند که مثبت رئیس ناچار از اصلاح شود .
 چگونه اصلاح می نماید ؟ در مقابل یک رای مثبت رای منفی میگذارند و مازاد از اراء هر چه باشد اگر مثبت است یک رای مثبت و الا یک رای منفی بنمایند غایب نسبت میدهند که گاه اتفاق میافتد که با عقیده او مخالف بوده و ناچار شود که اصلاح انرا تقاضا نماید .

ولی باید دانت تقاضا کنند اصلاح همیشه اینطور در تقاضای خود ذیحقی نیست زیرا بعضی اوقات رای دهنده خود اوست و بعنوان اینکه غایب بوده و دیگران از طرف او رای داده اند در حدود اصلاح بر میاید و این در دو موقع ممکن است رخ دهد مثل اینکه رای دهنده بواسطه فشار دسته پارلمانی یا فرقه سیاسی رأی دهد که با عقیده او موافق نباشد و یا اینکه باری که داده موافق باشد ولی برای جلب موکلین غیر از جهت تصویب اصلاح نامه چونکه از اصلاح رای مجلس را تغییر نمیدهد و رای دهنده مطأ فتور رسیده سوره هم برای جلب افکار عمومی و یا نظریات موکلین اصلاح بخواند مقصود خود را حاصل نماید و غا (۱) این تقاضای اصلاحات در موقع رای اعتماد تقاضا میشود که رای دهنده از نقطه نظر منافع شخصی یا حزبی رای اعتماد دهد و بعد

برای اسکنه و عملی در آن هم خصوصی کند در وقت پیشه
حاضر شده تقاضای اصلاح نمود.

که بنا بر این قضاوت است که در این مطلقاً از قیود
اصلاح تقاضای می نماید اگر چه رای که از این خصوصاً در وقت
باعتبار است در امری اول تغییر نیست ولی معتقد است
که در این مورد که در این خصوص اکثریت بود
در نتیجه اصلاح منتهی بالذات گردد

۱۱۷ - در ۱۲ مارس ۱۹۰۸ مانده از مواز بودجه در خصوص عایدات
در این خصوص رای واقع گردید ۱۱۶ نیز از نمایندگان در
جلسه ولای فرستاد آن را منطبق در ۲۱۵ نیز آراء رد
نموده و فی حقیقت موافق با آن ملاحظه نمود که
اکثریت قائل توجیه رای توسع حالت داده و اینست
که میباید که در این خصوص در هر حالت سعی اکثریت کند
در وضع این حالت موافق بود و عیناً در این مورد در سند
اصلاح رای بر آمده و بعد از اصلاح در ۱۱۸ پس شده موافق
را ۲۱۵ و ممکن را ۱۱۶ اصلاح می نماید در واقع همان
عده رای معتقد است پس بر آن ملاحظه نمود که در اصلاح
در حقیقت پس بر طبق سند و وضع این حالت را اکثریت
موافق نموده است

۱ - رای در مورد در حال حاضر

۱۱۱ - در مجلس سنا حرکت لفظاً از نمایان دست چپ
رایس یک مورد لفظ می نماید که آن را مهره مختصه
کوتاه و بعد در حال حاضر دو طرف است معتقد در یکی
رای و در دیگری مهره یا مکتوبه
در مجلس ولای طرف مهره جلو نیز نمایان دست
راست می باشد

این طرفه در مجلس سنا و یکی احرا میشود صفا ده
نظر از لفظ آراء تحت عنوان و مجلس غیر بدون ملاحظه
قسط یا قیام و مورد از با تحقیق در مجلس و کلاً هم
اگر چون تصور از لفظاً کلاً آراء تا آنجا باشد و در مجلس هم
حاضر باشد

در این طریق چون هر کس که حاضر است
مهره گرفته رای می دهد از طرف غائبین رای داده میشود
تا اگر با عقیده آنها موافق نبود اصلاح نمایند (۱)
۱ - رای یا ورقه بعد از نامیده شدن رای دهنده

۱ - ممکن است رای هم از طرف غایب داده شود ولی چیزیکه
حسب هرگاه عده اوراق از عده مهره ها تجاوز کند مازاد باطل
میشود و برای دهنده رای فایده ماحوظ نیست و ممکن است رای
از بطل و رای که برای غایب داده است باقی بماند ..

۱۱۹ - اگر در طریقه قبل مشکلی است که کسی از طرف شخص غایب رای بدهد در این طریقه ممکن نیست زیرا که رئیس یکی از حروف الف با اقرعه تعیین میکند و آن حرف اول است هر کس است یکی از منشیان او را صدا میکند در صورتیکه حاضر است در وقت اسم او طلعت میکند و بعد اسمی دیگر را که صد از او هست فرستد بر سر او و بعد بگردد دیگر هر اسمی را که صد از او هست در وقت اول جواب بدهد که فرست میشود که اگر حاضر شده باشد رای بدهد و بطریق هر که ورقه رای را بر سر یکی از نمایندگان در شرف بخت شوه که در فهرست اسمی حضور او قید شده باشد بطلان بگردد.

اشارت به فصل خبر تیر از وقت در رای من دارد که جنس حقیقی را هم بدست میدهد زیرا ملاحظه نمودیم که تشخیص جنس در فرانسه مربوط با اتفاق اراء هیئت رئیسه است و بنا بر این سوشی که اسمی حاضر در آن درج میشود اتفاق اراء آن هیئت است و بعد بگردد و از عدم حضور نمایندگان هم بواجبه بکند اسمی را بجز جریدد رسمی غایب بدون اجازه ثبت میشود چنانچه در صورتی که...

۱۲۰ - در ایران گفته شد ممالکی که رای با ورقه را در انتخابات عالی قبول نموده اند زیاد نیست من جمله

فرانسه است که در تمام ملاحظه شد مملکت باهر نظر اینکه بنظام نامه مجلس و نلای فرانسه تاسی نموده است این طریقه را بطوری که در فرانسه معمول است بیه قسم قبول نموده است رای عالی را در وقت اول از طرف رای عالی با ورقه در محل سنی (ح) رای در وقت صد از نمایندگان رای بدهد.

رای عالی را در وقت اول از طرف نمایندگان در محل سنی است و سعی در وقت هم اجازت است ملاحظه می شود

رای عالی را در وقت اول از طرف نمایندگان در محل سنی است و سعی در وقت هم اجازت است ملاحظه می شود

رای عالی را در وقت اول از طرف نمایندگان در محل سنی است و سعی در وقت هم اجازت است ملاحظه می شود

۱۲۱ - اگر ملاحظه نمودیم که در بعضی از موارد رای

علنی با اوراق اجاریست بر خلاف قانون گذار میفرماید که
نموده است که در ان اخذ رای اوراق حسب ماده و
مورد مزبور در ماده ۸۶ نظام نامه به این طریق معین می نماید

(۱) « در صورتیکه در تغییر و توضیح یکی از مواد
این نظام نامه اختلاف حاصل شده ، پس جازای برای خود »

(۲) « هر گاه رئیس در ضمن يك نطق دو نوبت بناطق
اخطار انحراف از موضوع نمود و باز ناطق مداومت نماید در
دفعه سیم رئیس بتعمیم مجلس میتواند ناطق را از تکلم در آن موضوع
در تمام جلسه منع نماید و مجلس در این باب بدون مباحثه بقیام و قعود
رای میدهد » (ماده ۱۱۱ نظام نامه)

(۳) « هر گاه بناطق در یک جلسه در مرتبه اول
شود مجلس مجبور در صورت خاموشی رئیس حق سخن را در آن
جلسه از او سلب نماید »

رأی که در این باب گرفته میشود بقیام و قعود وبدون
مذاکره خواهد بود » (ماده ۱۲۷ نظام نامه)

(۴) « مؤاخذة و نیز مؤاخذة با منع حضور باید بتقاضای
رئیس باشد اخذ رای بقیام و قعود خواهد بود » (ماده ۱۳۲
نظام نامه) (ملاحظه شود ماده ۸۶ عدم)

حکمت اخذ رای با ورتبه اول در موارد
نظام نامه در صورت قبل ذکر شد معلوم است زیرا برای

این است که بیخبر از این امر بقعود مشکوک و یا اینکه
موضوع رای حکم اعمیانی است که در اوراق را از جهت مبلغ
ولی حکمت بی خبری از این امر در صورت چهارم که فوق الذکر
معلوم نیست فکر است در مورد دوم و سیام و چهارم هر که شباس رای کسی
شخص ممنوع از نطق و از حضور در مجلس از تمام شده رای دهندگان که
در نوعیت او رای داده اند مطلع شده و این تولید يك خصومت
بین او و همقطاران او بنیاید در صورتیکه در رای بقیام و قعود
تمام شده بر او نامعلوم و فقط از رای اشخاصی که در مجاورت
او هستند اطلاع حاصل مینماید ولی چه میتوان گفت در مورد
اول که موضوع رای تغییر و توضیح یکی از مواد نظام نامه باشد
مجلس است در این قبیل موارد که در صورت دوم معلوم است
بقیام و قعود میشود ولی اگر در دو مرتبه اخذ رای بقیام و قعود
از نتیجه رای مشکوک شد آیا ممکن است رای داورانه اتخاذ
نماید ؟ ماده ۸۶ چنین میگوید : « رای علنی با اوراق را شرموقع
می توان تقاضا نمود مگر در موارد ذیل » که مراد موارد
اربعه مذکوره است حال مقصود قانون گذار این باشد که
در موارد اول و دوم و سوم با ورتبه اول است و در موارد
چهارم و پنجم و ششم مشکوک است مگر در موارد مذکور است
که علاج تغییر است

تقاضای تجدید رأی عالی یا اوراق رأی باید قبل از جلسه باشد
 و شرط آنکه این تقاضا کتباً نوشته شده و امضا شده باشد و
 در ضمن آنجا که در آنجا درج شود و در صورت آنجا
 در هر مجلس صحت داشته و در صورت اختلاف رأی آن قرار است
 و هر رأی که پس از آنکه در مجمع باشد رأی آن
 در رأی است که در رأی ۱۰۰ رأی در رأی رأی که در رأی
 رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی
 رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی
 رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

رأی با رأی که در رأی رأی که در رأی

۱۲۲ - ماده ۲۱ در رأی رأی که در رأی

رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی
 رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی
 رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی
 رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی
 رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی
 رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی
 رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

۱۲۵ - رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی
 رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی
 رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی
 رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

۱۲۶ - رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

۱۲۷ - رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

۱۲۸ - رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

رأی است رأی آنکه در رأی رأی که در رأی

با مهره نمود ولی اگر ۲۰ نفر دیگر از اعضا مخالفت نمایند
 در صورتیکه مجلس تصویب نمود رای مخفی والا علنی می باشد
 ۱۲۹ - در ایران - ماده ۹۰ نظامنامه چنین گوید :
 « در تمام موافقی (۱) که اخذ رای علنی با اوراق ممکن »
 « یا احتمالی قبول است هرگاه پانزده نفر از اعضا کتبا تاخیر نمایند »
 « باید رای مخفی گرفته شود »
 « اسمی اشخاصی که این تقاضا را میکنند در روزنامه »
 « رسمی درج خواهد شد »

مطابق این ماده ملاحظه میشود که در هر موضوع
 اشخاصی بجز مورد گفته در ماده ۱۲۱ ملاحظه است ممکن
 است و گاهی هم قانوناً در موقع انتخابات لازم است که

۱۲۱ ماده ۹۰ نظامنامه رای مخفی را در مواردی که اجتناب
 مخفی یا اوراق صورت می یابد و علم اشخاص نسبتاً
 قانونگذار بعد رای پورته را اجراء داده و فقط در مورد
 ظاهراً مشروط است خصوص در مورد ملاحظه شد از آنست که
 ما مملکت خود را در مورد مالکیت حکم بعد رای مخفی در
 تمام مملکت جاری است خواه من ارض و بیچاره بود در حقیقت
 که ظاهراً هم قانونگذار اشیا بوده است تعینت اشخاص را
 مگر اوراق می باشد که در تمام مملکت جاری شده است
 کلی اشخاصی مخفی در تمام موارد می باشد

رای مخفی اجراء شود و درج اسمی اشخاصی که در روزنامه
 رسم برای این است خصوص اشخاصی که در مجلس و تقیید
 در این مورد و جهت تقیید از موضوع رای و موافقت و مخالفت
 مجلس معلوم میشود ملاحظه کرد موضوع رای و تقیید که در
 خارج و حرم مملکت خارج است و در مملکت هم مجلس از مخالفت
 هیچ خاصه چشمه که اشخاصی کتبا تاخیر نمایند رای مخفی
 داده شود کسانی هستند که در موضوع و قبول آن ذی نفع
 و برای گذشتن امر تقاضا می نمایند که رای مخفی اتخاذ شود
 تا اینکه هم خودشان و هم عده دیگری که علناً نمی
 توانستند اظهار موافقت نمایند رای مخفی باعث سهولت باشد برخلاف
 آنرا و بعضی است که بگوید در اظهار خیر و امانت و در
 رای مخفی موافقتی که برای مملکت ضرر است صورت شده
 این حکم صورت شده است که قانون تنظیم شده است که
 یکسری امر را مانع بوده و اینکه اشخاصی رای مخفی را برای
 اینکه رای دهند که در امور مجلس اشخاصی مانع آن است
 است خصوص درج اسمی اشخاصی که در مملکت است صورت
 با حواصی آنها دارند ملاحظه را در هر و بعضی می باشد و ملاحظه
 همه اشخاصی که در مملکت مملکت است ملاحظه نموده چنین
 نتوانی نماید

۱۳۰ — ماده ۹۱ ترتیب اخذ رای مخفی را بانطریق معین میکند :

« اخذ رای مخفی بترتیبی است که در باب اخذ رای علنی با اوراق در محل نطق ذکر شد ولی در عوض اوراق مهره های سفید و سیاه استعمال میشود مهره سفید علامت قبول و مهره سیاه علامت رد است »

« بنشینان مهره های رای را در یک ظرف ریخته و بطور اشکار شمرده نموده و مهره های سفید را از سیاه جدا می نمایند و از همین طریق مهره های سیاه را می شمارند نتیجه را الاقل سه مرتبه معین نموده و دیگر آن را اعلام می نمایند »

۱۳۱ — ملاحظه نمودیم که در پارلمان با هر کس که از اعضا تقاضا نمایند بدون اینکه محتاج باشد که مجلس تعویب نماید در تمام مواردی که اخذ رای علنی با ورقه ممکن است میتوان رای مخفی اتخاذ نمود و البته باید دانست که در تمام موارد غیر از انتخابات اخذ رای مخفی اختیاریست یعنی چنانچه ۱۵ نفر انرا تقاضا نمایند رای علنی است بمباره آخری موکول بمیل اشخاص است نه قانونگذار ولی در مورد انتخابات رای مخفی اجباریست و میل اشخاص در آن دخالتی ندارد و ماده ۹۳ در اینباب چنین گوید : « انتخاباتیکه در مجلس عمومی یا در شعبات یا در کمیسیون ها میشود باید به رای مخفی باشد »

« هر نماینده ورتقه رای خود را در پاکت سرور گذاشته و در طرف اول وپاره کتیبه را در طرفی می گذارد »
« برای استخراج رای نامه سرور قمره معین می شود »

۱۳۲ — در همین است که تصریح برای موقوف است که مجلس بخواند هیئت رای نامه را معین نماید چه هرگاه انتخابات مربوط بانطقس دیگر غیر از هیئت رای نامه باشد مثلا بخواند همین اعضا کمیسیون های مجلس را باینکه در امور است مطابق ماده ۹۳ « یکی از طرفی ها در الحاق سایر مجلس در تحت تصرف یکی از کمیسیون و دو نفر از دیگران که هر دو معین شدند گذاشته می شود هر وقت از چندگان ورتقه رای خود را نامه در آن طرف می اندازد بدون اینکه طبقه برای این امر متعلق است »

۱۳۳ — و این مطلب را هر چه است که در مواقع انتخابات اشخاص حواله ای که اطلاع مربوط هیئت رای نامه یا اعضا کمیسیون باید رای نامه را در حواله ای گذاشته اند در صورتیکه در موارد دیگر بطوریکه ملاحظه شد مطابق ماده ۹۳ باید که مهره باشد »

۱۳۴ — و نیز باید دانست که مجلس رای مخفی خود را با ورقه و حواله یا مهره برای اشخاص حواله ای میدهد است از سایر همه این خود را بر آن هرگاه اشخاص مجلس بخوانند این حتی در قانونگذار برای رای نامه مجلس است

در خبریده رسمی نتیجه رای و اشخاصی که در موضوع رای موافقت کرده اند معلوم می باشد در صورتیکه در انتشار محدود فقط اشخاص قلیلی مثلاً هیئت رئیسه و شاید بعضی دیگر از اسامی رای دهندگان مطلعند و کسان دیگر وقتی مطلع میشوند که جداً تفتیش نمایند بابتطریق می توان گفت که چون رای علنی است همیشه تمایل رای دهندگان بمنافع عمومی است و بواسطه اینکه انتشار محدود است از مخالفت موکلین علی محفوظند .

قسمت چهارم - در استخراج آراء

۱۲۹ - در استخراج آراء رای در مجلس است و طولی ندارد زیرا هر کده رای بقیم و قعود باشد شماره اجملی عدد قانون کافیه است برای اینکه نتیجه رای معلوم گردد و غالباً شماره هم لازم نیست و آن وقتی است که بین اکثریت و اقلیت تا درجه اختلاف باشد که بعضی ملاحظه نتیجه رای معلوم شود .

۱۳۰ - و در سایر اقسام اتخاذ رای سریع هم از قبیل رای بدست های بلند و غیره مطالب همین قسم است ولی تاخیر معمولاً در اتخاذ رای دقیق است خصوصاً اخذ رای باورقه که گاهی ایجاد مشکلات در می کند مثلاً فرض کنیم که بجای اینکه قانون می گوید رای دهنده موافقت و یا مخالفت خود را در روی ورقه بنویسد هر کلاه موافقت خود را روی ورقه

نوشت چیزهای دیگری هم که بنویسد و وجه کلمه مزبورده و یا مخالف (۱) آن است نوشته شده باشد ببارزه دیگری غیر از کلمه موافقت یا مخالفت چیز دیگری هم روی ورقه بنویسد آیا در این موقع باید متشیان مجلس که استخراج آراء می نمایند بهمان کلمه موافقت یا مخالفت اسیمت داده و تا آن درجه که مطابق قانون رفتار شده معتبر دانسته و از بقیه که مخالف قانون است صرف نظر نمایند و یا اینکه عدم رعایت مقررات نسب میشود که آن رای را باطل قائل نمایند ؟ البته از نقطه نظر اینکه مقررات قانونی که اجراء شده و بلاوجه پیشین مجلس که استخراج آراء می نمایند اگر در این مطالب تضوت نمایند ممکن است که تضوتشان وسیله اجرایی نظایر دستجات پارلمانی شده و در بعضی دستجات بعضی دستجات مخالف بتاویلات مختلفه متوسل گردند و قائل شدن باین صلاحیت در باره آنان بیشتر ایجاد کشمکش بین فرق پارلمانی نموده اتخاذ رای با ورقه که طبیعتاً بطوری است بیشتر باعث معطلی و تاخیر گردد این است که برای حفظ مقررات قانونی و احترام از

(۱) مثلاً بگوید زید را برای اینکه علم است انتخاب می کنم آیا صفات دیگری هم باید موجب موافقت باشد یا نه و یا اینکه بگوید اگر چه این لایحه دولت مخالف مصالح مملکت است ولی برای بقاء دولت من بآن رای میدهم

هر کوه انحراف و انحراف است و در موقع استخراج و استخراج
حق تعالی نیز از لوله ای که در کوه موافقت با حالت آن
تکلیف کند که امتناع نیز حصول است و در هر قسم است
داده و آنها نیز بسته

۱۳۱ - هر کاه در روی ورقه ای در دهه در روی ورقه
شد و این حالت در موقع حرکت است

اول اینصفت در آن حالت اولی که در آن است
دهده شود موافقت با انحراف در موقع حرکت است
ورقه را چون انحراف عقیده در طرف لوله است

دوم اینصفت در آن دهده و این سطح سطح انحراف
را در این سطح که در آن دهده در آن صورت است
عقیده آنها کرده است

ایا انحراف که ورقه عقیده داده در صورت انحراف
می آید با حرکت انحراف که در آن حرکت کرده است
هرگاه آن قبل انحراف حرکت می کند در صورت حرکت

این طریق که در صورت انحراف معین حرکت سطح انحراف که در
مواقع و عماف داده است و در این سطح که در آن حرکت
کرده است و انحراف که در آن حرکت کرده است ورقه عقیده
داده است جزو صفت که حرکت کرده است و در آن ورقه
که ورقه امتناع رسمی و قانونی است در صورت که در آن امتناع

امتناع برانسته برانست که در روی او در قبول دارد لازم است
که در ورقه عقیده قبول شود بلکه امتناع خود را بواسطه ورقه
انحراف می آید و در این صورت از او جدا می شود و در هر
حالت که در آن حرکت کرده است

۱۳۲ - در موقع انحراف در روی ورقه هم همیشه
است که در آن صورت در آن صورت در حالتی صفت
در آن حالت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت
در آن حالت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت
در آن صورت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت
در آن صورت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت

در آن صورت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت
در آن صورت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت
در آن صورت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت
در آن صورت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت
در آن صورت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت
در آن صورت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت

۱۳۳ - در آن صورت ورقه امتناع که در آن صورت است
در آن صورت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت
در آن صورت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت
در آن صورت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت
در آن صورت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت
در آن صورت است در آن صورت در آن صورت در آن صورت

این بر حسب قانون رای دهندگان فقط موافقین و مخالفین است
 و اسمی از معتین نیست و اشخاصی که امتناع نموده اند کسانی
 هستند که در رای شرکت نکرده اند و نه بر تریبی که در ایمن معمول
 است شرکت کرده و امتناع خود را بوسیله دادن ورقه امتناع معلوم
 نمایند با این حال کاذب شده است که واسطه دادن یک ورقه سفید بدون اسم
 یا گذاردن کارت اسم در رای شرکت شده ولی جزو معتین
 محسوب شده اند چون کارت اسم با اینکه سفید و اسم دهند هم در آن معلوم است
 در حکم ورقه رایی که مجلس میدهد نیست و رسمیت ندارد (۱۱)
 لذا رای دهنده نه جزو موافقین حساب میشود و نه در
 زمره مخالفین و از دادن ورقه سفید و یا کارت اسم هم نمی توان
 جلوگیری کرد (ملاحظه شود شماره ۸۵)

(۱) در ابتدای ورود مجلس معمول است در رای
 نمایندگان سه ورقه رای سفید و سه ورقه رای آبی که اسم نمایند
 روی آن طبع شده داده می شود که همیشه با خود دارد و
 در موقعی که رای با ورقه اتخاذ شد بعد از آنکه رای و اسم
 نمایندگانی که رای داده اند ثبت شد اوراق را در روی میز
 خارج از مجلس میگذارند تا هر کس ورقه خود را جستجو
 کرده بودارد و نظر باینکه قبل از رای هیئت رئیسه عده حاضر را
 تعیین میکند بعد از اخذ رای هرگاه مجموع اوراق سفید و آبی از
 عده حاضر کمتر باشد ما نقص کسانی هستند که در رای شرکت
 نکرده و امتناع نموده اند .

قسمت پنجم — ماشین رای

۱۴۴ — در اتخاذ رای سریع ملاحظه نمودیم که کاه
 اتفاق میافتد که نتیجه رای مشکوک و لازم میشود که عمل
 تکرار یابد در اتخاذ رای با ورقه عربی اینک نتیجه مشکوک
 نمیشود اخذ اراه طولانی و بهین لحاظ است که در پارلمان های
 عالم طریقه معمولی را اتخاذ رای سریع قرار داده اند و اتخاذ
 رای با ورقه برای مطالب مهمه که بیشتر شتاج بدقت
 است معمول می باشد ایا ممکن است که طریقه دیگری اتخاذ شود
 که هم مثل طریقه اتخاذ سریع جریان اراه سریع و هم مثل
 اخذ رای با ورقه دقیق باشد؟ بلی بطوریکه ملاحظه مینمائیم
 ماشین رای ممکن است این دو اثر را دارا باشد .

در مجلس وکلای فرانسه در سال (۱۸۵۰) ماشین رای
 معمول بود و بعد از کودتا منسوخ گردید .

۱۴۵ — در سال ۱۸۸۴ در سو آیسون هیئت رئیسه مجلس
 وکلا طرح شد که ماشینی استعمال شود که دارای سه سوراخ

چگونه مجلس می تواند نام اشخاصی را که رای نداده اند
 تعیین کند اسم مجموع حاضرین را در سوراخ اول از آنکه حاضر و
 غایب معلوم است پس در سوراخ دوم کلا اوراق و عملیات
 هم که از اوراق رای معلوم میشود بنابر این سوراخ سوم
 اسمی اشخاصی که در رای شرکت نکرده اند معلوم کرد .

باشد که از هر يك از آن سوراخ ها بتوان يك فلز کردی
مثل سکه پول وارد کرد و از هر سوراخ در یکمرتبه بیش
از يك سکه توان وارد نمود و صدای ورود هر سکه در
سندوق معلوم باشد که رای دهندد تواند دو مرتبه رای داده
و باینطریق از وکالت در رای جلوگیری شود ،
برای رای علنی اسم نایندد در روی سکه محکوک و در
رای مخفی سکه محکوک نباشد .

رنگ هر سکه برای رای مثبت و منفی معلوم باشد که
بعد از اخذ رای جدا نمودن رای مثبت و منفی طول نکشد .
و وزن هر يك از سکه ها وزن مسلم و معلومی باشد که
بعد از اینکه تمام سکه های رای مثبت در ترازوی جنب
ملاحظه گذاشته شدند رای بعد از آن معلوم نسکند .
باله تخمین کردد .

بسی است سکه از آن ملاحظه در سکه های مزبور که
هر يك با عدد مشخص در صورت دارد اکثر همین است که
بارها های کوچک علی ای حال معلوم است این سکه ها
طریق رایج ملاحظه رای در فرانس معلوم است و در
املاکت مسا در هیچ يك از بارها های اروپا
و آمریکا عدد رای تا ملاحظه معلوم نیست تا آنکه در بعضی
از ممالک آمریکا کسی در موقع انتخابات عمومی از رای و سکه
ملاحظه می باشد

فصل چهارم

تعیین حدت این فصل از اقرار است
قسمت اول - در نتیجه رای
قسمت دوم - در سایر رای

قسمت اول - در نتیجه رای

۱۴۶ - بعد از استخراج از سه حال خارج نیست یا این است
که در موضوعی سه مورد رای واقع شده کلیه رای دهندگان
موافقت نموده اند در اینصورت اتفاق اراست و یا اینکه بطور
غیر متساوی عدد موافقت و عدد مخالفت نموده اند که هر يك
از این دو تقسیم که بیشتر است آنرا اکثریت گویند و اگر اکثریت مثبت
است دلالت بر قبول موضوع و الا دلالت بر رد آن می نماید
بالاخره يك طریقه سیمی هم هست و آن اینست که دو
طبقه مساوی در موضوع موافقت و مخالفت باشد که این مساوی
اراه گویند سکه ها هر يك از طریق نداشتن یا در دل
یک می نایند

اولا - در بیان اتفاق اراء

۱۴۷ - در مجمع بزرگ اتفاق اراء قدر است و در این
حال غم ممکن است که بدو قسم قائل شد اتفاق اراء حضار
و اتفاق اراء رای دهندگان البته اتفاق اراء در رای دهندگان چون

محدود تر است بیشتر امکان حصول دارد تا اتفاق آراء در تمام اعضا حاضره باستانی مملکتی که ورقه رای امتناع رسمی است در اینصورت اگر تمام حاضر در رای شرکت کنند و يك عده عقیده خود را بطور تردید اظهار نمایند باز اتفاق نیست ولی در مملکتی که رای اعضا حاضره اختیاریست و ورقه رای مردد (رای امتناع) هم مرسوم نیست داده شود البته اگر تمام اشخاصی که رای میدهند عقیده منته یا عقیده منفیه اظهار نمودند اتفاق آراست و اتفاق آراء غالباً در رای استیجابی حاصل میشود (ملاحظه شود نمرة ۹۳)

چونکه در این طریقه لازم نیست که کسی رای بدهد بلکه همین قدر که کسی اعتراضی نداشت اتفاق آراء استیجاب میشود (۱) نایباً — در تقسیم غیر مساوی. (اکثریت)

(۱) در کلیات

۱۳۸ — در اکثریت حد اقل معلوم است ولی حد اکثر معلوم نیست آخرین حد شامل نصف از رای دهندگان علاوه يك نفر می باشد مثلاً اگر صد نفر رای داده اند ۵۱ نفر که موافقت نمود اکثریت می باشد ولی برای

(۱) در انگلستان هر گاه در رای که بواسطه تقسیم موافقین و مخالفین اتخاذ میشود هیچک از اعضا تقسیم شروع نمود استیجاب میشود که بواسطه اتفاق آراء از یکدیگر جدا میشوند

حد اکثر درجه معلوم نیست و بالاخره هر قدر هم که عدد رای دهندگان زیاد باشد باز اکثریت می گویند و قریب باتفاق هم بآن اضافه میشود.

اکثریت قریب باتفاق عدیدست که اگر بآن عده قبلی اضافه میشد اتفاق حاصل بود و البته این عده مفروضه نسبت عده اعضائی که در رای شرکت کرده اند مختلف است بدیهی است در يك پارلمانی که پانصد نفر رای بدهند هرگاه ۵۰ نفر متفق باشند آنرا اکثریت قریب باتفاق میتوان گفت زیرا نسبت به ۵۰۰ نفر رای دهنده ۵۰ مخالف قلیل است

۱۳۹ — در اکثریت جمعی را عقیده آن است که

اکثریت قوی باشد تا بتواند اقلیت را از امر خود چنانچه اکثریت قوی باشد مآلاً نمی تواند اقلیت را معلوم کند ولی بنظر ما باید فرق گذارد بین اکثریت و اقلیت حقیقی و يك اکثریت و وقت نظمی جزو چنانچه اکثریت موضوعی را تصویب نمود و رای دهندگان از روی المنعیده راستی رای داده باشند بنظر نمی آید که اقلیت بتواند غلبه نماید مگر اینکه رای دهندگان در نظریات خود غرضی و بعد که بخواهند حصول نماید در اینصورت نظریات در اکثریت کذب و نوبی هر دو بعد از آگاهی بطلب تقسیم میکنند

۱۵۰ - در تصمیمات پارلمانی باید تشخیص داد بین بعضی از تصمیمات که پارلمان هر وقت نخواست می تواند آنها را تغییر دهد و تصمیماتی که تغییر آن ممکن نیست مگر اینکه موقع تغییر فزاید از تصمیماتی که پارلمان می تواند هر وقت نخواست تغییر دهد برای اعتماد بدولت است اتم از اینکه از روی عقیده باشد یا بجهت دیگر در این قسم از رای البته هر قدر اکثریت قوی تر باشد تغییر در رای دیرتر حاصل خواهد شد زیرا در موضوعی که اکثریت بآن علاقمند شد رای تمام از روی منافع شخصی نیست و عده کمی ذی فتنه در اینصورت عدول آن عده از کان اکثریت را بزودی متزلزل نمی نماید در صورتیکه در اکثریت نصف بعلاوه يك هر کلا چنانچه دو طرف رای دهند عدول عدول است اکثریت منصور و مغلوب نگردد و اکثریت هر دو طرف چه در تصمیم و چه در آنها اول جای وقت هر دو طرف که برنده

۱۵۱ - این را هم نباید از نظر دور داشت که در مسائل مهمه مقنن اکثریت قوی را لازم میدانند زیرا در مسائل چرخهای پارلمان دچار وقت نمی گردید بهتر بود که در اغلب از مطالب اکثریت قوی تجویز شود ولی برای سرعت جریان و اینکه چرخهای اداری دچار مشکلات نگردد در موارد مهمه

اکثریت قوی و در سایر موارد با اکثریت نصف بعلاوه يك قناعت نموده اند مثلا در تغییر يك اصلی از اصول قوانین اساسی اکثریت نصف بعلاوه يك كافی نیست و این برای این است که اصول را نمیتوان هر وقت تغییر داد و چنانچه اکثریت قوی موافقت نکرد دال است که مسامحت موضوع مشکوک است و جالب نیست بلکه بعضی از مقتنین با اکثریت یکمترتبه هر که ممکن است زاده وقت باشد قناعت نکرده و تکرار آن را لازم میداند مثلا ماده ۷۰ و ۱۰ نظامنامه مجلس وکلای یونان میگوید : اکثریت سه ربع از کابینه نمایندگان مجلس در دو دوره تصمیم مواك لازم است همانا اینکه تصمیم گرفته شود

۱۵۲ - این است که اکثریت قوی برای تجدید نظر قانون اساسی لازم باشد بلکه در مسائل دیگر هم بعضی از مسائل اکثریت قوی را تجویز نموده اند مثلا ماده ۷۶ نظامنامه مجلس وکلای ایتالی میگوید : « برای مذاکره و تصمیم مطالب غیر فوری که در دستور مجلس گذارده نشده است باید سه ربع از اغضای مجلس رأی بدهند »

در اسپانی بر حسب ماده ۲۱۲ نظامنامه سنا و ۱۷۸ نظامنامه مجلس وکلا در موقعی که قانونگذار پیش بینی نکرده و بطور فوق العاده مجلس بخواند توسط مهره اتخاذ رأی شود (رأی غنی)

دو نك رای دهندگان باید موافق باشند

در ایران (ملاحظه شود نمره ۱۵۸ تا ۱۶۰) که بهتصویب

بیان می نماید

(۲) در بیان اکثریت مطلق ونسبی

در کلیات از اکثریت مطلق مذاکره شد بدون اینکه از تقسیمات

آن در هر یک از اینها ملاحظه شود که در هر یک از اینها

عصی از فرقی عسری در تقسیم اکثریت مطلق بیان شده و

در اکثریت نسبی مذاکره است

(الف) در اکثریت مطلق

۱۵۳ — اکثریت مطلق نصف بعلاوه يك از عدد معلومی

است که در هر موقع که آن عده طاق است یکی بان اضافه

نمایند تا اینکه نصف آن عدد صحیح و بلا کسر باشد و بعد

یکی از آن عده بیرون آید و اگر کسی در هر یک از اینها

مجموع اعضای مجلس شورای ملی (۱۳۵) در تعیین بیکر و پیرانست

این سه بولطه از یکدیگر جدا است صحیح و بلا کسر است

می است یکی از آن عده که ۱۳۶ نفر بشود و بعد نصف

آن هر یکی از آنها کرده ۶۷ که اکثریت نصف بعلاوه یک است و بعد

یک کسور شده است که آن عده طاق ملاحظه یک عدد

معلومی است حال باید دانست که مأخذ این عدد معلوم چیست است

قسم اول

۱۵۴ - در اینجا باید نظریات قانونگذار را ملاحظه نمود هرگاه

تفسیر قانونگذار این باشد که در اخذ تصمیم اکثریت

قوی باشد نصف بعلاوه يك تمام اعضا مجلس که قانون انتخابات

معین می کند مأخذ قرار میدهند مثلا اگر قانون انتخابات

اعضا يك پارلمانی را ۲۰۰ نفر معین کند باید که ۱۰۱ نفر از

آنها لا اقل رای دهند باشد خواه اینکه تمام ۲۰۰ نفر

انتخاب شده یا نشده باشند و یا اینکه تمام منتخبین در موقع

رای حاضر باشند یا نباشند بالاخره اعتبار نامه عده از آنها از

مجلس گرفته شده و یا براساس حرف جاری آورده شده

یا شده باشد

این قسم اکثریت نظریاتی که در هر یک از اینها

فقط در مواردی می آید که در قانون اساسی و نحوه اجرا

لازم میباشد مثلا در مجلس شورای ملی که ۱۱۹ نفر متوجه

مستوفی هرگاه قانونگذار بخواهد تصمیمات مجلس این قسم از

اکثریت را تأیید بکند باید در هر تصمیمی حکم مجلس

اخذ میگردد ۶۰ نفر رای بدهد و ۶۰ آن عده هم با آن تصمیم

موافق باشند.

معدلك ملاحظه مینمائیم که قانون اساسی جدید دولت ترانوال

برای رای در کمیته قوانین این قسم از اکثریت را بر حسب
نقشه سیم از اصل ۳۷ لازم می داند .

قسم سیم

۱۰۵ - این است که قانونگذار قدری اکثریت مذکور
در قسم اول را تنزل داده بعد از متوسطی خود را قانع نماید
باین طریق که نصف بعلاوه يك از اعضا حاضر در تشکیل اکثریت
دهند فرض کنیم عدد اعضا پارلمان بر حسب قانون انتخابات ۲۰۰
قرار باشد بدیهی است که قانونگذار حضور تمام اعضا را نمی
تواند در مجلس لازم شمارد زیرا اجرای آن ممکن نیست مگر اینکه
تأسیس عضو علی البدل نماید و چون حضور تمام اعضا ممکن نیست قانون
گذار خود را بحضور حدنصاب که خود تعیین نموده قانع میکند .

حال فرض کنیم که قانونگذار حدنصاب در موقع رای
در این قسم ۱۰۰ قرار داده است در صورتی که اکثریت
مطلق در این قسم است و باید حدنصاب را تجاوز نکند
۸۱ نفر حد اقلی است که قانونگذار تقاضا میکند ولی اگر
اعضای حاضر از حدنصاب تجاوز نمایند در این صورت برای اکثریت
مطلق در این قسم نیست و باید حدنصاب را تجاوز نکند
و وقت آنکه

فرض کنیم تعیین حدنصاب در این قسم ۸۰ نفر باشد
را باید در روی دفتر حاضر و غایب تعیین نمود و بطریق
مقرر

که در موقع رای در مجلس حاضر هستند این طریق از اکثریت در کمتر
از ممالک معمول میباشد و ما می دانیم در
آلمان است مطابق ماده ۹۰ نظام نامه مجلس وکلا و دول متحد شمالی
امریکا (در بعضی از موارد که قانونگذار تعیین میکند ملاحظه شود
نقشه ۱۷۰) و یونان و انگلیس و بلژیک
برای (ملاحظه شود نقشه ۱۰۸ تا ۱۱۰) که
بیان می نمائیم .

قسم سیم

۱۰۶ - اکثریت مطلقه رای دهندگان در اینجا قانونگذار
از اکثریت متوسط هم خود را تنزیل میدهد و قسم سیمی که
اخذ از اکثریت قوی و متوسط است قانع میشود زیرا در قسم
دویم که ملاحظه نمودیم که حدنصاب ۱۰۰ نفر است ۵۱ نفر
از آنها باید موافق باشند تا اکثریت مطلقه حاصل گردد خواه
اینکه تمام ۱۰۰ نفر رای داده باشند یا عده بواسطه تردید رای
نداده باشند ولی در این قسم سیم ماخذ اکثریت نصف بعلاوه يك
۱۰۰ نفر نیست بلکه نصف بعلاوه يك عده نیست که
رای داده اند

فرض کنیم عده رای دهندگان ۸۰ نفر است باید ۴۱ نفر
از آنها در موضوع موافق باشند تا اکثریت مطلقه حاصل شود
خلاصه آنکه در قسم اول اکثریت مطلقه ۱۰۱ نفر و در قسم دویم

۱۰ تقرر در قسم سیم ۴۱ تقرر و بین این سه قسم اکثریت که هر سه را اکثریت مطلق گویند فرق بسیار است بملاحظه اینکه قسم سیم از حیث تشخیص عده سهل تر و نیز عملی تر است اغلب از ممالک از قبیل سوئیس که ماده ۸۸ قانون اساسی میگوید: «در مجلس وکلا و مجلس نمایندگان بلوکات اتخاذ رای با اکثریت مطلقه رای دهندگان بعمل میآید» و بلژیک - اسپانی - فرانسه - ایتالی - هولاند - سوئد - و غیره این طریق را قبول نموده اند.

۱۰۷ - در این طریق ممکن است عده از آراء سفید و یا اگر سفید است ملاحظه نمود از مقررات قبول ملاحظه شود (ماده ۱۱۰) ملاحظه کرد: آیا اکثریت را باید است آراء سفید حساب نمود یا است آراء آبی را و سفید را از نظر باینکه ممکن است عده آراء باطله بحدی رسد که اکثریت آراء صحیحه بی نهایت ضعیف شود این است که بعضی از ممالک عده آراء آبی را قائل شده اند از این قبیل است هولاند که ماده ۲۶ نظام نامه مجلس سنا می گوید: «عده آراء صحیحه باید از نصف اعضا قبول شده مجلس آبی باشد» و از طرف دیگر خیلی زیاد است و در حقیقت مساوی بوده اکثریت را موجب عده ترویج یافته و می توان گفت که این ماده ایجاد قسم سیمی از حد مساوی نموده است زیرا در ماده ۱۰ ملاحظه شد که حد مساوی در علوم ممالک اروپا برای حضور اعضا در چنین

مذاکره و حین رای می باشد حال ملاحظه می نمایم که ماده ۲۶ نظام نامه هولاند یک قسم حد نقاب هم برای آراء صحیحه ایجاد نموده است.

۱۰۸ - در ایران در صورتیکه در ممالک اروپا ملاحظه شد اکثریت ممکن است عده آراء یک کله ای باشد مجلس که قانون انتخابات تعیین میکند و یا نصف بعلاوه یک عده حاضر و یا نصف بعلاوه یک عده رای دهندگان باشد حال باید دانست که در ایران کدام یک از این سه قسم در اکثریت مناط اختیار است.

ماده اول قانون انتخابات می گوید: «عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در مملکت ایران ۱۳۶ نفر است» آیا ۶۹ نفر نصف بعلاوه یک از این عده است یا نه موافق باشند ۶۹ زیرا که ماده ۱۰ قانون انتخابات چنین گوید: «عده نصف بعلاوه یک نفر از نمایندگان ملت در طهران حاضر شدند مجلس شورای ملی افتتاح می باشد و رای ایشان با اکثریت مناط اعتبار است» پس اگر اکثریت کله ای است قانون مجلس که ۱۳۶ نفر است ملاحظه نمود می نیست در هر دو قسم ۶۹ نفر موافق باشند و حال آنکه ملاحظه می نمایم که قانونگذار برای افتتاح مجلس ۶۹ نفر لازم دانسته چگونه ممکن است که ۶۹ نفر بتواند در تمام موارد در مجلس حاضر شده و اتفاق هم در موضوعی

که مزاج است موافقت نمایند بملاوه ماده ۴۹ مراحات دارد
باینکه « رای ایشان با کثرت مناط اعتبار است »

۱۵۹ — آیا برای هر تصمیمی مطابق ماده ۲ تفسیر اصل
هفتم قانون اساسی مورخه ۱۶ تیر ۱۳۹۰ شمسی (۱) باید نصف بملاوه
یک عدد حاضر رای بدهند؟ بلی زیرا بموجب اصل هفتم قانون اساسی
و ماده اول (۲) تفسیر اصل مزبور دو نکت از اعضا حاضر
در مرکز باید برای مذاکره و سه ربع برای اخذ رای در
مجلس حاضر باشند و چون بموجب ماده ۴۹ قانون انتخابات ۶۹
تقر از نمایندگان که در مرکز حاضر شدند مجلس مفتوح می شود
بنابراین در موقع رای باید ۵۲ نفر که سه ربع عدد مزبوره است

(۱) ماده دوم تفسیر اصل هفتم قانون اساسی: « مراد از عبارت
آخر ماده هفتم قانون اساسی اکثریت آراء وقتی حاصل می شود
که بیش از نصف حاضر مجلس رای بدهند این است که، رد
یا قبول مطلب طرح شده وقتی حاصل میشود که بیش از نصف
حاضر بنرد یا بقبول آن مطالب رای بدهند »

(۲) ماده اول تفسیر اصل هفتم قانون اساسی: « مراد از
دو نکت اعضا مجلس و سه ربع که در اصل هفتم قانون اساسی
مستور است دو نکت و سه ربع اعضا حاضر در مرکز است
در صورتیکه عدد حاضرین در مرکز با ندازه باشد که قانوناً
مجلس بتواند تشکیل شود »

حاضر باشند و بنابراین تصمیم مجلس با اکثریت ۲۷ نفر که نصف
بملاوه یک عدد حضار است قطعی است .

۱۶۰ — ولی باید دانست که اگر اعضا حاضر در مرکز
از ۶۹ نفر که برای افتتاح مجلس لازم است تجاوز نمود امر چه
صورت دارد؟ بدیهی است که مجلسی که عده قانونی اعضا آن ۱۳۶
نفر است نمی تواند در تمام مدت دوره تقنینیه با همان نصف
بملاوه یک عضو برای موقع افتتاح ضرورت دارد زندگی
سیاسی خود را ادامه دهد حتماً تمام نمایندگان مکلفند که پس
از انتخاب و قبول نمایندگی برای انجام وظایف بمجلس حاضر
گردند اگر چنانچه عده حاضر نشوند و یا بجبهاتی نتوانند استثنائی
در صورتی که عده حاضر در موقع اعلام رای در مجلس
حاضر است ۶۹ نفر باشد که در هر دو رای شرکت نموده
مجلس بحد قطعیت در رای بدهد که ۵۲ نفر اکثریت
رای دهندگان با موضوع موافقت و ۲۰ نفر مخالفت نمایند آیا در
اینصورت تصمیم مجلس قطعی است یا مناط اعتبار نمی باشد ؟
مطابق اصل هفتم قانون اساسی و تفسیر آن معتبر نیست زیرا
قانون گذار تصریح نموده که: « اکثریت آراء وقتی حاصل
میشود که بیش از نصف حاضر مجلس رای بدهند » و ما ملاحظه
میکردیم که عده حاضر ۶۲ نفر بوده و اکثریت عده مزبوره
۳۳ نفر می باشد .

بطور خلاصه قیون کسار حد ضامن برای استماع معین
گردد و آن این است حکمته عیبیوقت این در موقع رای اصلی
حاضر در مجلس از آن هر کس باشد و تصمیم مجلس هم و معنی
قطعی است حکمته صرف مالایه یا حفظ یا موقوفه که مورد
رای واقع شده موافق باشد

(۱) در اکثریت نسبی

۱۶۱ - در برابر اکثریت نسبی معمول است مگر در
موقع انتخابات (۱) حکمته مقصود رای دادن بر آن و یا برعکس
موتوی است که موافق از مخالف تفریق و مزاحم هر یک از
دسته موافق و یا مخالف سبب انتخاب از دست باشد بلکه مقصود
الاحاب شخص است و چور شایعاً که باید در مشیبت یا شایعی
معلوم میشود و از این سخن تفرقه نیست در بعضی از حالت
قانون گذار برای استماعی حکمته مجلس مسکن اکثریت مخالف
را لایه دانسته ولی هرگاه در وقت اول جلسه باشد بعد از آن
میشود از مرتبه رای در مجلس از مخالف و موافق است در امری
دیگر اکثریت نسبی قیامت شود

(۱) رای انتخاب و لایه هم اکثریت نسبی معمول است
باین طریق که اکثریت نصف خلاصه یا مداران در حد کار لایه نیست
و منتخب آن کسی است که در بار او بیشتر رای داده شده و
ماده ۱۵ قیون انتخابات ما چنین گوید: انتخاب در حد کار اکثریت
نسبی است

۱۶۲ - در ایران - ماده دوم حکمته مجلس شورای
مرا چنین گوید: در حد انتخابی دورا تصمیم در حد جلسه اول
قویا پس از تعیین رئیس نسبی در مجلس طبعی یا اکثریت تفریق
رئیس و دو قیامت رئیس که در هر دو موافق هستند متصافاً باطل
فردی معین میشود هرگاه در دو نوبت اکثریت اول است
بیاورد در نوبت ثانی آن کسی حکمته نسبتاً اکثریت داده باشد
است امر از این حکمته در نوبت اول و ثانی در مورد او رای
داده یا مخالف باشد

بعد دانست که هرگاه اکثریت حکمته پیش از سایرین بر
آید او رای داده شده است و بعد بکسی که بعد از او صاحب
رای است در آنجا رسیده (۱) و توجه باید اخطار بطلان
که میگوید: در وقت انتخاب اکثریت نسبی از طرف مجلس میشود

(۱) اینها برای حل کردن از اکثریت نسبی
تفریق است چون آنرا کوچکتر است وقت آخر است در موردی که
او قبلاً حکمته ممکن است شخصی که بعد از او است فقط صاحب
دو رای است (۱) دو رای این تمام کسی را انتخاب شده
مجلس قیامت این انتخابات و لایه مجلس هم دو شده که اکثر
یکبار در گذشته است و رای داشته باشد بلکه در محل دیگر
هر کس که انتخاب شده باشد که بعد از این حد رای حکمته
بناهایی از عمل دعوت شده است

هرگاه یکی از متخیرین استعفا دهد بجای او کسی که در جلسه
شد « باید تجدید انتخاب بعمل آید .

عقیده دوم

۱۶۳ — مذکور شد که موضوعی که مورد رای
واقع میشود ممکن است باتفاق آراء یا با کثرت آراء تصویب گردد
ولی گاهی هم میشود که عدد رای دهندگان دو دسته مساوی
مخالف باشند مثلاً ۵۰ نفر در موضوع موافقت و ۵۰ نفر دیگر
مخالف نمایند در چنین موقع ایا عملیاتی که شده مؤثر است یا
نیست بمبارة اخیری اتخاذ رای نتیجه دارد یا بلا نتیجه می باشد .

عقیده اول

۱۶۴ — این است که باتخاذ رای نباید اثری متوجه
نمود و اثر باید بلا اثر دانست معترضین باین عقیده می گویند
که این ظلمی است که در باره عده موافقین بشود در حقیقت
مؤثر بودن رای در تساوی آراء مثل این است که اتفاق یا
اکثریت در رد موضوع حاصل شده باشد مثلاً اگر پیشنهادی
در تصویب اعتباری به مجلس رسید اثر رای منفی مجلس در اتفاق
آراء و اکثریت با تساوی آراء یکی است اگر اکثریت
تصویب اعتبار را رد میکند بملاحظه مزیتی است که عده
رای دهندگان منفی بر رای دهندگان مثبت دارند و حال آنکه
در تساوی آراء اکثر عقیده جمعی منفی است عقیده عده دیگر

مثبت است و بلا اثر گذاردن رای مثبت مثل این است که
تصویب عمل بیاید .

در جواب این اعتراض گفته شده که نظر باینکه پیشنهاد
امریت جدید همان قسم که در يك دعوی اقامه دلیل با مدعی
است در تصویب يك پیشنهاد هم اقامه دلیل با اشخاصی است که
با تصویب آن موافقت دارند .

بنا بر این ادله موافقین باید طوری قوی باشد که مخالفین
را مغلوب کند پس هرگاه عده موافق با عده مخالف مساوی
شد دلیل آن است که ادله موافقین برای ایجاد يك وضعیت
جدید کافی نیست و باید مطلب را مکوت عنه گذاشت .

عقیده دوم

۱۶۵ — با يك دلایلی که ضعف از دلایل قبل است
کماش موافقین با پیشنهاد نموده آراء بجای این که مکوت عنه
گذارده شود قبول می نمایند .

عقیده سیم

۱۶۶ — موضوع عده مذاکره در این است
که در این روش در همه حکم لامنتهت موافق با مخالف خواهد
بود عده خود مذاکره باید و حین نظر مذاکره که حکم
مذاکره و رای در همان جلسه نمود و در جلسه دیگر آید

عقیده چهارم

۱۶۷ — با هر دسته که رئیس موافقت کند آن دسته غالب گردد چیزی که مخالف با ریپتریف اوست بعلاوه نظر باینکه رئیس قهراً مربوط یکی از فرق یا دستجات پارلمانی است ناچار است که با فرقه و یا دسته خود موافقت نماید پس با هر دسته که رئیس موافق شد ضامنی است که بدسته دیگر شده چه دو قوه متساوی و هریک در جهت مخالف اثری ندارد و فقط زانی رئیس است که در صورت مخالفت با هر دو طرف است یا از طرفی که دست او را بر موافقت ببیند (۱) است سایرین بر مابقی مساوات و عدل عمل نمایند و رای رئیس بعد از تساوی آراء مثل زانی که با دیگران توقع اتخاذ آراء میدهد نیست و بهمین ملاحظه در سوئیس که رئیس حق رای دارد در موقع اتخاذ آراء او هم با سایرین رای میدهد و چنانچه تساوی آراء حاصل شد یا هر طرفی که رئیس موافقت نموده آن طرف غالب میگردد (۲) اما در طرفی که اکثریت موجود است (۳) که در تساوی آراء رای داده و یکی از طرفین بواحد رای او غالب گردد (قانون اساسی سوئیس ماده ۷۸ و ۸۲ نظامنامه مجلس وکلا ماده ۸۴ و نظامنامه مجلس نمایندگان بلوکات ماده ۶۲) در انگلیس در مجلس وکلا رئیس بعد از تساوی آراء رای میدهد و برای حفظ ریپتریف اول دلایل رای خود را اظهار

میکند و حتی اقتدور طوری رای میدهد که تقسیم مجلس بصورت قطعی نیاید .

عقیده پنجم

۱۶۸ — عقیده شرح مقدس و آن قرعه می باشد و این طریق که بهترین طریق است در مجلس ایران معمول است و نظامنامه مجلس شورای ملی هم در قسمت اخیر ماده ۲ راجع بانتخاب موقتی (۱) رئیس و نواب رئیس چنین گوید : « اگر عده آراء در مورد چند نفر مساوی شد یک نفر از آنها بحکم قرعه منتخب خواهد شد و حکم قبول انتخابات هم در میان آنها که میگردند در صورت تساوی آراء بین دو یا چند نفر هر دو حکم محل حاجت باشد بحکم قرعه معین میشود » همین است

قسمت دوم - در تغییر رای

اولا - تغییر در رأی صحیح پارلمان

۱۶۹ - رأی که پارلمان میدهد غیر قابل تغییر است و نمی توان آن را تکرار نمود مگر وقتی که حقیقه رای روشن نباشد مثلا در رای بقیام و قعود اگر نتیجه مشکوک شد می توان اخذ

(۱) بر حسب ماده هفتم نظامنامه مجلس و وقتی که اعتبار نامه سه رجب نمایندگان حاضر تصدیق شد می توان بانتخاب هیئات رئیسه دائمی شروع نمود »

رای را تکرار کرد و این تکرار برای این نیست که پارلمان از رای اول عدول نموده بلکه برای این است که نتیجه رای اول معلوم نیست باید تکرار شود تا معلوم گردد و اگر غیر از این بود از اعضاء مجلس سلب اطمینان میشد زیرا چه لزومی دارد که شخصی عقیده اظهار کند که باجراه آن مطمئن نبوده و در یازده موارد هم برای خود اجراء طرفیت و خصوصیت نماید

این مطلب در تمام ممالک معمول است. باین معنی که رای مجلس قطعی و تفسیر نا پذیر است مگر در مملکت امریکای شمالی که در مجلسین بعد از اینکه رأی اتخاذ شد یکی از وکلای صکه جزو اکثریت است می تواند در رأی که داده شده تجدید نظر و یا توقیف اجراء آن را تقاضا نماید و تقاضا کننده باید جزو اکثریت باشد خواه اینکه اکثریت برد موضوعی رای داده باشد یا بقبول آن و این تقاضا در همان روزیکه اتخاذ رای شده تا دو روز دیگر مسرور است پس اگر کسی در این وقت صاحب امر نیست و پیشنهاد را ممکن است بکمیسیون بفرستد تا بعد از اینکه کمیسیون نظریات خود را اظهار نمود مجدداً مذاکره و موضوع رای واقع شود و در یاک پیشنهاد ممکن است چند مرتبه تجدید نظر خواست و علت اینکه حق تجدید نظر یکی از وکلای اکثریت داده میشود (۱) این است که قانونگذار در اکثریت

(۱) مراد اکثریت رای دهندگان است نه اکثریت پارلمانی

رای را در حق و صاحب حق نگذارد بلکه در این صورت استحقاق تقاضای تجدید نظر از اعضائی که جزو دسته فاتح و صاحب حق است باشد

صرف نظر از اینکه این امتیاز اکثریت منطقی نیست اقلیت هم برای اینکه از رای قانونی بتواند نظریات خود را پیش برده و با موضوعی که اکثریت بر علیه آن رای داده است مخالفت نموده تجدید نظر بخواهد یاک نظر از خود را مأمور میکند که بر خلاف عقیده جزو اکثریت رأی بدهد تا اینکه بعد از قاطعیت تجدید نظر یا توقیف رای برای اقلیت هم ممکن باشد ۱۷۰ این تجدید نظر را در مجلسین امریکا نه فقط یکی

از اعضائی که جزو اکثریت رای داده می تواند بخواهد بلکه قوه مجریه هم می تواند زیرا در نسلک منبوره تجزیه قوا بصورت قطعی است باین طریق که از نقطه نظر عدم دخالت قوه مجریه در اموریکه مربوط بقوه مقننه است و زرا نمیتوانند در مجلس مذاکره نموده و نظریاتی اظهار نمایند (۱) این است که بعد از اخذ رای در صورتیکه اجراء آن سهل نباشد قوه مجریه که مشول است باید نظریات خرد را در عمای نبوده تصمیم عرضه دارد باین لحاظ رئیس جمهوری حق دارد از روز ابلاغ قانون بدوایت تا دو روز تجدید نظر بخواهد چنانچه قانون را امضاء نکرد و در طرف مدت هم تجدید نظر بخواست قانون اجراً میسرود

(۲) وزراء فقط در کمیته ها می توانند حاضر شوند

و در موقع تجدید نظر هم اگر دو نکت از اعتنائی که در
موقع رای در مجلس حاضر هستند رای سابق را تنفیذ نمودند لازم
الاجراست قانون اساسی ۷۱۱، ۲

ثانیاً — تغییر در رای فاسد پارلمان

۱۷۱ — آنچه را که ملاحظه نمودیم در موقعی است که
اعتراض بجهت فساد رای که در رای وارد شده نیست بلکه از تنقل
نظر مصالح و منافع تجدید نظر خواسته شود ولی گاه ممکن است
که تغییر رای را بواسطه فساد رای بخواهند لذا باید تمیز داد
فساد رای که در ماهیت رای وارد شده و فساد بر آن که در صورت
رای داخل گردیده است هرگاه برای انتخابات در مجلس که
باید مطابق نظامنامه به رای مخفی باشد مجلس رای را علنی اتخاذ
نمود در اینجا فساد در صورت رای است نه در ماهیت رای
و فساد در ماهیت وقتی است که بواسطه يك سلسله از مطالب
اتخاذ رای از صورت طبیعی خارج شده و اگر خارج شده
عوامل نامشروع در آن مؤثر شده باشد و برای توجه ذهن
قرنطین یعنی از موارد که در ماهیت رای مؤثر است بیان می‌نمایم:
(۱) تنبلی و مهملی اعتنائی پارلمان در انجام وظایف و در این
حال رای دادن بمطالبی که مفید نیست و نیت آنها از رای این
باشد که بموکلین حالی نمایند که در انجام وظایف خود داری
نمی‌نمایند .

(۲) ارائی که بواسطه خبط رای دهندگان اخذ شده
باشد امر از اینکه خبط آنها طبیعی باشد و یا بواسطه حیل و
دسیه دیگران آنها دوچار خبط شده باشند .
(۳) هرگاه بعد از ایجاد موانع عدیده از طرف اقلیت و
کشمکشهای پارلمانی فقط برای اینکه موضوع خاتمه یابد اکثریت
تصمیمی اتخاذ کند .
(۴) ازاد نبودن بعضی از نمایندگان و اجبار آنها در رای
برای انجام حکم ما فوق .
(۵) ارائی که بواسطه تطبیع اتخاذ شود .
(۶) غیبت عده زیادی از اعتنائی مجلس در موقع مباحثه
و رای دادن آنها در موضوع بدون اطلاعات کامله .
(۷) در فرانسه که وکالت از رای معمول است
رای دادن از طرف غائبین بدون اینکه عقیده نمایند
غائب بر کسی که وکالت رای می دهد معلوم و عده ارائی که
از طرف غائبین داده شده بحدی باشد که هرگاه رای آنها داده
نشده بود تصمیم مجلس طور دیگر می شد (۱)

(۱) در ۱۷ ژانویه ۱۹۱۱ در موقعی که بودجه وزارت
خارج در مجلس مطرح و مباحثات صورت جدال بخود گرفته
بود سوالی از وزیر خارج شد در موضوع شخص آلمانی موسوم
به فیکر مطبوعه چی Ficker که روز قبل تابعیت فرانسه را

چونکه است که مستخرجین سهواً رای موافقی را جزو مخالفین ثبت نمایند در صورتیکه رای دهنده رای موافق داده باشد که در این حال صاحب رای میتواند در جریده رسمی تقاضای اصلاح نماید ۱۷۴- ولی در هر حال نباید از نظر دور داشت که هرگونه

اصلاحی چه مربوط بفعل رای دهنده باشد و یا مربوط باشناسی که از طرف او وکالت نموده اند و یا منسوب بسهم و خطای مستخرجین از راه هیچیک باعث تغییر رای مجلس نیست و برای حفظ احترام تصمیمات مجلس و عدم تزلزل آنها در موقع تقاضای اصلاح هرگاه نتیجه آن در رای پارلمان مؤثر باشد رئیس می تواند از اجازه اصلاح صرف نظر و اصلاح

خاتمه

ضمیمه

بطوریکه در مقدمه و شده داده ایم اینک بعضی از سوابق دوره چهارم تقابله را برای توجه قارئین محترم ذیلاً درج می نمایم :

۱- تصمیمات مجلس شورا در قاطع نیت مکه آنکه اکثریت مجلس در موضع رای موافق با ...
۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳

موضوع رای موافق ...
۱- رای موافق ...
۲- رای موافق ...
۳- رای موافق ...
۴- رای موافق ...
۵- رای موافق ...
۶- رای موافق ...
۷- رای موافق ...
۸- رای موافق ...
۹- رای موافق ...
۱۰- رای موافق ...

در مواقعی که ...
موضوع رای واقع شود ...
در تاریخ شهریور و ...
مجدداً موضوع رای واقع شده تصویب گردید

۱۶۱) اجلاس بیست و نهم (۱۳۰۱ شمسی) در مجلس هر چه در
یکی از مسائل در آنجا در نظر گرفته شد جلسه بعد در آنجا
صورت گرفته و پس از آن در آنجا (۱۳۰۲ شمسی) در آنجا
که در آن جلسه در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
بشارت برسد -

در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
لا اله الا الله محمد رسول الله است انما اولاد الله اولاد
الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد
الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد

الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد
الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد
الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد

الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد
الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد
الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد

الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد
الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد
الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد

الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد
الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد
الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد

الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد
الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد
الله است انما اولاد الله اولاد الله است انما اولاد الله اولاد

جلسه پنجم (۱۳۰۱ شمسی)
ساله ملاکی است که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
بواقع شور و نشاط در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
۱۵۱) در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
شد (۱۳۰۲ شمسی) در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
ملاکی در آنجا

در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
بعضی از جوانان در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

۱۶۱) در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
جلسه با حضور بار و جوانان در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

۱۱) در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
اقتباسی از آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
تبرین در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
استاد حاضر در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
می شود -

آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
جلسه در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
جلسه در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
بمطابق جشن افتتاح اول مجلس است ملتوح و مشغول کار گروهی

فلا یسوی حسی الخفاف کند و بعد با انتخابات هیئت رئیس
شروع میسازد از قلمه نظر ماده مزبوره ایراد وارد ولی چون
در آن کتبش نفس تعالی شده و جاسات از بنفاهاً منعقد
میشد بدون همین رأس سبی تحت ارادت است و شرطیک رئیس
آنست که بود

(۷) در موقعی که دولت الهی و توفیق الهی در خارج
و داخلی پیشه شده گیسور خارج و گیسور درجه بود
ظرفان خود را اظهار نماید ممکن است صورت گیسور در کوی
هر دو باشد مثلا در خارج برای اوقات بود که استقامت
شود که در این صورت گیسور بود علیه ظلم صورت است و این
می باشد اول که در گیسور ها لایحه ارجاع میشود
موانعی در آن است که باشد انصافی که نسبت مستقیم
داده میشود اول این گیسور خارج صورت خود را اظهار میکند
(۸) حسیر بینگونی در حسی اولی کلمه صابر است
است یا نیست

سابقه جاری است که بیایند اعلام و از آن بعد در شرط
حضور بیرون آید که

ماده - کشایه و دولت رسیده نامی از خطه در مشاغل
جود می است و همه ساله در ۱۵ روز اول هر سال
باعتبار می آید

تذکره

اولاً - حضور و عبادت که در هر طرفی از طرفین آنها
دو خط چواری است هر طرف است
ثانیاً - سومی که از تواریخ خلاصه نقل شده چون طالب
از این سنی بفرستد و از فرستاده بلایس ترجمه شده در موقوف
ضرورت و لزوم بهتر مراجعه بشود زبان اسرار است
ثالثاً - مطالعات با تدارکی است که بعد از حدت این سنی
در اروپا بطبع رسیده ظفر با تمام تکیه بعد از حدت در اوساط
اروپا زوج داده ممکن است تواریخ که با هر این کتب از آن حدت
نموده اند تغییر نموده شده چون تحصیل مدارک جدید ممکن بود
که خواننده اول بعد از آن که در آن رسیده دارد و تعیین می هم اگر شده
باشد داخل در سوال است و برای این هم اگر جهت داشت بود
موقع بداند هم قسط بخورد در وقت اکتفا نسبت این است که ما
بمبارک نقل از حدت در هر یک نیز قضاقت نموده و البته در موقع
ضرورت بهتر مراجعه به مدارک جدید است

اعداد راجع به اصلاحات کتاب می باشد

فهرست مندرجات

مقدمه (۱)

فصل اول

قسمت اول - در حد نصاب (۱۳)

اولاً - در عده حد نصاب (۱۴)

(۱) در حد نصاب واحد (۲۰)	ثانیاً - در اقسام حد نصاب
(۲) در حد نصاب مختلط (۲۰)	
(۳) در حد نصاب ثابت (۲۱)	
(۴) در حد نصاب مختلف (۲۲)	

(۱۱) در حد نصاب در موقع رای	ثالثاً - در تحقیق حد نصاب (۲۵)
حساب می نمایند (۳۰)	
(۱۲) همگی که حد نصاب را بعد از رای می شمارند (۳۲)	

قسمت دوم - در وکالت از رای (۳۶)

قسمت سیم - در تهاتر و عضو علی البدل (۴۱)

اولاً - در تهاتر Pairing (۴۱)

ثانیاً - در عضو علی البدل (۴۳)

اعداد راجع به اصلاحات کتاب می باشد

فصل دوم

قسمت اول - در بیان مذاکره در لوائح

قانونی و اصلاحات (۴۶)

قسمت دوم - در بیان حق تقدم (۵۱)

اولاً - قوانین و قواعد بعضی از پارلمنتهای ممالک خارجه در

خصوص تعیین حق تقدم (۵۴)

(۱) - کتبات (۵۴)

(۲) - حق تقدم لایحه و یا طرح و اصلاح « ۵۷ »

(۳) - حق تقدم بین لایحه قانونی و چند اصلاح و تحت اصلاح « ۵۸ »

(۴) - حق تقدم بین دو اصلاح یا تحت اصلاح « ۶۶ »

(۵) - حق تقدم بین اصلاح کنندگان مختلف « ۶۷ »

(۶) - تعیین حق تقدم بواسطه رای مجلس « ۶۸ »

ثانیاً - قوانین و قواعد مرسومه در مجلس شورای ملی « ۷۲ »

(۱) - اختصار در موقعی که نظام نامه رعایت نمیشود « ۷۲ »

(۲) - حق تقدم رای ساکت در استیضاح « ۷۳ »

(۳) - حق تقدم اصلاح به پیشنهاد « ۷۵ »

اعداد راجع به منوعات کتاب می باشد

فصل سیم

قسمت اول - در رای اجباری و رای اختیاری (امتناع)

اولاً - در رای اجباری (۷۸)

ثانیاً - در رای اختیاری یا امتناع (۸۴)

ثالثاً - در امتناع اجباری (۸۹)

قسمت دوم - در رای موجه (۹۵)

قسمت سیم - در طریق اتحاد رای (۹۸)

(۱) رای استنباطی (۱۰۰)

(۲) رای باصوات موافقین و مخالفین (۱۰۰)

(۳) رای بدست های بلند ۱۰۱

(۴) رای بواسطه قیام و قعود (۱۰۲)

اولاً در اتحاد رای سریع

(۱) اخذ رای بواسطه تسبیح موافقین و مخالفین (۱۰۶)

(۲) در اخذ رای بواسطه نامیدن نمایندگان (۱۰۹)

(۳) رای دادن بعد از بلند بدون اینکه رای

دهندگان نامیده شوند (۱۱۰)

(۴) رای باورقه (۱۱۲)

ثانیاً در اتحاد رای دقیق

(۱) ممالکی که رای مخفی را در تمام موارد

عجاز می دانند (۱۲۴)

(۲) ممالکی که رای مخفی محدود است (۱۲۹)

ثالثاً در اتحاد رای مخفی

اعداد راجع به منوعات کتاب می باشد

قسمت چهارم - در استخراج آراء (۱۳۱)

قسمت پنجم - هاشین رای (۱۳۶)

فصل چهارم

قسمت اول - در نتیجه رای (۱۳۸)

اولاً - در بیان اتفاق آراء (۱۳۸)

(۱) در کلیات (۱۳۹)

ثانیاً در تقسیم غیر متساوی (اکثریت)

(۲) در بیان اکثریت مطلق و نسبی (۱۴۳)

(الف) در اقسام اکثریت مطلق (۱۴۳)

(ب) در اکثریت نسبی (۱۵۱)

ثالثاً - در بیان تساوی آراء (۱۵۳)

قسمت دوم - در تغییر رای

اولاً - تغییر در رای صحیح پارلمان (۱۵۶)

ثانیاً - تغییر در رای فاسد پارلمان (۱۵۹)

ضمیمه (۱۶۴)

تذکر (۱۶۸)



Du même Auteur

EN FRANÇAIS

1) Au sujet de la responsabilité de l'Etat pour les actes illicites de ses fonctionnaires et sur le principe de la non extradition pour délits politiques.

2) Le testament en droit musulman (secte chyite) procédé d'une introduction sur les sources du droit musulman (Paris 1914)

EN PERSAN

3) Les capitulations et la Perse (Téhéran, 1914)

4) Société anonyme en Europe (Téhéran, 1915)

5) Procédure Civile en Perse (Téhéran, 1914.)

